



راه کارگر و معضل برنامه (۳)

فدکا رگری را درپوشش عبارات ظاهراً مارکسیستی پنهان کند، ولی "معضل برنامه" برای راه کارگر از این گرفتاریهای ترمین با زبان بسیار قرا تر بوده است. معضل برنامه برای راه کارگر دارای دو جنبه، بسیار جدی است. اول) راه کارگر بعنوان یک سازمان ناسیونال - رفرمیست که هویت ایدئولوژیک و سیاسی خود را در ریزونیسم روسی جستجو کرده است گرفتاریها را در تناقض وجدانی است که بین ناسیونال رفرمیسم معترض بورژوازی عقب مانده و ریزونیسم روسی (دفاع از اردوگاه شوروی و تکیه به این اردوگاه) پدید آمده در صفحه ۷

در ابتدای این نوشته به ترمین راه کارگر با زبان مارکسیستی برنامهنویسی نگاشته کردیم، دیدیم برنامه نویسان چگونه یک سند مارکسیستی را بعنوان ما خذیرنا منویسی خود انتخاب و معرفی میکنند - به این منظور که به زبان برنامه نویسی خودسندیت و اعتبار مارکسیستی بدهند، و بعداً "ندانم کاری" در تمحیح آشنا ترین و شناخته شده ترین فرمولبندیهای سوسیالیستی در همان سند ما خذعلا مشقت خودشان را در کارگر تحریف و مسخ مارکسیسم با زترمی کنند. این شیوه ناگزیر بورژوازی است که خود را به مارکسیسم می چسباند تا مگر امیال و اهداف

پلنوم دهم

در این شماره کمونیست مصوبات پلنوم دهم کمیته مرکزی حزب را میخوانید. این پلنوم در مورد حضور نظامی آمریکا در خلیج تشکل های توده ای کارگران، شورا های اسلامی و در تانک کید بر برخی وجوه فعالیت های بین المللی حزب قطعنامه های ویژه ای را بتصویب رسانده است. علاوه بر اینها همانطور که در اطلاعیه برگزاری پلنوم آمده است پلنوم طرح پیشنهادی قطعنامه درباره اوضاع اخیر جنگ ایران و عراق را نیز مورد بحث و رسیدگی قرار داده است، اما در مراحل بعدی تنظیم و تصویب این سند را بعنوان یک قطعنامه مجزا از دستور کار خود خارج کرده و ارائه نتایج این بخش از مباحثات را بشکل همان مقالاتی که تا کنون درباره جنگ منتشر شده اند مناسبت تشخیص داده است. ما میکوشیم در شماره های بعدی کمونیست درباره این مصوبات و سایر مباحثات پلنوم با رفقای دست اندرکار محاسبه های ویژه ای ترتیب بدهیم.

همچنین اخیراً پلنوم پنجم کمیته مرکزی کومله نیز برگزار شده است. این پلنوم پس از گزارشات یا در رفیق جعفر شفیعی و دیگر رفقای جانباخته و پس از استماع گزارشها، درباره اوضاع سیاسی و نظامی منطقه، مهمترین عرصه های فعالیت حزب در کردستان با توجه به تحولات سیاسی و شرایط حاضر جنگ ایران و عراق و بی آمدهای احتمالی آن و همچنین درباره تدارک برگزاری کنگره ششم کومله به بحث و تصمیم گیری پرداخته است. این پلنوم در آخرین نشست خود بار دیگر رفیق ابراهیم علیزاده را بعنوان دبیر اول کومله انتخاب نمود.

مروری بر مبارزات کارگران صنعت چاپ تهران

صفحه آخر

در صفحات دیگر:

● اطلاعیه درباره

برگزاری پلنوم دهم کمیته مرکزی

● قطعنامه درباره

- شوراها و اسلامی در کارخانه ها
- حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس
- تشکل های توده ای طبقه کارگر (شورا، مجمع عمومی، سندیکا)
- برخی جوانب مهم فعالیت های حزب کمونیست ایران در سطح بین المللی

● قانون کار چگونه باید تصویب شود؟

سپاسگزاری از ابراز همدردی

طی هفته های اخیر ما زمانها و شخصیت های سیاسی بسیاری، حضوراً و با ارسال نامه و پیام، بخاطر ابراز همدردی از دست دادن رفیق جعفر شفیعی به حزب کمونیست ایران و کمیته مرکزی آن تسلیت گفته اند. ما به این وسیله از همه، این ابراز همدردی ها عمیقاً سپاسگزاری میکنیم و چنانچه نتوانستیم همه آنها را تک تک جوابگو باشیم بپوشش میطلبیم.

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران
۱۰ آذر ۱۳۶۶

قسمت اول صفحه ۲۴

لنین درباره جریمه

اطلاعیه درباره برگزاری پلنوم دهم کمیته مرکزی

پلنوم دهم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران در اواخر آبانماه ۱۳۶۶ برگزار شد. پلنوم با سرود انترناسیونال و با بزرگداشت یادرفیق عزیز دکتر جعفر شفیعی، کمونیست انقلابی و عضو برجسته کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران، و نیز یاد همه جا شناختگان راه انقلاب کارگری، کار خود را آغاز نمود. قبل از شروع دستور، پلنوم یکی از رفقای علی‌البدل کمیته مرکزی را به عضویت قطعی این کمیته انتخاب نمود و آئین نامه جلسات را به تصویب رساند.

دستور جلسات پلنوم عبارت بود از:

۱ - گزارشها

۲ - قطعنامه‌های پیشنهادی ستاد سیاسی

۳ - نکاتی در تدارک کنگره سوم حزب

۴ - انتخابات آراگانهای دائمی کمیته مرکزی در فاصله دو پلنوم.

مجموعه گزارشات کمیته اجرائی، شامل گزارش آراگانهای دائمی کمیته مرکزی و سازمانهای اصلی حزب بطور مکتوب از پیش در اختیار اعضای پلنوم قرار گرفته بود. علاوه بر این سخنرانی‌های توضیحی از جانب کمیته اجرائی و مسئولین عرصه‌های مختلف فعالیت در پاسخ به سئوالات حاضرین ارائه شد. در مبحث گزارش همچنین گزارش تحلیلی ستاد سیاسی ارائه شد و سخنرانی‌هایی در کلیات مبحث گزارشها ایراد شد. پلنوم سپس به تفصیل بیشتری به برخی از زیرتیتراهای گزارش پرداخت و در برخی موارد قرارهای لازم را صادر نمود. کمونیسم کارگری و اولویت‌های ما، فعالیت حزب در کردستان، تبلیغات حزب و شیوه کار آراگانهای مرکزی از جمله نکاتی بود که مورد بحث و بررسی دقیق تر پلنوم قرار گرفت. بعلاوه، قراری درباره برپا شدن کمیته‌ای برای تمرکز و هدایت روابط بین‌المللی حزب به تصویب رسید.

بخش مهمی از جلسات پلنوم به بحث حول قطعنامه‌های پیشنهادی ستاد سیاسی اختصاص یافت. قطعنامه‌هایی که طرح آنها به پلنوم ارائه شد عبارت بودند از: ۱ - سیاست حزب درباره تشکلهای توده‌ای کارگری، شورا، سندیکا و جنبش مجمع عمومی، ۲ - درباره حضور نظامی آمریکا در خلیج، ۳ - درباره جوانب مهم فعالیت حزب در عرصه بین‌المللی، ۴ - درباره شیوه برخورد به شوراها و اسلامی و ۵ - مراحل اخیر در جنگ ایران و عراق. بدلیل کمبود فرصت کافی برای بحث تفصیلی در جزئیات قطعنامه‌ها، پلنوم درباره هریک از آنها در کلیات اظهار نظر نمود و تصویب متن نهایی را به جریان روتین کسار آراگانهای دائمی کمیته مرکزی سپرد. پلنوم تصویب کرد که این قطعنامه‌ها همزمان با انتشار این بیانیه در نشریه کمونیست منتشر شود.

در پایان، پلنوم کمیته مرکزی بر طبق روال همیشگی خود، اعضای آراگانهای دائمی کمیته مرکزی، یعنی دبیر کمیته، کمیته اجرائی، ستاد سیاسی، شورای مرکزی و مسئولین تبلیغات مرکزی حزب را انتخاب نمود.

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران ۱۵ آذرماه ۱۳۶۶

سیاسگزار از رفقای حزبی

بدنبال رویداد دردناک جان باختن رفیق ورهبر محبوب و گرانقدر دکتر جعفر شفیعی، علاوه بر تماس‌های حضوری، بسیاری نامه‌وپيام از سوی آراگانها، اعضا و هواداران حزب به کمیته مرکزی ارسال گردیده که حاوی تأثر عمیق و ابراز همدردی و رفیقانه‌ها کمیته مرکزی بوده است. کمیته مرکزی حزب کمونیست از این همدردی و همبستگی رفیقانه صمیمانه بسیار سپاسگزار می‌کند و اطمینان دارد که سنن مبارزه رزمنده کمونیستی در حزب ما، همبستگی فشرده و رفیقانه، آمادگی بیدریغ برای فعالیت انقلابی، پیگیری و فداکاری در عرصه‌های گوناگون مبارزه و پافشاری بر روی پرنسیپ‌های کمونیستی، سنی که رفیق جعفر خود پرچمدار آن بود، بیش از پیش سرمشق فعالیت کلیه صفوف حزب مسأ خواهد بود.

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران ۱۵ آذرماه ۱۳۶۶

قطعنامه درباره

حضور نظامی آمریکا
در خلیج فارس

از آنجا که:

۱- اعزام ناوگان جنگی آمریکا به خلیج فارس، تحت هر پوششی از جانب آمریکا لیستها توجیه شود، در اساس با هدف تثبیت و تحکیم سلطه آمریکا در خلیج فارس و دادن تفوق به آن در رقابت‌های بلوک‌ها و کشورهای آمریکا لیستی، تثبیت دولتهای ارتجاعی در منطقه، تحکیم بندهای انقیاد آمریکا لیستی و مقابله با خطر بحرانها و خیزش‌های انقلابی علیه وضع موجود صورت گرفته و پیش از هر چیز طبقه کارگر و مردم تحت ستم منطقه را آماج خود دارد؛

۲- این امر به رژیم جمهوری اسلامی که از بدو قدرت‌گیری خود در جهت منافع بنیادی سرمایه‌داری و آمریکا لیسم عمل کرده و تا هم اکنون نیز به بندوبست و معاملات آشکار و پنهان با دولت ریگان، رژیم اسرائیل و دولتهای سرمایه‌داری اروپایی مشغول است، و جز با اتکا به حمایت مالی و تسلیحاتی آنها نمی‌توانست و نمیتواند به موجودیت و به جنگ ارتجاعی ایران و عراق ادا مدهد، اکنون یکبار دیگر فرصت میدهد تا در انتظار جهان ریاکارانه چهره "مسد آمریکا لیستی" بخود بگذرد؛

۳- ماهیت و عملکرد ضد انقلابی رژیم اسلامی ما نورهای ریاکارانه آن برای طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش در ایران کاملاً شناخته شده است و حتی جریانات اپورتونیستی نیز مدت‌هاست که بدنبال رادیکال لیسم انقلابی شده‌ها شعار سرنگونی رژیم اسلامی را در دستور گذاشته‌اند، اما اعزام ناوگان جنگی آمریکا و دیگر کشورهای آمریکا لیستی به منطقه، به جریانات اپورتونیستی بویژه در کشورهای اروپایی امکان داده است تا به بهانه پشتیبانی از "مبارزات ضد آمریکا لیستی"، تفا دعوی و کارگران و زحمتکشان را با رژیم اسلامی و مبارزه طبقاتی آنان را علیه این رژیم تخطئه نماید و از احکامیت ارتجاعی وضع کارگری رژیم اسلامی اقدامات جنگی آن حمایت کنند و با این ترتیب به آشفته کردن اذهان کارگران در این کشورها بپردازند، لذا حزب کمونیست ایران اعلام میدارد



کوه :

۱- اعزام ناوگان جنگی امریکا به خلیج فارس را، که با فرستادن ناوگانهای جنگی سایر کشورهای امپریالیستی دنبال شده است، شدت محکوم میکند. این اقدام بخشی از سیاست زورگویی و تجاوزگری آشکار امپریالیسم امریکا است که بویژه در دوره ریگان با هدف تجدید موقعیت سلطه گرانگه نظامی و سیاسی امریکا و تحکیم مجدد بندهای انقیاد امپریالیستی که بوسیله انقلاب در کشورهای گوناگون شدت لطمه دیده است پیش برده میشود و همانند دخالت نظامی در امریکای مرکزی و تجاوز علیه انقلاب و مردم نیکاراگوا، توسل بی پرده به تروریسم دولتی و دیپلماسی زور در سراسر جهان، با ایده‌ها و ازجانب کارگران و توده‌های انقلابی مورد اعتراض و مبارزه قرار گیرد.

۲- هر نوع سیاست حمایت، ولو محدود، از رژیم اسلامی را به بهانه حضور نظامی امریکا در خلیج و تضادهای معین آن با این رژیم، بی چون و چرا اپورتونیستی میدانند و محکوم میکنند.

از نظر طبقه کارگران ایران سرنوشتی جمهوری اسلامی یک نیا زعاجل و حیاتی و طبقه مقدم را تشکیل میدهد و شرط هرگونه بهبودی سیاسی و پیشروی آتی طبقه کارگر به

شماره آمد. عملکرد رژیم اسلامی طی هشت سال عبارت از تحمیل بیسابقه ترین فقر و فلاکت و بی حقوقی و اختناق قرون وسطایی به کارگران و توده‌های زحمتکش، سازمان دادن گسترده ترین ماشین دیکتاتور و سرکوب ویرانه انداختن کشتارهای وسیع خونین کارگران و کمونیستها، سرکوب جنبش کارگری و درخون غرق کردن هر خواست حقوق طلبانه مردم تحت ستم، تحمیل پست ترین و تبعیض آمیزترین قوانین بر زنان و لشکرکشی گسترده به کردستان و سرکوب نظامی بی وقفه خلق گردیده است و تنها سیاست انقلابی برای کارگران و کمونیستهای مختلف در این رابطه عبارت است از پشتیبانی بی دریغ و بی قید و شرط از طبقه کارگر و توده‌های تحت ستم ایران برای سرنوشتی رژیم اسلامی.

۳- در این شرایط کمونیستهای ایران در خارج کشور باید افشای رژیم اسلامی و ماهیت و عملکرد واقعی آن را نزد کارگران و افکار عمومی کشورهای دیگر تشدید نمایند، هر نوع تلاش اپورتونیستی برای حمایت از رژیم اسلامی سرما به و بی حمایت از جنگ را رسوا سازند و برای جلب و بسیج حمایت و پشتیبانی بین المللی هر چه وسیعتری از مبارزات طبقه کارگر در راه سرنوشتی رژیم اسلامی پیش از پیش تلاش نمایند.

تلاش میکنند تا با تبلیغ و ایجاد سازمانهای زرد و ارتجاعی در کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی، مطالبات کارگران را تحریف کرده و جنبش کارگری را محدود و مهار کنند.

۴- فشار رژیم اسلامی به جنبش کارگری، موجب تقویت گرایشات محافظه کارانه و سندیکالیستی در برخی محافل کارگری و بویژه سازمانهای چپ خلقی شده است. علاوه بر این طرح‌ها و ایده‌های ذهنی و غیر عملی نظیر "سندیکای مخفی"، که نه فقط مقصورات و نیازهای واقعی جنبش کارگری را ندیده میگیرد، بلکه اصولاً از پاشخوشتی به نیاز کارگران ایران بر تشکلهای توده‌ای و علنی شان خالی می‌نماید، از جانب برخی گروه‌ها طرح شده است. این ایده‌ها، هر چند با استقبال وسیعی در میان کارگران روبرو نشده است، اما به هر اندازه که نفوذ آنها عظیم‌تر باشد، باعث آشفته فکری کارگران شده و به مانعی در راه سازمانیابی توده‌های طبقه کارگر تبدیل خواهد شد.

با توجه به نکات فوق این وظیفه مبرم در برابر کمونیستها قرار میگیرد که نقطه نظرات و طرح مشخص خود را برای سازماندهی توده‌های کارگران بروشنی اعلام دارند.

الف : رئوس سیاست ما

سیاست کمونیستها در سازماندهی توده‌های کارگران باید بر عوامل زیر مبتنی باشد :

۱- مبارزه اقتصادی کارگران در ایران، عموماً خطی فراقصفتی و سراسری دارد. در پایه‌های ترین سطح، ادغام سرمایه‌ها در رشته‌های مختلف تولید، مالکیت دولتی بر بخش عمده سرمایه‌های صنعتی، نقش اقتصادی دولت و سیاستهای دولتی در تنظیم رابطه عمومی بین کار و سرمایه، و نزدیکی ارگانیک و بهم پیوستگی بیش از پیش مطالبات و خواسته‌های بخشهای مختلف طبقه کارگر موجب شده است تا مطالبات و مبارزات کارگران در هر کارخانه، خصلت و جایگاهی عمومی و فراقصفتی داشته باشد.

۲- در این شرایط سازماندهی کارگری برای پیشبرد مبارزات اقتصادی میباید بر تشکلهای فابریکی - منطقه‌ای، و نه صنفی و رسته‌ای کارگران، مبتنی باشد.

۳- سازمان توده‌ای کارگری باید دخالت هر چه وسیعتر و فاعلتر توده‌های کارگر در مبارزه را تا مین کند و بر موقراسی

قطعنامه درباره

تشکل‌های توده‌های طبقه کارگر (شورا، مجمع عمومی، سندیکا)

با توجه به اینکه :

۱- تشکلهای توده‌ای کارگری، در کنار تشکلهای حزبی طبقه، یک رکن اساسی مبارزه طبقتهای کارگران است و پیشروی و پیشروی در این مبارزه بدون پیدایش و تقویت این تشکلهای و اتحاد وسیع توده‌های طبقه کارگر از طریق آنها، مقدور نیست.

۲- طبقه کارگران تاریخاً از تشکلهای توده‌ای و علنی ادامه کار محروم بوده است و فقدان این تشکلهای هم‌روزیک ضعف اساسی مبارزه طبقه کارگر علیه بورژوازی است. بیرونتاریای ایران برای دخالت موثر در تحولات سیاسی - اجتماعی آتی و ایفای نقش تاریخی خود باید بر این نقطه ضعف فائق آید.

۳- یک شرط اساسی برای پیشروی، تعمیق و پیشروی مبارزات جاری کارگری، که در سالهای اخیر در بعدی سابقه و به نحو بی‌وقفه‌ای ادامه داشته است، برپاشی تشکلهای توده‌ای کارگری است.

۴- تمایل به سازمانیابی و متشکل شدن، یک خواست و گرایش فراگیر در میان توده‌های کارگران و مبارزه برای ایجاد این تشکلهای خودیک وجهه دائمی جنبش کارگری در دوره اخیر بوده است. جمهوری اسلامی مداوماً این مبارزات را سرکوب کرده و سازمانها توده‌ای مستقل کارگران را که در جریان انقلاب و در سالهای پس از آن شکل گرفتند، مورد هجوم قرار داده و متلاشی کرده است.

۵- بر متن این شرایط، جمهوری اسلامی



و اعمال اراده مستقیم کارگران مبتنی باشد. در غیر این صورت، شکل گرفتن بوروکراسی و مراجع تصمیم گیری جدا از توده های کارگر در تشکلهای کارگری اجتناب ناپذیر بوده و خود به ما نمی بر سر راه پیشرفت مبارزات کارگران تبدیل خواهد شد.

۴- جنبش کارگری ایران، تحت شرایط اختناق و رویارویی ناگزیر مبارزه و اعصاب با کارگری با دولت، به مبارزه سیاسی سوق پیدا میکند و برای هیچ دوره طولانی در سطح اقتصادی و در چهارچوب قوانین و نظام موجود باقی نمی ماند. لذا تشکلهای توده های طبقه باید بتوانند قابلیت بسیج توده های کارگران در هر شرایطی را داشته باشند و خود را به مبارزه در چهارچوب قانون و قانونیت بورژوازی محدود نکنند.

۵- تجربه جنبش کارگری در دوره اخیر و واقعیات فوق تاکید کرده و شکل سازمانی متناسب با این واقعیات را عرضه داشته است. این شکل سازمانی **تشکلهای شورائی طبقه کارگر** است. در دوره انقلاب بخش وسیعی از فعالین و پیشروان جنبش کارگری به جنبش شورائی روی آوردند و در بسیاری از واحدهای تولیدی شوراهای کارخانه و در برخی مناطق، شوراهای منطقه ای کارگران تشکیل شد. این جنبش، با سرکوب ۳۰ خرداد و اختناق پس از آن، در ابعاد محدودتری در شکل جنبش مجمع عمومی ادا می یافت و هم اینک نیز خواست ایجاد شوراهای یک گرایش وسیع و عمومی در میان توده های کارگر است.

با توجه به نکات فوق، ما اعلام میداریم که:

۱- شعار اصلی سیاست عمومی حزب کمونیست ایران در زمینه سازماندهی توده های کارگران، تبلیغ و ایجاد شوراهای کارگری و سازماندهی شورائی طبقه کارگر است.

۲- ما سازمان شورائی طبقه کارگر را مرکز ثقل و محور تشکل باسی توده های طبقه و نقطه اتکای تشکلهای توده ای کارگری میدانیم و برای پیوند دادن دیگر تشکلهای توده ای کارگری بر محور سازمان شورائی طبقه کارگر مبارزه میکنیم.

۳- سازمان شورائی، پیشروترین شکل سازمانی توده ای کارگران و ناظر بر سازمانی بخش متمرکز و پیشرو طبقه کارگر در صنایع و واحدهای بزرگ کار است. از اینرو ما برای برپائی یک جنبش فراگیر و سراسری شورائی طبقه کارگر مبارزه میکنیم. با این وجود در کارگاههای کوچک و کلا در آن رشته های که

بخاطر موقعیت اقتصادی شان شامتر متمرکز کارگران در واحدهای کار محدود است و اتحاد حرفه ای، در مقایسه با اتحاد محل کار، کارگران را در موقعیت قوی تری در برابر سرمایه داران قرار میدهد. کارگران را به ایجاد توده های حرفه ای فراموشی نکنیم. برای ایجاد این توده ها مبارزه میکنیم. ما تلاش خواهیم کرد تا سازمانهای اتحادیه ای در این رشته ها در ارتباط و پیوستگی نزدیک با جنبش سراسری شورائی طبقه کارگر قرار بگیرند.

ب: خصوصیات شوراهای کارگری

خصوصیات اصلی شوراهای چشم انداز سازمانی شورائی کارگران، که با بسط و تبلیغات ما مورد نظر قرار بگیرد، عبارتست از:

۱- شوراهای از پیشین شکل میگیرند و خلقت اساسی آنها دموکراتیک و اعمال اراده مستقیم توده های کارگر است.

۲- شوراهای مجمع عمومی منظم و سازمان یافته کارگران است. در هر واحد تولیدی، همه کارگران عضو شورائی آن واحد هستند و مجمع عمومی کارگران بدنه و ارگان تصمیم گیرنده شوراست. مجمع عمومی برای اجرای تصمیمات خود افرادی را (بعنوان کمیته اجرایی و یا تحت هر نام دیگری) انتخاب میکند. این افراد در هر جلسه مجمع عمومی، قابل عزل و نصب مجدد هستند.

۳- در کارخانه های بزرگ که تشکیل مجمع عمومی همه کارگران عملی نیست، شورائی کارخانه از نمایندگان چندین مجمع عمومی، مثلا مجمع عمومی قسمت ها، تشکیل میشود.

۴- سازمان سراسری شوراهای یک سازمان هرمی است که شوراهای فابریکی واحدهای پایه آن هستند. در سطح بالاتر از فابریکی ها، شوراهای نمایندگان شوراهای کارخانه تشکیل میشود (و به همین ترتیب در سطوح بالاتر).

۵- سیستم شورائی وجود اتحادیه ها و اتحادیه های در این شوراهای را منتفی نمیکند. اصنافی که اتحادیه شکل مناسب تشکیل آنهاست میتوانند در سطوح معینی نمایندگان خود را به شوراهای نمایندگی بفرستند و با این ترتیب وابستگی خود را به سازمان سراسری شوراهای اعلام کنند.

۶- سیستم شورائی این امکان را دارد که طبقه کارگر و زحمتکشان را در درجات دیگر و در هیات های اجتماعی دیگر به خود متصل نگاه دارد. شوراهای روستائی و شوراهای سربازان میتوانند در سطوح معینی به این

جنبش متصل شوند. جنبش شورائی های کارگری و غیره نیز میتوانند جای خود را در وابستگی به شبکه شوراهای بیابند.

ج: جنبش مجمع عمومی

به عنوان گام نخست در سازماندهی شورایی کارگران و به عنوان یک راه حل فوری و قابل تحقق برای پر کردن خلأ ناشی از فقدان تشکلهای توده ای کارگری، حزب کمونیست خواهان شکل گیری و گسترش جنبش مجمع عمومی کارگری است. هدف جنبش مجمع عمومی ایجاد یک شبکه وسیع از مجمع عمومی کارگران در کارخانه ها و واحدهای تولیدی و اقتصادی مختلف، منظم کردن و مرتبط کردن آنها با هم و از این طریق ایجاد هر چه سریعتر یک ابزار تشکیلاتی موشرویک رهبری عملی کمابیش سراسری در مبارزات جاری کارگری است.

جنبش مجمع عمومی، که با پدید آمدن فعالیت آگاهانه کارگران کمونیست برپا شود، از این نقطه قدرت اساسی برخوردار است که در عین اینکه گام نخست در سازماندهی شوراهای کارگری است، هم اکنون بدلیل وجود زمینه های مادی بسیار مناسب در جنبش کارگری قابلیت تحقق سریع اهداف خود را دارد. واقعیات موجود جنبش کارگری ایران صحت و حقیقت این سیاست را تأیید میکند.

۱- واقعیات دوره اخیر مبارزات کارگری به روشنی نشان میدهد که هم امروز آمده و خواست مجمع عمومی در جنبش کارگری تثبیت شده و مجمع عمومی پدیده شناخته شده ای در میان توده های کارگر است. در دوره اخیر کارگران برای پیشبرد مبارزات خود و در برابر سازمانهای زرد عملیات اجتماعات اعتراضی خود را، غالباً حتی تحت نام مجمع عمومی، برپا داشته اند.

۲- هر طرح سازماندهی توده ای شورائی کارگران، در صورتی قابلیت فراگیری توده ای و تحقق خواهد داشت که هم امروز و در هر قدم زسیر پیشرفت جنبش، به ضروریات و نیازهای مبارزه جاری طبقه کارگر پاسخ دهد. جنبش مجمع عمومی، در شکل موجود خود، این ظرفیت را از خود نشان داده است.

۳- شرایط اجتماعی - سیاسی ایران و مختصات جنبش کارگری ایجاد میکند که هر نوع سازماندهی توده ای طبقه کارگر از سطح محلی آغاز شود، تا نیا به رهبران محلی جنبش کارگری متکی باشد و تا لایزال هم اکنون تشکلی توده ای باشد. مجمع عمومی این

←
 خصوصیات و ملرومات را به خوبی بر آورده و متحقق میکند.
 حزب کمونیت و کارگران کمونیت و مبارز بطورکلی با یدبرمبنای این زمینه مسا عدوباً اتکاء به تما یلات و گرا یشات موجود در میان کارگران برای اتکاء به مجامع عمومی در مبارزات جاری، جنبش مجمع عمومی را به عنوان یک حرکت آگاهانه، هدفمند و وسیع در میان کارگران سازمان و گسترش دهند. کارگران کمونیت و فعالین جنبش مجمع عمومی وظیفه دارند؛
 ۱- ایده کارآیی مجمع عمومی به عنوان یک ارگان مبارزاتی موثر و روکن شورا های کارگری، و نیز افق وسیع تر جنبش مجمع عمومی را در میان کارگران تبلیغ و تثبیت نمایند و کارگران را به تبدیل شدن به فعالین جنبش مجمع عمومی فراخوان دهند.
 ۲- در هر دو حد تولیدی کارگران را به تشکیل مجامع عمومی فراخوانند.
 ۳- برای منظم کردن تشکیل مجامع عمومی (مستقل از وجود عترای و اعتماد در هر واحد) مستمراً فعالیت کنند.
 ۴- مجامع عمومی را به عنوان سختگویی

واقعی کارگران به رسمیت بشناسند.
 ۵- برای مرتبط کردن مستمر و سازمان یافته مجامع عمومی با یکدیگر و ما تلاش نمایند.
 ۶- مجامع عمومی را هر چه بیشتر در قلمرو قرار دادهای دسته جمعی، حل اختلاف، اسپراز نظر و تصمیم گیری درباره طرح ها و اقدامات دولت فعال نمایند.

د: درباره اتحادیه

نظریه عوامل متعدد نظیر محدودیت های تاریخی و عملی اتحادیه ها در ایجاد اتحاد وسیع طبقاتی و رهبری مبارزه کارگری، پیوند تاریخی جنبش اتحادیه ای با سیاست سوسیال دموکراتیک، گرایش اتحادیه ها به دور شدن از دموکراسی مستقیم و شکل گیری یک بوروکراسی مافوق کارگران در آنها و بالاخره با توجه به فقدان زمینه های مادی برای تشکیل آنها در شرایط کنونی در ایران، حزب کمونیت سیاست تشکیل اتحادیه ها را در مرکز ثقل مبارزه خود برای ایجاد تشکلهای توده ای قرار نهد. سیاست عمومی حزب ایجاد شورا های کارگری است. در عین حال

اعلام میکنیم که:
 ۱- آزادی بی قید و شرط تشکیل اتحادیه های کارگری، جزئی از حق مسلم کارگران برای ایجاد هر نوع شکل صنفی و سیاسی است و ما قاطعانه از این حق دفاع میکنیم.
 ۲- از تلاشهای کارگران برای ایجاد سندیکا حمایت میکنیم و به آن یاری میرسانیم.
 ۳- در اتحادیه های کارگری مستقل شرکت میکنیم، برای تقویت رهبری کارگران کمونیت در آنها میکوشیم و در درون هر اتحادیه خط کمونیتی را متحد میکنیم.
 ۴- برای نزدیک کردن هر چه بیشتر اتحادیه ها به یک شکل ساختاری غیر بوروکراتیک و بویژه برای متکی شدن آنها در سطح محلی به مجامع عمومی کارگران تلاش میکنیم.
 ۵- به درجه ای که سیاست ما برای ایجاد شورا های کارگری و بسط جنبش مجمع عمومی بعنوان نخستین گام آن با تلاشهای محافظ کارگری و جریانات مبارز طرفدار اتحادیه همسویی داشته باشد (نظیر ایجاد مجامع عمومی که مورد تأیید برخی هواداران تشکیل اتحادیه ها قرار دارد)، ما ده اتحادیه را با این محافظ و جریانات هستیم.

قطعنامه درباره شوراهای اسلامی در کارخانه ها

با توجه به آنکه:
 ۱) شورا های اسلامی نهادی مدافع نظام سرمایه داری، پشتیبان رژیم جمهوری اسلامی و مبلغ سیاستهای این رژیم در میان کارگرانند، یعنی یک نهادتاما و آشکارا ارتجاعی هستند،
 ۲) تداوم جنبش کارگری علیرغم خونبارترین سرکوبها و اختناق وحشیانه، رژیم جمهوری اسلامی را واداشته است که برای مقابله با جنبش کارگری، سیاست تحریف و مپاخواستها و مبارزات اقتصادی کارگران را به همراه سرکوب و مقابله روبرواری پیش گیرد و شورا های اسلامی ابزار اصلی پیشبرد این سیاست جمهوری اسلامی را تشکیل میدهند،
 ۳) بطور مشخص تر رژیم جمهوری اسلامی با برسمیت شناسی، اثنا عه و تقویت شورا های اسلامی در کارخانه ها در پی آنست که مبارزات

کارگران را به انحراف و سازش بکشاند، و این مبارزات را تا حد امکان تحت کنترل خود قرار دهد توده های کارگر را به قانون، امکانات و نهادهای دولتی متوهم سازد، روحیه صبر و انتظار و عدم اتکاء به خود را در میان کارگران اثنا عه دهد، با تثبیت شورا های اسلامی بعنوان تنها تشکلهای کارگری، از هرگونه تشکّل و سازمانی مستقل کارگران مانع کند، گرایشهای امکان گرا، رفرمیست و محافظه کار در جنبش کارگری را به تمکین و سازش با خود بکشاند و با بسط تسلط شورا های اسلامی به تعاونی های "امکان" و "اسکان" و موسساتی از این نوع، حلقه واسطی بین خود و طبقه کارگر ایجاد کند،
 ۴- نقش و عملکرد شورا های اسلامی در کارخانه ها یعنی تفرقه اندازی در میان کارگران، ضدیت با کارگران کمونیت و مقابله با گرایش را دیگال - سوسیالیست در

جنبش کارگری، تسوّل به تهدید و اعاب طرح مطالبات ناقص و عقب مانده در پوششی از ضد کارگری ترین و ارتجاعی ترین تبلیغات سیاسی بمنظور محدود و تحریف کردن خواستها و شعارهای کارگران، جلوگیری از گسترش و تعمیق مبارزات کارگری و تلاش برای تبدیل کردن کارگران به بازچهره رقابت های درونی رژیم جمهوری اسلامی، حمله ارتجاعی و ضد کارگری شورا های اسلامی را هم از لحاظ سیاسی و هم در عرصه مبارزات اقتصادی به وسیله ترین توده های طبقه کارگر به روشنی آشکار کرده است،
 ۵) کلیه عوامل فوق موجبات نفرت بحق وسیع ترین توده های کارگر را از این نهاد ارتجاعی فراهم آورده است اما قانونیت شورا های اسلامی، اتکاء آنها به امکانات دولتی و قانونی زمینه ای برای جلب حمایت

آزادی، برابری، حکومت کارگری

قطعنامه درباره

برخی جوانب مهم فعالیت های حزب کمونیست ایران

در سطح بین المللی

تمامی سازمان ها و نهادهای وابسته به سازمانها و سازمانهای مختلفی که تحت نام کمونیسم فعالیت میکنند، ایجاد میکنند. حزب کمونیست ایران خواهان سوق یافتن جناح های رزمنده چپ را در کشورهای مختلف به مواضع اصولی ما رکیستی و لنینیستی، و پیوستن آنها به صف مبارزه برای شکل دادن به یک قطب کمونیستی اصولی و در تقابل با جریان های رژیونیستی بین المللی است. حزب کمونیست، در عین اینکه از تمام و تناسل نظریات کلیه احزاب و سازمانها چپ را در یکال استقبال میکند، تنها با آن جریانها نمیتوانند رابطه نزدیک و فشرده برقرار نمایند که پراستیک و نظرات و مواضع آنها با اصول جنبش کمونیستی ای در تطابق باشد. اصول پایه ای چنین صف بندی ای شرح زیر است:

الف - معطوف بودن به طبقه کارگر و جنبش کارگری و تلاش در جهت تبدیل جنبش کمونیستی انقلابی به جنبش کارگران کمونیست، در صورت قرار دادن وظیفه متحد ساختن بخشهای مختلف طبقه کارگر، تا عهدا شمی آرمانها و مبارزه سوسیالیستی مستقل طبقه، تقویت جنبش کارگری در عرصه های مختلف، و مبارزه برای مستقل کردن آن از سیاست های جناحهای مختلف بورژوازی.

ب - اعتقاد دو تئوریک را انقلاب اجتماعی طبقه کارگر با هدف لغاء مالکیت بورژوازی و برقراری مالکیت اشتراکی بر وسائل تولید و مبارزه، لغاء کارمزدی و استثمار طبقاتی. ج - مرز بندی پایه ای و اصولی با "سوسیالیسم" اردوگاهها و قطب های موجود (شوری، چین، آلبانی) و ترندهای بین المللی نظیر تروتسکیسم و او کمونیسم. تلاش در جهت شکل دادن به یک بین المللی کمونیستی کارگری.

د - اصلیت در مواضع تاکتیکی و استقلال کامل تاکتیکی از جناح های گوناگون بورژوازی تحت هر شرایطی، دفاع از منافع مستقل طبقه کارگر، آرمان سوسیالیسم، و راهی از ستم و خنثی و استبداد سرمایه داری. عصاره مبارزه در سراسر جهان.

پیشروی در جهت تحقق اهداف حزب کمونیست، از جمله مستلزم پیشبرد فعالیتها و مستمری در عرصه بین المللی است. به منظور روشن کردن چارچوب عمومی این فعالیتها و برخی از مهمترین جنبه های فعالیت حزب در عرصه بین المللی، یعنی رابطه با سازمانهای غیر ایرانی، برخورد به تشکلهای کارگری و وظایف ما در رابطه با ایران، مهاجر، کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران بر نکات زیر تاکید میکند.

۱- ارکان فعالیت های حزب

کمونیست در سطح بین المللی

فعالیت های حزب در سطح بین المللی دارای جنبه های متعدد و متنوعی است که در چارچوب عمومی زیر قرار میگیرد.

الف - کمک به امر شکل گیری و تحکیم یک صف بندی کمونیستی انقلابی و کارگری در صحنه بین المللی، در تمام یزبا کلیه اردوگاهها و قطب بندی های رژیونیستی و اپورتونیستی و همچنین در تمام یزبا گروه بندی های فرقه ای چپ را در یکال غیر کارگری.

ب - خدمت به مروجت بین المللی طبقه کارگر، و شرکت هر چه فعالتر در مبارزه بخشهای مختلف طبقه کارگر جهانی علیه نظام سرمایه داری و تضییقاتی که سرمایه به کارگران کشورهای مختلف تحمیل میکند.

ج - همبستگی با مبارزات حق طلبانه اقشار تحت ستم و زحمتکش علیه تبعیضات و ستم سرمایه و امپریالیسم در کشورهای مختلف، و تلاش در جهت تقویت سیاستها و صف کمونیستی در این مبارزات.

د - بسیج حداکثر نیروی ممکن در سطح بین المللی، بویژه از طریق جلب همبستگی پرولتاریای جهانی، برای تحقق استراتژی حزب کمونیست در ایران، سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری حکومت کارگری.

۲- درباره روابط حزب کمونیست

با گروهها و سازمانهای سیاسی

در سطح بین المللی

فعالیت در عرصه بین المللی، برقراری

و همکاری جریانها و امکانات گرا و محافظه کار با شورا های اسلامی را فراهم میکنند و علاوه بر حزب توده و اکثریت که از همان آغاز سیاست سازش و همکاری با شورا های اسلامی را در پیش گرفته اند، برخی گرایشها و فرمیستی نیز شورا های اسلامی را از برای برای تحقق خواسته های کارگران از مبارزه علنی و از طریق قانونی تلقی میکنند و کل این جریان به یکی از اهداف رژیم جمهوری اسلامی یعنی ایجاد تئوریک در میان کارگران باری میرساند، با توجه به نکات فوق ما بر سیاست تاکتونی حزب در تقابل شورا های اسلامی تاکید میکنیم. سیاست و مواضع ما در تقابل شورا های اسلامی تحریم این نهادها و ارتجاعی، تلاش برای انحلال آنها و ایجاد و تحکیم سازمانها و نهادها مستقل کارگری در برابر آنست. حزب کمونیست ایران در راستای سیاست فوق کارگران کمونیست و مبارزه با انجام فعالیت های زیر فرما میخواند:

۱- تبلیغ و فراخوان مستمر کارگران به عدم شرکت در انتخابات شورا های اسلامی و تحریم آنها بطور کلی.

۲- تبلیغ مستمر شعار "شورا های اسلامی منحل باید گردند" و مقابله با این تئوریک که شورا های اسلامی میتوانند ابزار قابل استغاده ای در مبارزه کارگران باشند.

۳- توضیح و افشای نقش و جایگاه شورا های اسلامی در سیاستها و ضد کارگری جمهوری اسلامی و اهدافی که این رژیم از طریق این تشکلهای ارتجاعی دنبال میکند.

۴- افشای خلعت ضد کارگری و تفکر افکنانه شورا های اسلامی، ارتجاع سیاسی و نقش بازدارنده آنها در عرصه مبارزات اقتصادی - محکوم کردن هرگونه دخالت دولت در تشکلهای کارگری و تبلیغ و مبارزه برای ایجاد تشکلهای کارگری مستقل از دولت.

۵- فراخواندن کارگران به ایجاد و تحکیم مجمع عمومی در کارخانه ها بعنوان یگانهای مترنا تئوریک و مستقل کارگری در برابر شورا های اسلامی.

۶- افشای نیروها و جریانها که به نحوی کارگران را به مدارا و همکاری با شورا های اسلامی فرامیخوانند و در تقابل شورا های اسلامی موضعی متزلزل دارند.

۷- طرح و تبلیغ مطالبات را در یکال اقتصادی طبقه کارگر و فراخواندن کارگران به مبارزه مستقل و متکی بخود برای تحقق این خواسته ها. مقابله با تحریف و تخفیف این خواسته ها از جانب شورا های اسلامی.

بقیه از صفحه اول

راه کارگر و معضل برنامه (۳)

آمده است. دیدیم که طرح برنامه راه کارگر ناچار خود را با این تناقض روبروی میبندد، بدون داشتن هیچ پاسخی آنرا دور میزند و سعی میکند با لوی "استقلال بوموسی - تشکیلاتی" آنرا پنهان کند. و بدین ترتیب طرح برنامه راه کارگر بجای آنکه برای سازمان یک پرچم ایدئولوژیک - سیاسی فراهم کند، عملاً تا حد بیهوشی برای ایفای نقش محلی در احیاء تشکیلاتی و سیاسی جریان رویزیونیسم روسی در ایران تنزل میکند. دوم) پراتیک جاری مبارزه طبقاتی در ایران نیز مشکلنازه ای را برایشال راه کارگر تحمیل میکند. محتوای ضد کارگری امپال و مطالبات ناسیونال - رفرمیستی و از جمله ناسیونال - رفرمیسم طرفدار سرمایه داری دولتی به درجه زیادی آشکار شده است. در صف پیشرو کارگران ایران نسلی از کارگران سوسیالیست پا گرفته اند که دیگر لا اقل آگاهی و پافشاری آنها را بر مطالبات حداقل کارگری در هیچ صف آرائی طبقاتی و سیاسی در ایران امروز نمیتوان نادیده گرفت. ناسیونال - رفرمیستی که او هم به نوبه

خود پس از تجربه یک قیام و انقلاب در ایران، حضور و وزن اجتماعی طبقه کارگر را دیده است. و ناسیونال رفرمیستی که امروز امیدش برای سر بلند کردن در میان دیگر جریانات با قدرت تر بورژوازی در ایران، به این بسته است که میتواند مکانی برای سخن گفتن به اسم کارگران کسب کند، دیگر نمیتواند وجود این کارگران سوسیالیست و مطالباتی را که آنان در دستور عمل و مبارزه توده کارگران می گذارند حتی از محاسبات عمل خود بیرون بگذارد. ناسیونال - رفرمیسم برای دخالت در پراتیک جاری مبارزه طبقاتی مجبور است که تکلیف خود را با این مطالبات روشن کند. این مشکل دیگر برنامه را در شدن راه کارگر بوده است که فصل "اهداف فوری ما" در طرح برنامه راه کارگر به آن مشغول میشود. حال ما به سراغ این فصل از طرح برنامه می رویم به "مطالبات انتقالی" ناسیونال - رفرمیسم و رابطه عملی آن با مطالبات حداقل کارگری می پردازیم. سپس از نزدیک ترخواهیم دید که نقشه تاکتیکی عمومی طرح برنامه راه کارگر چیست و آن فهرستی از مطالبات حداقل

کارگری که در فصل "اهداف فوری" طرح برنامه گنجانده شده است، عملاً چه جایی دارد؟
۳- "مطالبات انتقالی" و "مطالبات حداقل" ناسیونال - رفرمیسم ایران بعنوان وارث آرزوهای ترقیخواهی ملی بورژوازی در این کشور و حاصل امپال سترون مانده، اودر ساختن "ایران صنعتی و مستقل"، نسبت به رشد سرمایه داری در ایران نقد خود را داشته است. شکایت از "تبعیت حرکت سرمایه در ایران از حرکت سرمایه امپریالیستی"، "محدود شدن رشد اقتصادی ایران در چهار چوبی که سرمایه امپریالیستی دیکته میکند"، و اعتراض به نتایج آن مانند "ضعیف ماندن بخش صنایع سنگین"، "نداشتن قدرت رقابت صنعتی" و "شکوه های از قبیل "ناموزونی رشد"، "حجم شدن بخش خدمات"، "اتلاف و به یغما دادن ثروت های ملی"، از جمله رئوس این نقد ناسیونال - رفرمیستی در قبال رشد سرمایه داری در ایران بوده است. ویسا اگر بخواهیم از طرح برنامه، حاضران راه کارگر نقل کنیم، ناسیونال - رفرمیسم منتقد این بوده است که "در نتیجه توسعه سرمایه داری در وابستگی به انحصارات امپریالیستی نالوده های فنی و مادی اقتصادی به نحو ناموزونی توسعه یافته است، به گونه ای که

دخالتگری فعال، درک اهمیت مبارزات جاری کارگری، و نیز مبارزات بخش های تحت ستم و مورد تبعیض در جامعه سرمایه داری حتی آنجا که این مبارزات حول مطالبات اصطلاح طلبانه صورت میگیرد، تلاش در ایفای نقش دخالتگری فعال در این مبارزات در جهت منافع انقلاب کارگری و احیاء سیاست کمونیستی.

۳- فعالیت در رابطه با تشکلهای توده ای کارگران در سطح بین المللی

امروزه بخش اعظم جنبش کارگری و مبارزات جاری کارگران علیه سرمایه، خارج از حیطه نفوذ کمونیستی (و همچنین بطور روزافزونی حتی خارج از نفوذ احزاب رویزیونیست و رفرمیست) قرار گرفته است. در چنین شرایطی حفظ تماس و رابطه با پرولتاریای کشورهای دیگر، برای حزب کمونیست ایران مستلزم فراتر رفتن از حد ارتباط گیری با احزاب و سازمانهای سیاسی چپ و ایجاد ارتباط مستقیم با تشکلهای

توده ای کارگری و کانونهای مبارزات طبقه کارگر در این کشورهاست.
رابطه حزب کمونیست با تشکلهای توده ای کارگری (اتحادیه ها، کمیته های کارگری، کمپین های کارگری و غیره) میباید مستقل از ملاحظات ایدئولوژیک تا سرحد امکان بسط یابد. از اینرو:
الف - حزب کمونیست برای برقراری تماس با اتحادیه ها و تشکلهای کارگری، هر جا که این سازمانها به بزار دست دولتها و ارتجاع بورژوازی تبدیل نشده باشند، کوشش میکند. در این تماسها، ما بویژه خواهان رابطه نزدیک تر با توده های عضوی سازمانها، و جناح های رادیکال و انقلابی در میان رهبران محلی و سراسری آنها هستیم.
ب - حزب کمونیست در حد توان خود، در حرکت های اعتراضی کارگری در کشورهای مختلف (اعتصابات، تظاهرات، پیکت ها، و غیره) علی الاصول شرکت میکند.
ج - حزب کمونیست در عین حال موظف است تا ضمن همبستگی عملی هر چه فشرده تر با مبارزات کارگری در برابر کارفرمایان و دولتها، نظرات و سیاست های مستقل خود، و

نیز انتقادات خود به سیاست های اتحادیه ها و تشکلهای کارگری را مطرح و تبلیغ کند.
۴- در رابطه با ایران مهاجر
استقرار رضا انقلاب بورژوا - اسلامی در ایران موج وسیعی از آوارگان و تبعیدیان ایرانی را روانه کشورهای دیگر، بویژه کشورهای همسایه ایران و اروپای غربی، نموده است. کارآگاهان هگرا نهوسا زماندهی در میان این پناهندگان و مهاجران، و بسیج نیروی آنها علیه جمهوری اسلامی یک امر دائمی حزب کمونیست ایران است. اما این مهاجرت وسیع و پافشاری انترناسیونالیستی جدیدی نیز در دستور حزب میگذارد. حزب کمونیست ایران وظیفه دارد بکوشد تا موج ایرانیان پناهنده و مهاجر، نه تنها به عاملی در اعمال فشار اقتصادی بورژوازی به طبقه کارگر کشورهای دیگر و به بزاری برای تفرقه افکنی های ناسیونالیستی، شونیستی، و نژادپرستانه بورژوازی تبدیل نگردد، بلکه خود به نیروی در جهت تقویت جنبشهای کارگری و پیشرو در این کشورها بدل شود.

وسایل تولیدکننده" وسایل تولید در مقایسه با صنایع تولیدکننده" وسایل مصرفی - مقیاس ناچیزی تکامل یافته اند و مصنوعات صادراتی ... به دلیل سطح نازل باآوری کار در برابر رجاها بی اهمیت حاشیه ای دارند. . . این نقد بورژوازی و ناسیونالیستی از رشد سرمایه داری در ایران که توسط چپ ایران تحت نام سه سالیم و بعنوان ریشه "دردهای خلق" و "ریشه" مشقات طبقه کارگر" به انحای مختلف جا زده شده است در ناسیونالیسم - فرمیست های شیفته - سرمایه داری دولتی با یک رشتگی از مطالبات معین توأم میشود، این مطالبات که فهرستی از ملی و دولتی کردنها و اقدامات مالی و حمایتی را دربرمیگیرند در اساس ناظر بر این هستند که وسایل عمده تولید از دست صاحبان خصوصی به دولت منتقل شود و قدرت اقتصادی بطور کامل در دستگاه دولتی متمرکز گردد. مطالبات انتقالی، انتقال به شکل سرمایه داری دولتی را به انجام میرسانند تا بالاخره در آنجا به این شکل از سرمایه داری، و تحت رهبری ناسیونالیسم - فرمیست ها، اقتصاد ایران از حوزه تقسیم کار ایجاد شده توسط سرمایه مبریا لیستی اردوگاه غرب "جدا شود"، انباشت سرمایه زور دولت و مستقل از فشارهای سرمایه مبریا لیستی غربی به رشته های صنایع بزرگ و ما در هدايت شود و برای جوا بگوئی به نیازهای انباشت دولتی و پرشتاب سرمایه، استثمار طبقه کارگر بر مبنای گسترده ترو متمرکز تر زمان یابد.

ناسیونالیسم - فرمیسم شیفته، سرمایه داری دولتی کوشیده که مطالبات خود مبنی بر انتقال به سرمایه داری دولتی را نیز مطالبات "خلق" و با مطالبات طبقه کارگر جا بزند، با تقدیس این مطالبات به اسم "انتقال به سوسیالیسم"، مطالبات اقتصادی و سیاسی کارگران را علنا عقب براند، انکار کند و به آنها امکان بروز ندهد. ولی عربیان شدن ما هیت فدکا رگری سرمایه داری دولتی اینکار را برای ناسیونالیسم - فرمیست ها مشکل کرده است. و بعلاوه در ایران امروز، همانگونه که اشاره کردیم، ناسیونالیسم - فرمیسم آنجا که به جنبش کارگری رجوع میکند، و به همان درجه ای که خود را ناگزیر از در نظر گرفتن وزن سنگین طبقه کارگر و رجوع به کارگران می یابد، واقعیت زنده مطالبات کارگران کمونیست - مطالبات اقتصادی و سیاسی فوری طبقه کارگر را مستقل

از خود و در برابر خود می بیند. همان مطالباتی که در بخش حداقل بر نامه حزب کمونیست آمده امروز یک واقعیت زنده در صف پیشرو کارگران ایران است که عملاً هرگونه ادعای همراهی با کارگران در مبارزه علیه ارتجاع حاضر بورژوازی بر مبنای پذیرش آنها محک زده میشود. روشن است که برای راه کارگر نیز دیگر انکار صریح این مطالبات "ممکن و" مقرون به صرفه "نبوده است. طرح بر نامه راه کارگر همراه با مطالبات انتقالی خود، مجبور بوده است فهرستی از مطالبات حداقل کارگری را در خود جای دهد. ولی چگونه؟ این فهرست عملاً در بر نامه اهداف فوری راه کارگر چه جایشی یافته است؟ (ما اینجا نه به شمول و دقت، نه نحوه فرمول بندی این یا آن مطالبه و یا سطح پیشرو بودن و نبودن آنها کار نداریم) در این مورد اول به خود راه کارگر و مقدمه ای که کمیته مرکزی سازمان بر طرح بر نامه نوشته است گوش کنیم:

"یکی از ویژگیهای طرح بر نامه"

حاضر گنجاندن مطالبات انتقالی در بخش هدفهای فوری است. اینکار بر پایه این اعتقاد صورت گرفته است که ... تا و می وقفه انقلاب و فرا تر رفتن آن از سرمایه داری و انتقال به سوسیالیسم شرط برگشتنا پذیری و پیروزی قطعی آنست. در عین حال طرح حاضر بر نامه انتقالی را بهانه ای برای حذف بر نامه حداقل قرار نداده. . . با آوردن مطالبات حداقل و انتقالی در یک جا و بدون تفکیک اعتقاد قاطع ما را به انقلاب بی وقفه بیان کرده و مطالبات ما را در مراحل گسترش یافته آن صراحتاً ارائه داده است." (همانجا، تاکید از ما است)

اول با دیدگت راه کارگر بسیار بسیار لطف کرده که "مطالبات انتقالی" خود را بهانه حذف قرار نداده است. اعتراف سخت است، ولی اعتراف آبرودارانه هم راهی است! این اعتراف ناسیونالیسم - فرمیسم به این واقعیت است که در دنبال کردن انتقال به سرمایه داری دولتی امروز دیگر نمیتوان اسم کارگر را عریه گرفت، نمیتوان به سخنگویی به اسم کارگران امید داشت، مگر آنکه لااقل از حذف علنی و رسمی مطالبات کارگری به بهانه مطالبات انتقالی دست برداشت. تا جایی که به کارگران مربوط میشود ما این اعتراف آبرودارانه "کمیته مرکزی راه کارگر نشانهای بر قوت یافتن

مطالبات کارگری تلقی میکنیم. ولی هنوز دو نکته جدی تر برای ما باقی است. طرح بر نامه مطالبات کارگری را به بهانه "مطالبات انتقالی" خود حذف نکرده، هر دو را "بدون تفکیک" و "در یک جا" آورده و مجموعه آنها را در "مراحل گسترش یافته" ارائه داده است. اول - طرح بر نامه چه رابطه عملی و واقعی بین مطالبات انتقالی خود و مطالبات حداقل کارگری برقرار کرده است؟ به هر یک از این دو دسته مطالبات در کنار هم چه جایشی داده است؟ مسئله اعتراف به وجود مطالبات کارگری و نقل کردن فهرستی از آنها در بر نامه نیست، مساله بر سر جایگاه آنها در بر نامه است. و دوم - آن قضیه "مراحل گسترش یافته چیست؟"

مطالبات حداقل و "مطالبات انتقالی"، دو دسته مطالبات متفاوت هستند. اینها مطالبات متفاوت و طبقه هستند. از آرمانها و اهداف طبقه ای کاملاً متفاوت و متضادی بر میخیزند و لاجرم به دو پرا تیک سیاسی و اجتماعی کاملاً متفاوت، متضاد و در مقابل هم منجر میشوند. مطالبات حداقل کارگری به معنای بهبود وضعیت طبقه کارگر، تحکیم موقعیت این طبقه در مقابل استثمار روستی حقوقی سرمایه داری و به معنای داخل تگری طبقه کارگر در زندگی اجتماعی و سیاسی است. لذا این مطالبات برای صف پیشرو آگاه کارگران ناظر بر هموار کردن راه برای انقلاب کارگران، ناظر بر اوردست یافتن به حکومت کارگری و برپائی سوسیالیسم کارگری است. مطالباتی است که در حرکت کارگران آگاه برای تحکیم قدرت اجتماعی و سیاسی طبقه خود در دل جامعه سرمایه داری و علیه این جامعه خدمت میکند. در مقابل مطالبات انتقالی ناظر بر تغییر ریل "رشد سرمایه داری" در ایران، رسیدن به الگوی دولتی متکی به اردوی روسی و از این نظر عملاً در خدمت ساز قدرت سرمایه و استثمار سرمایه داری در مقابل طبقه کارگر و در مقابل هرگونه پیشروی جدی و طبقاتی کارگران علیه استثمار سرمایه داری است. راه کارگر خود میداند که عملی شدن مطالبات کارگری زیر پای اهداف "انتقالی" و واقعی میکند. و سببترین دموکراسی و دموکراسی مستقیم (قرار گرفتن قدرت دولتی بطور کامل و در تمام سطوح در دست خود بوده مردم) بر افتادن کامل هرگونه تبعیضات جنسی، ملی و مذهبی، برابری همه در امر انتخاب شدن و انتخاب کردن بر پایه اداره

مستقیم موردولتی، عملی شدن همه این مطالبات سیاسی که ز طرف کارگران خواسته میشود، بی تردید توده های مردم را به دخالت فعال در زندگی سیاسی و اجتماعی شان می کشد، توده های کارگر را بسیج میکند و به کارگران پیشرو و آگاه امکان میدهد که در رأس آنان عمالو با کمترین مشقتا مبرپاشی حکومت کارگری و متشکل کردن توده های کارگر بصورت طبقه، حاکمه در این کشور را آغاز کنند. عملی شدن مطالبات اقتصادی کارگری یعنی به کرسی نشستن حقوق استثماریندگان در برخورداری از رفاه، تامین و آسایش اقتصادی، رسمیت یافتن بالاترین توقعات استثماریندگان از یک زندگی انسانی، کاهش ساعات کار، بیمه بیکاری، تعیین دستمزدها مبنی بر رفاه، همه و همه میلیونها کارگر و زحمتکش را برای به اجراء درآوردن این مطالبات به شرکت فعال و گسترده آنان در تمام جوانب زندگی اقتصادی می کشد و آنان را عملاً رودر روی تمام اشکال خصوصی و دولتی مالکیت بورژوازی قرار میدهد. و این شرایطی است که کارگران آگاه در آن میلیونها کارگر را مستقیماً به زیر پرچم سوسیالیسم کارگری، نه فقط برای خلع پادشاه استثماری و دولت سرمایه داری، بلکه به منظور مستقر کردن مالکیت اشتراکی و برانداختن پایتخت استثماری سرمایه داری بسیج و متحد خواهند کرد. مطالبات کارگران کمونیست که امروزه پیشرو کارگر را در مبارزه جاری طبقاتی و سیاسی هدایت میکند، فردا پرچم عمل صفوف توده های طبقه کارگر در این مبارزه خواهد بود که در رأس مردم زحمتکش با عملی کردن تا به آخر این مطالبات شرایط انقلاب خود را فراهم می آورند.

در مقابل، رسیدن به مقصود سرمایه داری دولتی، مستلزم بردن اساس مالکیت سرمایه از فراز سر توده های کارگر، مستلزم محدود کردن و خفه کردن امکان دخالت کارگران و توده های استثماری شده در زندگی سیاسی و اقتصادی، مستلزم مقابله با رسمیت یافتن توقعات مردم استثماری شده در برخورداری از آسایش و رفاه اقتصادی، مستلزم بازداشتن توده های کارگر از دخالت مستقیم برای عملی کردن مطالباتشان و مستلزم مقابله و سرکوب این مطالبات تحت لوای "انتقال" است.

مطالبات انتقال به سرمایه داری دولتی که تا کنون "بهانه" حذف مطالبات حداقل کارگری از دستور و پیشرو کارگری بوده است، فردا سر باز ناسیونال - فرمیسم

بورژوازی را در پیشاپیش بورژوازی هراس زده در مقابل توده های کارگری که دست بکنار عملی کردن مطالباتشان شده اند بیخ می کشد. طرح برنامه راه کارگر به هر یک از این دو دسته مطالبات "در مقابل همه جا شایسته" است؟ راه کارگر با لایحه در کدام طرف می ایستد و میخواهد بايستد. در طرف کارگران یا در مقابل آنها؟ در طرف "مطالبات انتقالی خودیها" در طرف مطالبات حداقل کارگران؟ طرح برنامه در راه کارگر عجلتاً از حذف مطالبات حداقل کارگران "بهانه" برنامه انتقالی خودیها کرده است، اما آن قضیه "مراحل گسترش یا بنده" مطالبات ما "به این معنا نیست که فهرستی از مطالبات حداقل کارگری فعلاً و از روی اجبار در حرف پذیرفته میشوند تا بعداً در عمل با سرنیزه های "برنامه" انتقالی و "مطالبات انتقالی" حذف گردند؟! و با این "مراحل گسترش یا بنده" به معنای این نیست که آوردن فهرستی از مطالبات حداقل در طرح برنامه همراه کارگرتنها یک پوشش عاریتی برای برنامه و مطالبات انتقالی رسوا شده و آبرو باخته او بوده است؟ پاسخ جدی به این سئوالات را نباید در این دنباله کرد که آیا "طرح برنامه" تبیین شوریکی بین مطالبات انتقالی خودیها و مطالبات حداقل کارگری ترسیم کرده است و این تبیین چیست. چنین چیزی بویژه جایش در برنامه نیست. کسی که مطالبات حداقل کارگری را نه در حرف، بلکه واقعاً پذیرفته است، کسی که در مبارزه برای اصلاحات واقعاً با کارگران همراهی کند، در کنار آنان و پشتیبان آنان باشد، در برنامه خود باید چیزی بسیار جدی تری را روشن کند، اینکه اساساً در مبارزه سیاسی طبقات، در مبارزه واقعی بر سر قدرت سیاسی و در درونهای خود از این مبارزه در کجا می ایستد و در کجا میخواهد بایستد؟ اینکه در مبارزه برای سرنگونی ارتجاع حاضر و موجود بورژوازی قدرت چه کسی در مقابل چه کسی تحکیم و مستقر گردد؟ آیا واقعاً پذیرفته است که در مبارزه علیه رژیم بورژوازی حاضر - جمهوری اسلامی، قدرت کارگران و توده زحمتکش مردمی که مطالبات خاص خود را دارند و دنبال عملی کردن این مطالبات هستند، تحکیم و مستقر شود و یا اینکه بر علیه آنان بدنبال نقشه دیگری است؟ چه چیزی با بدجا یگزی جمهوری اسلامی شود؟

پاسخ کسی که در طرف کارگران می ایستد و آن کسی که واقعاً خواهان همراهی بسا

کارگران است به این سئوال کاملاً روشن است! بی چون و چرا با بد قدرت کارگران و توده زحمتکش مردم جا یگزی رژیم حاضر شود قدرت متشکل و سازمان یافته کسانیکه نیروی اعمال جدی ترین و ریشه ای ترین تغییرات در جامعه حاضر هستند و پرچم آنرا را در دست دارند و ما برای این می کوشیم! ما از راه کارگرتنها پیدانتظار داشتیم که به سئوال یا دشده پاسخ سر راست و صریح بدهد. همانطور که از حزب توده انتظار را این نبود که به چنین سئوالاتی پاسخ صریح بدهد، از امثال راه کارگر هم انتظار رنمی رود. "طرح برنامه" میگوید که مبارزه در راه سرنگونی جمهوری اسلامی حلقه اصلی مبارزه سازمان در لحظه کنونی است. اما پاسخ آن به اینکها زمان از "مبارزه در این راه" چه میخواهد، چه چیزی را میخواهد برای جمهوری اسلامی بگذارد، پاسخی است شامل یک دهلیز تودرتو (حتماً مراحل گسترش یا بنده؟) که تا زه پس از کنکاش در آن جواب را باید در جای دیگری یافت.

"مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برای دموکراسی تنها نقطه آغاز یک انقلاب حقیقی خلقی را تشکیل میدهد که هدف آن نمیتواند ایجاد جمهوری پارلمانی برآورده شود" (همانجا، شروع فصل اهداف فوری ما) مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی نقطه آغاز یک انقلاب است که هدف آن انقلاب نمیتواند ایجاد جمهوری پارلمانی برآورده شود! بسیار خوب. اما "مبارزه برای سرنگونی" ممکن است نقطه آغاز یک انقلاب و یا هر چیزی دیگری باشد، ممکن است نقطه آغازی برای راضی کردن شوروی به دست کشیدن از حمایت رژیم اسلامی باشد. ممکن است نقطه آغازی برای دلالتی حزب توده و شرکاء فدائی و تقلا برای جادادن آنها در بین اپوزیسیون چپ باشد. ممکن است نقطه آغازی در سر خوردن از جلب حمایت شوروی و امید وختن به سوسیال دموکراسی اروپا تا موقع رضایست دادن شوروی باشد. ممکن است نقطه آغازی برای ازدست رفتن تما بیل اشتلاف با امثال مجاهد باشد. ممکن است... اینکه مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی آغاز چه چیزی خواهد بود فقط با این مشخص میشود که "مبارزه ما" صریحاً بگوید از سرنگون کردن جمهوری اسلامی چه میخواهد؟ با سرنگون کردن این رژیم چه چیزی را میخواهد برای او بگذارد؟



خبر! جواب راه‌ها را که در شروع فصل اهداف فوری او پیدا نمی‌شود، گویا درج این جواب در پیشانی "اهداف فوری" بیش از حد اسباب خجالت بوده است. طرح برنا مه‌رانی در ورق زدنا به صفحه آخر رسید. جواب درسته برنا مه‌رانی می‌کند:

"راه‌ها را که رگر به سهم خود عمیقاً اعتقاد دارد که نخستین گام برای تحقق کامل ... اصلاحات اجتماعی و سیاسی - سرنگونی جمهوری اسلامی و برگزاری مجلس موسساتی است که آزادانه توسط تمام مردم انتخاب شده باشد"

اعتقاد عمیق راه‌ها که رگر به سهم خودش (شرکای دیگری هم‌باید برای سهم‌گذاری پیدا شوند) جا بگزین کردن جمهوری اسلامی بایک مجلس موسساتی است، اما مجلس موسساتی کار و نقش صرفاً اعلام و تأسیس یک جمهوری با رلمان‌هاست، مجلس موسساتی بشرط آنکه موفق باشد هیچ‌کامی بیشتر جز تأسیس یک جمهوری با رلمان‌ها در طول تاریخ نکرده است و نمی‌کند، تا تأسیس همان نوع جمهوری که خود راه‌ها که رگر مجبور بوده است شروع فصل اهداف فوری اش را با این توصیف از آن مزین کند: "تجربه‌هایی این حقیقت را که ملا به اثبات رسانده است که جمهوری با رلمان‌ها صرفاً نظام سیاسی مناسبی برای دفاع از سیادت بورژوازی و حفظ ابزارهای دولتی در دست این طبقه است!"

بله! همان‌طور که طرح برنا مه‌رانی در رسمی مطالبات حداقل به بهانه مطالبات انتقالی خودداری کرده است، از آوردن حکم‌آشنای "شورا پورا مالیده" در سر برنا مه‌رانی می‌شود. درسته برنا مه‌رانی می‌شود در موقع مقتضی بر سر زبان ما حبان برنا مه‌رانی گیرد. * بگذارید بپرسم شما که میدانید "جمهوری با رلمان‌ها صرفاً نظام سیاسی مناسبی برای دفاع از سیادت بورژوازی است

پس چرا به سهم خود اعتقاد دارید که با سرنگونی جمهوری اسلامی با یک مجلس موسساتی بیا بید که کارش تا سی‌ا‌ین جمهوری است ...؟ مثل اینکه برنا مه‌نویسان درست حساب نکرده بودند که با آوردن "دریک جا" و "بدون تفکیک" مطالبات کارگری و مطالبات انتقالی به دست خود برگ‌رسانی خودشان را افضا می‌کنند.

اما طرح و نقشه برنا مه‌نویسان راه‌ها که رگر در حد این "اولین مرحله" - مرحله مجلس موسساتی با در واقع "گام اول" کردن سیادت بورژوازی "که برنا مه‌رانی تیک رسمی روی بیونیم روسی در کشورهای تحت سلطه اردوگاه مقابل در آن متوقف می‌مانند و سر نوشت امثال حزب توده را تجدید می‌کنند، نمی‌خواهد توقف کند. همان‌طور که قبلاً دیدیم راه‌ها که رگر به خودش قول می‌دهد که در عین حال به نام سونال - رفر میس خودش نیز وفادار بماند تا "سیر" تقدم "منافع بازرگانی و دیپلماتی سوسیالیستی" شروع نشود، امتیازاتی را که از سهم‌گذاری در "کامل کردن سیادت بورژوازی" بدست می‌آورد فقط خرج منافع بازرگانی و دیپلماتی اردوگاه نکند، بلکه از این امتیازات برای دنبال کردن تا به آخر "برنا مه‌انتقال" سودجوید. ما هم این قول راه‌ها که رگر را فرض می‌گیریم. با ردیگر از آن فصل "اهداف فوری ما" در طرح برنا مه‌رانی، به شروع این فصل برمی‌گردیم تا آن مبارزه و مطالبات را که تا اینجا به یک جمهوری با رلمان‌ها انجام داده است و قرار بوده است نقطه آغاز یک انقلاب خلقی باشد که هدف آن با این جمهوری سرآوردده نمی‌شود در "مراحل گسترش یافته" بعدی آن دنبال کنیم. نقل قول از شروع فصل اهداف فوری راه‌ها که رگر ما می‌دهیم:

"راه‌ها که رگر برای برانگیزی (برنا مه‌نویسان از فرهنگ کودتای واژه، مناسب و گویا راه‌ها که رگر،

سرنگونی نه برانگیزی!) رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دموکراتیک خلق جهت گذار به وقفه به سوسیالیسم مبارزه می‌کنند". بدین ترتیب معلوم می‌شود که قرار است به دنبال برانگیزی رژیم جمهوری اسلامی و جایگزینی آن با مجلس موسساتی و یک جمهوری با رلمان‌ها نباشد، "جمهوری دموکراتیک" خلق جهت گذار به وقفه به سوسیالیسم (حتماً منظور همان انتقال است) برسد، اما این جمهوری دموکراتیک خلق چیست؟

"جمهوری دموکراتیک خلق، محصول قیام مسلحانه کارگران و توده‌های ستم‌کشیده و یک دموکراسی نبوده است که در آن شوراها کارگران و زحمتکشان، یعنی اعمال حاکمیت بلاواسطه کارگران و زحمتکشان متناسب با تقویت مواضع پرولتاریا انتقالی (تعارف نمی‌کنید) جایگزین نهادهای نمایندگی با رلمان‌ها خواهد شد". (تا کید و پراانتزامت)

اگر قرار است قیامی صورت بگیرد و کارگران و زحمتکشان قیام کنند و قیامشان به پیروزی برسد چرا ارگان‌های قیام که ارگان‌های اعمال حاکمیت مستقیم قیام کنندگان، یعنی همان کارگران و زحمتکشان یکبار به جایگزین تمام نهادهای توده فقط نهادهای پارلمانی دولتی بورژوازی نمی‌شود. و بالاخره آن "پرولتاریا انتقالی" که جایگزینی آنهم فقط جایگزینی نهادهای نمایندگی با رلمان‌ها به وسیله شوراها به تقویت مواضع او خواهد داده می‌شود جز همان کارگرانی که در راه قیام و ارگان‌های قیام می‌ایستند چه کسی است؟ بالاخره جمهوری دموکراتیک خلق طرح برنا مه‌رانی پیروزی قیام کارگران و زحمتکشان است یا محصول خفه کردن آنان؟ جمهوری ای

بقیه در صفحه ۲۳

* - در طرح برنا مه‌رانی، پیش از رسیدن به فصل "هدف‌های فوری ما" آنجا که "شرایط مبارزه" طبقاً در ایران توصیف می‌شود از جمله چنین می‌آید که گرچه ما هیت دستگیر کردیم بورژوازی در دولت بطور کامل تحقق نیافته است، "با اینحال سیادت سیاسی مستقیم و همه‌جا نبوده و در نتیجه جمهوری با رلمان‌ها - جمهوری ای که صرفاً نظام سیاسی مناسبی برای دفاع از سیادت بورژوازی و حفظ ابزارهای دولتی در دست است"، به این معنی است که هدف فوری راه‌ها که رگر "تحقق بخشیدن به سیادت سیاسی مستقیم و همه‌جا نبوده بورژوازی در دولت" است ...؟ برای هنر برنا مه‌نویسی روی بیونستی هنر عجیبی است. هنری است که با دیدمراقب با شما در امیال و اهداف واقعی بر ملا شود و مبارزات بیا بید.

مرگ بر سرمایه، مرگ بر امپریالیسم!

اخبار کارگری

کارگران شرکت واحد از پرداخت باج و خراج جنگی خودداری کردند

در تاریخ ۲۷ مهرماه بهشتا مه‌ای از طرف مدیریت شرکت واحد در مشهد مبنی بر اینکه کارگران هرماه با پرداختن از دستمزد خود را برای کمک به جبهه‌ها اختصاص دهند، در همین رابطه نیز فرمهایی چاپ میشود و در میان کارگران توزیع میگردد تا کارگران مشخصات خود و مبلغ مورد نظرشان برای کمک به جبهه‌ها را در این فرمها بنویسند و این مبلغ هرماه از دستمزد کارگران کسر گردد.

در برابر این اجبار برای کمک به جبهه‌ها، کارگران دست به اعتراض میزنند و به جرات تعدادی از عاقد دست نشانده مدیریت، اکثریت کارگران از پرکردن فرمها خودداری می‌کنند. علاوه بر این، اعتراضات کارگران مدیریت را وادار به عقب نشینی میکنند، بطوریکه ناچار میشود بخشنامه دیگری صادر نماید که طی آن اعلام شده بود: کمک به جبهه‌ها اجباری نبوده بلکه داوطلبانه خواهد بود.

اعتصاب کارگران علیه مقررات "انضباطی" مدیریت را عقب نشانند.

ایجادکننده سرانجام مدیریت ناچار شد با کارگران اعتصابی به مذاکره بنشینند. با فشاری نماینده کارگران بر اینکه مفاد اطلاعیه "انضباطی" باید لغو شود و اخطار کارگران مبنی بر ادامه اعتصاب تا لغو اطلاعیه، مدیریت را ناچار کرد عقب نشینی کند و اطلاعیه خود را لغو نماید.

اواسط مهرماه کارگران کارخانه شاد در سمنان - علیه اطلاعیه مدیریت کارخانه مبنی بر اینکه کارگران بدون اجازت مدیریت حق آب خوردن، سیگار کشیدن و رفتن به دستشویی را ندارند، اعتراض کردند و دسته جمعی تمام دستگاها را خاموش کرده، دست به اعتصاب زدند. تهدیدهای مدیریت نتوانست مانعی در ادامه اعتراض کارگران

کارگران اداره امور تعاونی خود را بدست گرفتند.

کاملاً به کارگران سپرده شود. مقامات دولتی در وهله اول تلاش کردند با بی توجهی به خواست کارگران، آن را پشت گوش بیاورند. اما ادامه اعتراضات و فشاری کارگران، مقامات را مجبور به قبول خواست کارگران کرد و کارگران توانستند تعاونی را بدست بگیرند. شهریورماه سال جاری از طرف کارگران ۹ نفر بعنوان نماینده برای اداره امور تعاونی انتخاب شدند و مسئولیت تهیه نیازمندیهای کارگران از دولت و تحویل آن به کارگران به آنها سپرده شد. تا انتشار خبر از چگونگی کار این تعاونی اطلاعی کسب نکرده ایم.

از ۸ سال پیش بنام کارگران و کارکنان شهرداری و چند اداره دیگر شهر میوان یک شرکت تعاونی ایجاد شده بود که تمام اختیارات و امتیازات آن در دست مسئولین دولتی و شرکایشان بود. بنا به خبری که دریافت کردیم، از تابستان سال جاری کارگران شهرداری و چند اداره دولتی دیگر این شهر، چون بنیاد مسکن، برق، جهاد سازندگی، مخابرات و اداره راه، برای بیرون کشیدن تعاونی از دست نمایندگان سرمایه دست به مبارزه و اعتراض زدند. کارگران ادارات فوق طی قطعنامه مشترکی که به امضاء ۳۵۰ نفر رسید اعلام کردند که اداره این تعاونی میباید

تهدید بیکار سازیها در کارخانه بنزخا و ر

بنا به یک خبر در کارخانه بنزخا و رشا بیع شده است که مدیریت بیکار سازی ۱۵۰۰ کارگر، یعنی حدود نیمی از کارگران این کارخانه را تدارک دیده است. خبر حاکی است که نقشه بیکار سازی در این کارخانه نیز مشابه همان نقشه‌ای است که قبلاً در کارخانه های ناسیونال و فیات به اجرا درآمده است. بنا به این نقشه کارگران تحت فشار قرار میگیرند که داوطلبانه خود را با خرید کنند و چنانچه داوطلبان کم با شند مدیریت خود را میمان کارگران انتخاب خواهد کرد و این دسته را با غرامت کمتری با خرید خواهد کرد. از اینکه تهدید بیکار سازی در کارخانه بنزخا و رتا چه حد جنبه عملی یافته است خبر دقیقی دریافت نکرده ایم. خبر رسیده حاکی است که اولین تهدیدهای بیکار سازی در میان ناآما دگی معوق کارگران حدوده ۴ نفر را به تسلیم و امیدارد و این عده خود را برای با خرید داوطلب میکنند. سپس برای مقابله با بیکار سازی جنب و جوشی در میان کارگران پدید می آید. کارگران تلاش میکنند که معوق خود را متحد کنند و همراه آن گروهی از داوطلبین برای پس گرفتن تقاضایشان اقدام میکنند.

کارگران ایران اکنون تجربه تسلیم بیکار سازی در کارخانه های فیات و ناسیونال و چند کارخانه دیگر را پشت سر دارند. بیکار سازیها یک سیاست اعلام شده دولت جمهوری اسلامی بوده است. کارگران از مدتها پیش با ضرورت اتحاد و آمادگی در صفوف خود برای مقابله با بیکار سازیها و دفاع از اشتغال روبرو بوده اند. این ضرورت هم اکنون نیز پیش روی صفوف کارگران قرار دارد. کارگران باید در مقابله با بیکار سازیها آمادگی خود را حفظ کنند. ضروری است که در تمام کارخانه ها صفوف متحد کارگران برای مقابله با تهدیدهای عملی و ضمنی بیکار سازیها تجهیز و مستحکم شود. باید بیکوشیم که همه جا صفوف کارگران اراده خود برای دفاع از حقوق اشتغال، محکوم کردن بیکار سازی و آمادگی برای دفع حملات دولت و کارفرمایان را، علناً ابراز کنند و به نمایش بگذارند. لازم است که همه جا کارگران با برپایی مجمع عمومی و با صدور قطعنامه های روشنی از پیش صفوف

اخبار کارگری

اعتراض و مبارزه جمعی
کارگران برای بازگشت بکار

مردان ماه سال جاری حدود ۱۵۰ کارگر سد مها با دادخواست شدن و در مقابل اعتراض کارگران مقامات محلی مسئولیت آن را از دوش خود برداشتند و گفتند که "دستورالمرکز آمده است".

بنا به خبر رسیده کارگران بیکار شده دسته جمعی به راهرو رفتند تا قضیه را پیگیری کنند. اما به آنها پاسخ روشنی داده نمی‌شود. کارگران در ادامه اعتراض چند نفر را بعنوان نماینده انتخاب کردند، هزینه سفر آنها را با جمع آوری پول در میان خودشان، تا مین کردند و برای اعتراض به تهران فرستادند. نمایندگان چندین بار به مجلس، رئیس جمهوری و اداره کار مراجعه کردند اما جز وعده و وعید چیزی نصیبشان نشد و بازگشتند. مقامات مسئول سد، برای ایجاد تفرقه در میان کارگران چند کارگر را بزرگوار با زگرداندند، تعدادی را بازنشسته کردند و به بقیه اعلام کردند که با پدیا خرید شوند. این تصمیم با اعتراض و مخالفت کارگران مواجه شد. تا دریاقت خبر مبارزه کارگران برای بازگشت بکار ادامه داشته است.

مبارزه متحد کارگران مانع کاهش دستمزدها شد.

اوائل پائیز سال جاری مسئول شرکت ساختمانی برده ریشه واقع در ۱۲ کیلومتری مریوان اعلام کرد که بدلیل نبود سابل لازم، کارگران باید نصف روز کار کنند و نصف دستمزد دریافت کنند. طبق خبری که دریاقت کرده ایم، کارگران این شرکت که تعدادشان حدود ۷۰ نفر است علیه این تصمیم اعتراض کردند و خواستار پرداخت شدن کامل دستمزدهایشان شدند. تهدیدات مسئول شرکت و تلاش او برای ایجاد تفرقه در صفوف کارگران مانع ادامه اعتراض کارگران نشده و مسئول شرکت تا چارمی شود در مقابل کارگران عقب نشینی کند و دستمزد کامل کارگران را پرداخت نماید.

☆☆

یک خبر از ایندا مین :

فرا بود که در نیمه دوم آبانماه از طرف سازمان تامین اجتماعی مبلغ ۲ میلیون تومان و امدراختیار کارخانهای ایندا مین قرار گرفت تا بین کارگران تقسیم شود. اما در تاریخ مقررتنها مبلغ پانصد هزار تومان در اختیار کارخانها گذاشته شد. مدیریت نیز با همکاری انجمن اسلامی بجای تقسیم این مبلغ در میان کارگران تصمیم گرفتند که مبلغ مذکور را بین بیست و پنج نفر از عناصر دست نشانده خود تقسیم کنند. کارگران به محض اطلاع از این تصمیم مدیریت و انجمن اسلامی بلافاصله دست بکار شدند. آنها در یک اقدام دسته جمعی این توطئه مدیریت را خنثی کردند. به این ترتیب که اکثریت قریب به اتفاق کارگران دسته جمعی تقاضای وام نوشتند و تقاضای خود را به کارگزی کارخانه تسلیم کردند. بدینال این اقدام کارگران، مدیریت عملاً از اجرای طرح خود با زمانند و تحت فشار کارگران ناچار گردید که مبلغ پانصد هزار تومان را بین کلیه کارگران قرعه کشی نماید و آنرا در میان بیست و پنج نفری که به حکم قرعه نشان بیرون آمده بود تقسیم کند. به این ترتیب کارگران ایندا مین یکبار دیگر با هشیاری و آماجگی خود در یک اقدام دسته جمعی توطئه مدیریت را خنثی کردند.

بقیه از صفحه قبل: شهید بیکار سا زیبا ...

خود را در مبارزه علیه تهدید بیکاری ها و دفع حملات دولت، همدل، همزمان و همپیمان کنند. در قطعنا مای ما دره از طرف اجتماعات و مجامع عمومی کارگران از جمله این نکات باید به روشنی گنجانده شود:

- هرگونه بیکاری و بهر بهانه های محکوم است. رکود و توقف تولید در کارخانه ناشی از سیاست دولت است. این کارگران نیستند که با فدا کردن شغل و زندگی خود و خانواده هایشان با پدیان سیاست های دولت سرمایه را بدهند.

- در تمام کارخانه ها، مستقل از اینکه وضع تولید و مویالی کارخانه در چه حالی است، شغل و معیشت کارگران باید کاملاً محفوظ بماند. دولت و کارفرمایان به هیچ وجه حق بیکاری، چه تحت عنوان با خرید و چه بیمه، بیکاری، حق انتقال و اعزام کارگران به محل دیگر و حق تعرض به دستمزدها و

حملات دولت و کارفرمایان
همچنان ادامه دارد.

اخباری از چند کارخانه:

اخبار دریاقتی دیگر، حاکی از تسد اوم حملات وسیع دولت و کارفرمایان علیه شغل، درآمد و معیشت کارگران است. بنا به خبری، در کارخانه آجر ماشینی ثبات دستمزد کارگران چند ماهه عقب افتاده و کارگران طی این مدت فقط مبلغی علی الحساب معادل ۲ هزار تومان در ماه دریافت کرده اند و در مقابل بل اعتراضات کارگران کارفرما به تهدید بیکاری متوسل شده است.

در صنایع فلزی مدیریت در صد برابر آمده است که بخشی از دستمزد سالانه را که به اسم حق بهره وری پرداخت میشده است پرداخت نکند. در این کارخانه قبلاً مبلغ ۲۵۰۰ تومان بعنوان علی الحساب حق بهره وری به کارگران پرداخت شده و میزان حق بهره وری ۶۰۰۰ تومان اعلام شده بود. به گفته کارگران مدیریت پس از دستکاری دفاعی اعلام کرده است که به گروهی از کارگران حق بهره وری کمتر از مبلغی که علی الحساب پرداخت شده بود تعلق میگیرد و کارگران خواسته است که مابقی را به کارخانه پس بدهند.

خبر دیگری که در روزنامه های دولتی انتشار یافته است حاکی از این است که در

دریاقتی کارگران را ندارد. شغل و دریاقتی کارگران در همه حال باید بی چون و چرا پابرجا بماند و در همه حال تامین بماند. تمام کارگرانی که تا کنونی در هر کارخانه ای و بهر عنوان و بهانه ای بیکار شده اند، باید فوراً به کار بازگردانده شوند. دولت باید فوراً برگشت بیکار شدگان را تضمین کند. بیکار سا زیبا محکوم است و کارگران از مبارزه بیکار شدگان برای برگشت به شغل های خود هر جا که باشد پشتیبانی میکنند.

با آوری میکنیم که در اوایل شهریور ماه مدیریت کارخانه بنزخا و ربا به عقب انداختن پرداخت دستمزدها و ظفره رفتن از پرداخت بخشی از دریاقتی سالانه کارگران، حمله دیگری را به کارگران در این کارخانه سازمان داده بود. کارگران بنزخا و ربا نتوانستند با اجتماع خود بیکار اعتبار بکروزه آن حمله کارفرما را به عقب برانند. مشروع خیر این مبارزه کارگران در "کمونیست" شماره ۳۴ درج شده است.

جمع‌بندی حرکات، مبارزات و اعتراضات کارگری طی ششماه اول سال ۶۶

اول مه در بسیاری از کارخانه‌ها و محله‌های کارگری، اعتصاب ۲ روزه هزاران کارگر کفش ملی در خرداد ماه در دفاع از روزگار ۸ ساعتی که تنها پس از ۲۶ روز کشش با اعتصاب کارگران اعتصابی فروکش کرد، اعتصاب و تحمیل یک هفته‌ای هزاران کارگر کارخانه نیشکر هفت تپه علیه کار در شرایط جنگی و برای سازمان‌دهی مبارزات رفاهی در اوایل تیرماه که تنها با توسل به سرکوب و بگیر و ببند خاموش شد و بالاخره اعتصاب یک روزه کارگران بنز و در شهر بیورما برای دریافت دستمزدهای معوقه و دریافتی سالانه که با موفقیت اعتصابیون خاتمه یافت، خصلت‌های این تحریک دوباره در جنبش کارگری است. علاوه بر مبارزات و اعتراضات فوق‌شما هم اول سال جاری دوره اعتراضات جمعی و وسیع کارگران نیز بوده است. مبارزات کارگری طی این مدت راه‌چند عموماً تداومی بوده‌اند، بر زمینه عقب نشینی‌های پس از بیگاریا زیبا، میتوان تحرکی درجهت پیشروی ارزیابی کرد.

جنبش کارگری ایران، پس از پشت سر گذاردن لطمات و ممانعی که سال گذشته بخصوص برای اثر اجراء شدن سیاست بیگاریا زیبا با آن دچار شد بود، در سال ۶۶ جان تازه‌ای گرفته است. اوایل سال ۶۵ و اوایل سال جاری، طبقه کارگر مبارزه برای دریافتی‌های سالانه و برای برگزاری مراسم مستقل کارگری به مناسبت روز جهانی کارگر، به جنبش کارگری تحریک دوباره‌ای بخشید. نگاهی به جمع‌بندی حرکات و مبارزات کارگران طی ششماه اول سال جاری بیاناتی را می‌دهد که تا نیمه دوم سال جاری است. بدیهی است که این جمع‌بندی متکی به فقط آندسته از اخباری از جنبش کارگری است که تحت حاکمیت سیاست جمهوری اسلامی امکان نشر یافته‌اند و تمام حرکات جنبش کارگری طی این مدت را منعکس نمی‌کند. علیرغم این نقیصه جمع‌بندی تصویر نسبتاً روشنی از وضعیت جنبش کارگری طی مدت مذکور بدست می‌دهد. مبارزات برجسته‌ای چون: برگزاری اردن مراسم مستقل کارگری به مناسبت

تعداد و انواع حرکات کارگری در ششماه اول سال ۶۶

جدول شماره ۱
۱- اعتصابات:
اعتصابات کارگری هم‌چنانکه فوقاً اشاره شد، طی این مدت ۲۴ مورد بوده است و مهمترین مطالبات آنها افزایش دستمزدها، مبارزه برای بخشی از دریافتی‌ها، و مبارزه برای حقوقهای معوقه بوده است. کارگران طی این اعتصابات اشکالی از تجمع چند هزار نفره، بازخواست از مسئولین در جمع کارگران و حسابرسی از آنها، انتخاب نماینده و مذاکره با کارفرما و مسئولین، صدور قطعنامه، تشکیل پیکت اعتصاب را بدست داده‌اند. ۱۴ مورد موفق و ۶ مورد

اخبار منتشره بیاناتی است که طی مدت فوق جنبش کارگری دست به ۹۷ مورد اعتراض و مبارزه زده است. از این تعداد ۲۴ مورد اعتصابات کارگری، ۲۳ مورد برگزاری مراسم مستقل روز اول مه و ۵ مورد اعتراضات و مبارزات جمعی کارگران بوده است. از ۹۷ حرکت کارگری ۵۵ مورد موفق، ۱۷ مورد ناموفق و بقیه نامعلوم گزارش شده‌اند. مهمترین مطالبات حرکات کارگری عبارت بوده است از: ۲۳ مورد مراسم مستقل کارگری روز اول مه، ۱۸ مورد مطالبه انواع دریافتی‌ها، ۱۱ مورد افزایش دستمزدها، ۵ مورد دریافت حقوقهای معوقه ۷ مورد علیه اخراج، برای بازگشت بکار و روح اشتغال، رجوع کنید به

گروه صنعتی بهش، ۹۰۰۰ روز از مرخصی سالانه کارگران این واحد باطل شده است و کارفرما دستمزدها بین روزها را به حساب ذخیره آخرت! واریز کرده است. این نمونه دیگری است از اینکه چگونه کارفرمایان، کارگران را به حساب دولت جمهوری اسلامی به بیگاری میکشند و روزهای فراغت کارگران را نیز برای برگردن خزانه جمهوری اسلامی تباه میکنند و همراه آن با به شوم جمهوری اسلامی و تبلیغات ضد کارگری او را روی سر کارگران گسترش میدهند.

تداوم حملات دولت و کارفرمایان و وسعت روزافزون این حملات، هشدار داد که نسبت به این واقعیت است که کارگران با بیابا نیروی بیشتری در مقابل این حملات بیابا خیزند، براتحاد و همبستگی طبقاتی خود متکی شوند و برای عقب راندن دولت سرمایه‌داری و رژیم ضد بشری اوصاف متحد خود را به میدان آورند.

دزدی مدیریت و شورای اسلامی در کارخانه چوب پارس

مدیریت کارخانه چوب پارس و چند تن از اعضای شورای اسلامی و کارگزیانی دست به دزدی از صندوق کارخانه میزدند و برای اینکه این دزدی رون شود، مدیریت را وادار میکنند که استعفا بدهد. مدیریت نیز ظاهراً می‌پذیرد و درخواست میکنند که مجمع عمومی کارگران تشکیل شود تا با کلیه کارگران خداحافظی کند. اما در جلسه مجمع عمومی، مدیریت قضیه دزدی را برای کارگران فاش میسازد. بدنبال افشای مدیریت، آن تعداد از کارکنانی که در دزدی دست داشتند با شلوغ کردن سعی میکنند که جلسه مجمع را برهم بزنند. اما کارگران، مسئله دزدی را پیگیری میکنند و به وزارت کار شکایت میبرند. در نتیجه اعتراض کارگران، نماینده وزارت کار نیز مسئله دزدی را می‌پذیرد و تمامی کسانی که در قضیه دزدی دست داشتند اخراج میشوند. بنا به خبر کارگران در اعتراض به این مسئله به مدت یک روز دست به اعتصاب زده‌اند*

بقیه خبرها در صفحه ۱۷

* - منظور از انواع دریافتی‌ها، مزایا، سود سالانه، پاداش، عیدی، حق سختی کار، طرح طبقه‌بندی، دفاع از دستمزدها و... است.

* - آندسته از حرکات کارگری که دریافتی‌ها تماماً بخشی از مطالبه کارگران را بدنبال داشته، موفق ارزیابی شده است.

برقرار باد جمهوری دمکراتیک انقلابی!

اخبار کارگری

نا موفق بوده است. متاسفانه گزارش نتیجه ساپرا اعتصابات را دریافت نگذرده ایم. مشخصات اعتصابات ایندوره در جدول شماره ۲ منعکس شده است.

اعتصاب کارگران

کوره پزخانه های غرب کشور

از اعتصابات این دوره ۷ مورد اعتصابات وسیع و گسترده و گاه منطقه ای کارگران کوره پزخانه های غرب کشور بوده است. طی این اعتصابات هزاران کارگر کوره پزخانه ها به همراه خانواده ها پیشان در پیش از صد کوره برای افزایش نرخ دستمزدها دست به مبارزه

اعتصابی زدند. اعتصابات کارگران کوره حداقل ۴۰ روز طول کشیده که در مواردی دریافت حقوق ایام اعتصاب و سایر مطالباتی چون هزینه وسایل کار و هزینه حمل و نقل خانواده های کارگری به محل کار نیز به کارفرمایان تحمیل شده است. تمامی اعتصابات کارگران کوره پزخانه ها در سال جاری موفق به افزایش نرخ دستمزدها شد. مشروح آتی را این اعتصابات در نشریه کمونیست شماره ۳۳ منتشر شده است.

اعتصاب کارگران در

سایر واحدهای تولیدی :
۱۷ مورد از اعتصابات این دوره، مبارزه

اعتصابی کارگران در سایر واحدهای تولیدی بجز کوره پزخانه ها - در سایر کشور بوده است
۷ مورد آن موفق، ۶ مورد نا موفق و بقیه نا معلوم گزارش شده است.

از ۱۷ مورد اعتصابات فوق، ۱۰ مورد اعتصاب کارگران در کارخانه های بزرگ بوده است که

۵ مورد آن به موفقیت رسید، ۳ مورد نا موفق ماند.

از مهمترین حرکات اعتصابی کارگران کارخانه ها، طی مدت فوق میتوان از اعتصاب هزاران نفره کارگران کفش ملی که نمونه ای از مقاومت و اتحاد کارگران در مقابل افزایش زمان کار بود، اعتصاب و تحمیل بکفتهای کارگران نیشکر هفت تپه علیه کار در شرایط جنگی و اعتصاب یکروزه کارگران بنزخا و نامبرد. (اخبار این مبارزات در نشریه کمونیست شماره های ۳۲، ۳۳، ۳۴ به تفصیل منتشر شده است)

۲- مراسم روز جهانی کارگر:

در روز جهانی کارگر سال جاری شاهد مراسم وسیع کارگری در کارخانه ها و محلات کارگری بودیم. اکثر این مراسم در کارخانه ها، با تجمع و برپایی جشن از جانب کارگران

جدول شماره ۱: حرکات مبارزات و اعتراضات کارگری در سایر کشورهای شما هم، اول سال ۶۶ (بر اساس گزارش های منتشر شده)

نوع حرکات کارگری	نتایج حرکات کارگری و مشخصات آنها	تعداد	موفق	نا موفق	مهمترین مطالبات	مهمترین اشکال مبارزه
اعتصابات		۲۴ مورد	۱۴ مورد	۶ مورد	۱۱ مورد افزایش دستمزدها ۱۰ مورد برای دریافت حقوق های معوقه ۴ مورد برای دریافت حقوق های معوقه	- دست از کار کشیدن و حضور در محل کار - مذاکره کارفرما و مسئولین با نمایندگان - حاضر شدن بر سر کار (کارگران کوره پزخانه ها) - حفظ تجمع کارگران
مراسم اول ماه مه		۲۳ مورد	۲۱ مورد	۲ مورد	برگزاری مراسم مستقل کارگری و اعلام بزرگداشت این روز	- خرید گل و شیرینی و برگزاری - مراسم در محل کار - متوقف کردن کار برای برپایی مراسم
سایر مبارزات و اعتراضات کارگری		۵۰ مورد	۲۵ مورد	۹ مورد	۸ مورد اعتراض برای دریافت حقوق ۴ مورد اعتراض علیه خراج ۴ مورد اعتراض علیه شورای اسلامی ۴ مورد اعتراض علیه مقررات انضباطی ۲ مورد اعتراض برای دریافت غذا حق غذا و بهبود کیفیت آن ۳ مورد اعتراض علیه باج و خراج جنگی	- ۱۴ مورد شکایت و نوشتن طومارهای جمعی اعتراضی - ۹ مورد برپایی تجمعات اعتراضی و دست از کار کشیدن - ۹ مورد اعتراض جمعی و مقاومت
مجموع حرکات کارگری		۹۷	۵۵	۱۷	-	-

ترتیب گسترده‌تری میتوان چنین خلاصه کرد.

۱- حمله به سطح دستمزدها، دریا فتنی‌های کارگران، به تشویق انداختن پرداخت خت‌ها، قطع مزایای بی چون غذا، وغیره

۲- با لایردن شدت کار روزمان کاربخصوص در صنایعی که گشایشی در راه افتاد نشان صورت گرفته است

۳- اخراج و تهدید به بیکاری، اخراج‌های پراکنده و در مواردی تشویق کارگران به باز خرید شدن

۴- فشارهای جنگی شامل: آموزش نظامی، با جکیریه‌های جنگی، اعزام به جبهه‌ها، وادار کردن کارگران به کاردر شرایط جنگی و زیر بمبارانها، تغییر زمانهای کار بفرار خورا و وضع جنگ، بمباران مراکز صنعتی و کشتار کارگران و...

۵- حمله به مبارزات جاری، اعتصابات و جمعیت کارگران با شکل مختلف چون

بسیاری دست زده است. طی این مدت کارگران به ۵۰ مورد اعتراض و مبارزه جمعی دست زده‌اند، که ۲۰ مورد آن موفق، ۹ مورد نا موفق و بقیه نا روشن گزارش شده‌اند.

در معدودی از حرکات اعتراضی کارگران انجمنها و شوراهای اسلامی تلاش کرده‌اند خود را در اعتراض کارگران دخالت دهنده عموماً نقش ساکت کننده و یا بی خاصیت آنها طی مبارزه برای کارگران بر ملا شده است و در مواردی حرکت کارگران را به انحسار کشانده‌اند. اما علیرغم این تلاشها جنبش کارگری طی مدت فوق عموماً مستقل از نهادها و ارگانهای دولتی مبارزاتش را پیش برده است.

عرصه‌های حملات روتین جمهوری اسلامی و کارفرماها به کارگران

دولت سرما به و کارفرماها در سال جاری نیز به حملات روتین خود در عرصه‌های زیر به کارگران ادامه داده‌اند. این عرصه‌ها را به

برگزار شد. گزارشات و اخبار منتشره حاکی است که امسال ۲۳ مراسم مستقل کارگری بهمناسبت اول مه برگزار شده است که ۱۹ مورد آن در کارخانه‌ها و بقیه در محلات و محافل کارگری برپا شده است. اجتماع ۲۰۰۰ نفری کارگری در کردستان و قطعنامه این تجمع یکی از برجسته‌ترین مراسم روز کارگر امسال بود. اکثر مراسم کارگری با موفقیت برگزار شد و فقط در ۲ مورد اخراج و تعلق برخی از کارگران را بدنبال داشت. در سال جاری کارگران علیرغم موانع مذهبی ماه رمضان جشن اتحاد طبقاً تیشان را برگزار کردند. بخش اعظم اخبار مربوط به این حرکت کارگری در نشریه کمونیست شما ره ۳۲ منتشر شده است.

۳- سایر اعتراضات و مبارزات کارگری:

طی شما ره اول سال جاری علاوه بر اعتصابات و برگزاری مراسم اول مه، جنبش کارگری به اعتراضات و مبارزات جمعی

جدول شماره ۲: اعتصابات کارگران در سراسر کشور طی شما ره اول سال ۶۶ (بر اساس گزارشهای منتشر شده)

مهمترین اشکال مبارزه	مهمترین مطالبات	نا موفق	موفق	تعداد	نتایج و مشخصات دسته بندی اعتصابات
اعتصابات دهه‌ها کوره پزخانه بطور همزمان - انتخاب نمایندگان برای مذاکره - تشکیل پیکت اعتصاب - صدور قطعنامه	افزایش نرخ دستمزدها در قراردادهای کار - حقوق ایام اعتصاب - هزینه حمل و سایل زندگی کارگران به محل کار - هزینه سایل کار - مقاومت در مقابل دستگیری مسئولین	-	۷	۷ مورد در بیش از صد کوره پزخانه	اعتصاب کارگران کوره‌های غرب
دست از کار کشیدن و حضور در محل کار - تجمع چند صد نفره و چند هزار نفره کارگران - مذاکره با مسئولین و کارفرما - کشاندن مسئولین به مجمع کارگران برای پاسخگویی	مطلبه بخشی از دریا فتنی‌ها - دریافت حقوقهای معوقه - دفاع از روز کار ۸ ساعته	۳	۵	۱۰	اعتصاب واحدهای صنعتی بزرگ
دست از کار کشیدن و حضور در محل کار - ایجاد تجمع و بازخواست از مسئولین	مطلبه بخشی از دریا فتنی‌ها - حقوقهای معوقه - علیه اخراج و بیکاری زیبا - افزایش دستمزدها	۳	۲	۷	اعتصابات در سراسر واحدهای تولیدی سراسر کشور
-	-	۶	۱۴	۲۴	مجموع اعتصابات

اخبار کارگری

تهدید، تفرقه افکنی توطئه، دستگیری، ضرب و شتم.

۶- برپایی جلسات تعمیق مذهبی - سیاسی و ایجاد جو سرکوب و اعراب در کارخانه‌ها بمناسبت‌های مختلف و گاه حتی بی مناسبت صرفاً برای حمله به روحیه کارگران.

۷- فشار بر زنان کارگر برای جدا سازی محل کار

درجه اعمال فشارها در کارخانه‌های مختلف عموماً به وضع کارگران، تشکّل و مبارزاتشان از یک طرف و وضعیت تسولید کارخانه از طرف دیگر ارتباط نزدیک دارد. انجمنها و شوراهای اسلامی در بسیاری موارد نقش‌آفرینی اعمال و به اجراء آوردن این فشارها در دست مدیران و مسئولین را ایفا میکنند، در اعتراضات و مبارزات، گاه "معترض"، گاه میانجی و گاه مدافع مدیریت از آب درمی‌آیند، و در مواردی با دخالت دادن خود در اعتراضات کارگران موفق شده‌اند کارگران را به شکست بکشانند. وضعیت کارگران در مقابل حملات

۱- کارگران عموماً در مقابل حمله به دریافتی‌ها، دستمزدها و مطالبات رفاهیشان بیش از هر چیز عکس العمل نشان میدهند، دامنه این عکس العمل‌ها از طومار نویسی جمعیتی و شکایت تا اعتماد به چند صد نفره و چند هزار نفره وسیع و متنوع است.

۲- در مقابل افزایش ساعت کار و رشد کار، اگر با تهدید بیکاری و اخراج تسوأم باشد در بسیاری موارد کارگران تسلیم میشوند، اما در مقابل افزایش شدت کار و ساعت کار که خطر تهدید بیکاری مستقیم و بلافاصله را پشت سر ندارد، کارگران عموماً مقاومت میکنند.

۳- تهدید بیکاری در بسیاری از موارد کارگران را در مقابل حملات سرمایه در موقعیت ضعیفی قرار میدهد.

۴- در مقابل فشارهای جنگ کارگران حساسند و به اشکال مختلف عکس العمل نشان میدهند، تحریم کلاسهای آموزش نظمی،

مقاومت در برابر جکبیری و اخذی بسیاری جبهه‌ها، نرفتن به جبهه‌ها و مقاومت در مقابل اعزام اجباری، مقاومت علیه کار در شرایط جنگی و... اشکال مقاومت کارگران علیه فشارهای جنگ در کارخانه‌هاست.

۵- کارگران در مقابل حملات کارفرما و رژیم هر چند در مواردی پیش‌بینی‌ها می‌دارند، اما از پیش دست به اقدامات عملی نمی‌زنند آنها معمولاً بدون سازمان و بدون برنامه و تدارک قبلی در مقابل حملات سرمایه قرار میگیرند.

در مواردی تا همدتلاشهای جمعی کارگران در اعتماد به مبارزات برای بازگرداندن اخراجی‌ها و آزاد کردن دستگیرشدگان هستیم. کارگران همچنین در برخی از مبارزات اتحاد بی نظیری از خود نشان داده‌اند. داشتن اتحاد در بسیاری از مبارزات در بدو امر توانی در حفظ این اتحاد در طی مبارزه در بسیاری از مبارزات مشاهده میشود.

۶- جلسات مذهبی - سیاسی که از طرف مقامات دولتی و مسئولین کارخانه ترتیب می‌یابد عموماً تحریم و مورد تمسخر کارگران قرار میگیرد. کارگران در مواردی این جلسات را به ضد خود یعنی جایی برای ابراز اعتراض و بازخواست از مسئولین تبدیل کرده‌اند.

۷- مقاومت کل کارگران علیه اعمال فشار بر زنان ضعیف است و این مقاومتها عموماً از طرف خود زنان بطور فردی یا جمعی صورت میگیرد.

اشکال مبارزات کارگران طی این دوره:
مبارزات و اعتراضات کارگران طی ششماه اول سال جاری در بسیاری موارد خود بخودی، پراکنده و بدون سازمان شکل گرفته است (بجز مواردی چون برگزاری مراسم اول مه و مبارزات کارگران کوره - پزخانه‌های غرب کشور). اما علیرغم این، پیشروان و رهبران عملی نقش بسزایی در برپایی این اعتراضات و مبارزات، طرح مطالبات و جهت‌گیریهای آنها ایفا کرده‌اند. در بسیاری از کارخانه‌ها کارگران به امکاناتی که تشکیل مجمع عمومی در خدمت مبارزه‌شان میگذارد پی برده‌اند. عموماً تشکیل مجمع عمومی در بسیاری از کارخانه‌ها با مبارزات جاری و اعتراضات کارگران گره خورده است و با شروع وا و جکبیری مبارزات بر

پا میشود و با پایان مبارزه خانه میباید. دست زدن به اعتماد تقریباً شکل رایج و در واقع شناخته شده‌ای در مبارزات کارگری بوده است و کارگران هر کجا توانسته‌اند اعتراض و مبارزه‌شان را به سطح اعتماد به اعتماد داده‌اند اعتماد به عموماً حول یک مطالبه و شعار محوری شکل گرفته و توده کارگران را بسیج کرده است و در ادامه مطالبات دیگری را در دستور گذاشته است.

کارگران عموماً طی مبارزات و در جریان آن در مقابل انجمنها و شوراهای اسلامی قرار میگیرند اما مقابله با این نهادها دولتی و تلاش برای برچیدن آنها مبارزه مستمر کارگران نیست تنها هنگامی که شوراهای اسلامی در دست تشکیل است کارگران با تحریم و یا در دفاع از حق انتخاب مستقیم‌نما بنده مقابل آن قرار میگیرند.

مبارزات کارگری از نظرها نواع مطالبات عموماً تداومی بوده است و تنها در مواردی چون مبارزه کارگران کوره پزخانه‌های غرب کشور برای افزایش نرخ دستمزدها و برگزاری مراسم مستقل کارگری اول مه، کارگران دست به مبارزه تعرضی با مطالبات اثباتی خود زده‌اند.

عکس العمل کارگران در

برابر سیاستهای رژیم

۱- تحریم و سرپا زدن از شرکت در انتخابات شوراهای اسلامی و تلاش برای دفاع از حقوق انتخاب مستقیم‌نمایندگان، عکس العمل کارگران در برخی از کارخانه‌ها در مقابل برپایی این نهادها دولتی بوده است. کارگران آنجا که تلاش میکنند منع ایجاد شوراهای اسلامی شوند، معمولاً بدون آلترنا تیوا شرکت در انتخابات سرپا می‌زنند. شوراهای اسلامی در برخی از کارخانه‌ها برپا شده است و در تعدادی از کارخانه‌ها تحریم و مقاومت کارگران مانع از تشکیل آنها گردیده است.

۲- قانون کار علیرغم عقب نشینی‌ها و ظاهری بیکیارانه‌اش به نقطه امید کارگران تبدیل شده است و نشانی از تاشیفات های و هوی تبلیغاتی این قانون کار، در میان کارگران بچشم نمی‌خورد. کارگران چشم‌انتظار تصویب قانون برای بهبود

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی!

اخبار کارگری

ادامه اخبار کارگری از صفحه ۱۳

با زهم دزدی از صندوق تعاونی

... بنا به خبر دیگری از کارخانه صنایع فلزی، تعاونی این کارخانه که توسط انجمن اسلامی کارخانه اداره میشود حدود شصت و شصت هزار تومان کسری آورده است. کارگران در اعتراض و برای پیگیری مسئله به دادگاه مراجعه کرده اند.

کارخانه سیمان

پس از بمباران

بنا به خبری که دریافت کرده ایم به دنبال چندین بار بمباران کارخانه سیمان غرب با ختران در واسط شهریورماه که منجر به زخمی شدن پنج نفر از کارگران و وارد آمدن خسارتی به کارخانه گردید، مدیریت این کارخانه فشارهای بیشتری را بر کارگران اعمال نموده است. از جمله اینکه به بهانه نبود امنیت در شیفت صبح، همه پرسنل را وادار کرده است که در دو شیفت عصر و شب کار

و ضمانت نیستند و خوب میداند که از این حکومت با نسیبیهایی نه از طریق اتکاء به قانون بلکه فقط از راه زور آزمایی میتوانند حقشان را وصول کنند.

۳- قانون "بیمه بیکاری" دولت جمهوری اسلامی نتوانست هیچ بخش از کارگران را بدنبال خود بکشد. در مقابل بیکارسازیها و اخراج کارگران عموماً به "بیمه بیکاری" دولت متوسل نمیشوند و همچنان به مقام دست خود علیه بیکاری بیشتر امیدوارند.

۴- طرح بن "کالاهای اساسی" عملاً کارگران را در موضع طلبکار قرار داده است. عموماً کارگران در اوضاع فلاکت و تورم عنان گسیخته کنونی، تمایل دارند بخش هر چه بیشتری از دستمزدهایشان به شکل کالای مورد نیاز - که حتی در صورت داشتن پول به آسانی قابل تهیه نیست - پرداخت شود. کارگران به اجراء شدن طرح بن کالاهای اساسی معترضند اما این اعتراضات حدود چشمگیر نبوده است.

۵- کارگران عموماً در مقابل فشارهای جنگی از جمله قوانین ملیتاریستی محیط کار، انتقال به صنایع نظامی، جها دوکار درسیخ مقامت میکنند.

تخریب خانه های مردم

طبق یک خبر وایل آذرماه ما موریس کمیته و شهرداری تهران به محله ای بنام "شهر حلب" واقع در حاشیه اتوبان رسالت بورش میبرند و تعداد ۲۰ خانه حلبی - کلی را با بولدوزر و بران می کنند. این حلبی آبا در حدود ۲۰۰ خانوار زحمتکش و تنگدست را در خود جای داده است. مزدوران کمیته و شهرداری علاوه بر بران ساختن تعدادی از خانه ها، بقیه ها را مورد ضرب و شتم قرار میدهند و با زور و تهدید آنها را وادار به ترک محل میکنند. طبق این خبر همچنین هنگام مویران کردن خانه ها، تعدادی مزدور را اجیر کرده بودند تا در محل علیه خانه سازی غیر قانونی مردم تظاهرات کنند.



گرایش برگزید. ضربات شدید پلیسی بر پیکر این سازمان و بخصوص برجناح انقلابی، ارتباط تشکیلاتی را قطع کرد که تا هنگام آشنا شدن با مارکسیسم انقلابی و حزب کمونیست تداوم داشت.

در اوایل آذرماه ۶۲ در جریان تلاش برای برقراری ارتباط تشکیلاتی با حزب، در دوران خونی دژخیمان سرمایه گرفتار شد. در دوران زندانی شدنش که بیش از یکماه طول نکشید، با مقام های سرخستانش، دشمن زیون را دچار گفتگی کرد؛ با پای فشردن بر حقانیت ما رکیسم انقلابی از اصول و اعتقادات خود دفاع کرد و یک ذره در مقابل شهیدیدو شکنجه های وحشانه رژیم سر فرود نیاورد. رفیق اسد با قاطعیت استوار و ستبرش، با لبخند همیشه بر لبانش، در برابر جوخسه اعدام ایستاد. رفیق اسد، با مرگ خود، برگ زرین دیگری بر تاریخ جنبش کمونیستی ایران افزود و سنگ وزیونی دژخیمان سرمایه را بنمایش گذاشت.

در چهارمین سالگرد جان باختنش، اراده و ایمان استوارش را در دفاع از کمونیسم و حقانیت آن می ستائیم. پادش گرامی و راهش بردوام باد!

بقیه از صفحه ۲۳

گرامی باد در رفیق اسد...

رفیق اسد بخشی از فعالیت های خود علیه جمهوری اسلامی را در کردستان انقلابی گذراند و چنانکه خود گفته بود، انگیزه اش کسب تجربیات نظامی نبود، بلکه قرار گرفتن و حضور داشتن در مشن یک مبارزه زنده ملی و طبقاتی در کردستان بود. او تشنه یاد گرفتن و یاد دادن و تغییر بوجود آوردن بود. چنانکه یکی از همزمانانش بیاد او سروده بود:

در میان آنچه که ذهنها می آفرینند
و در میان حقیقت ها و بودن ها
و در میان آنچه که
براستی وجود دارد
بدنبال ذهن تو میگردم
ز آنرو که تو همیشه بدنبال
آفرینش های تازه
در زمانه نوین بودی.



گرامی باد یاد جانباختگان راه سوسیالیسم

حزب کمونیست ایران طی ماههای مهرو آبان دو تن از یاران خود را از دست داده است. رفقا:

۱- فایق حیدری عضو حزب و مسئول دسته سازمانده در تاریخ ۶۶/۷/۲۱ در جریان کمیسیون مزدوران رژیم در نزدیکی روستای "پس" دیواندره

۲- حبیب اله مرادخانی، پیشمرگ در تاریخ ۶۶/۸/۱۶ در جریان درگیری با نیروهای رژیم در روستای "چورمربوان،

تصحیح و پوزش: در لیست جانباختگان کمونیست شماره ۱، ۳۴ اسم رفیق احمد زبیدی اشتباهاً احمد ضیفی چاپ شده است. بدینوسیله ضمن پوزش اصلاح میگردد. این رفیق در تاریخ ۶۶/۶/۲۵ در جریان نبرد پیشمرگان کومله با نیروهای رژیم در روستای "نجه" از توابع زاوود سنندج جان باخت.

درگردستان انقلابی...



پیشمرگان کومه له دوتعرض ویک کمین نیروهای رژیم را درهم شکستند.

همراه با ۲ هزار عدد گلوله و ۶۳ عدد خنجر، یک دستگه بیسیم، ۱۵ عدد نارنجک دستی و ۱۲ عدد کیسه خواب. رفقای پیشمرگ همگی سالم اسرا و غنائم بدست آمده را از میدان نبرد خارج کردند.

در جریان تعرض دیگری، نیروهای رژیم در تاریخ ۱۶ آبانماه، در روستای "چور" واقع در اطراف شهر مریوان، بسوی چند واحد از رفقای گردان شوان و شاهو تیراندازی میکنند که در اولین مواجهه با رفقای ما، با به فرار میگذارند. متأسفانه رفیق حبیب الله مرادخانی در اثر اولین تیراندازی ها جان باخت.

همچنین در تاریخ ۲۱ مهرماه، گروهی از پیشمرگان کومه له، در نزدیکی روستای "سین" از توابع خورخوره دیواندره، به کمیسیون نیروهای رژیم افتادند که در جریان آن رفیق فایق حیدری جان باخت. بقیه رفقا پس از درهم شکستن کمین از محل درگیری دور شدند.

پیشمرگان کومه له در نواحی سنندج، مریوان و دیواندره، دوتعرض ویک کمین نیروهای رژیم را درهم شکستند. در این عملیات ها تعدادی از نیروهای رژیم کشته شدند، ۱۲ تن به اسارت درآمدند و غنائمی بدست رفقای ما افتاد.

بیستم مهرماه، پیشمرگان تیپ ۱۱ سنندج، تعرض چند گروه ضربت رژیم در روستای "لنگ ریز" از توابع زاوه رود سنندج را درهم شکستند. رفقای پیشمرگ پس از چند تعرض و نبرد سنگر به سنگر، بخشی از ارتفاعات این روستا را بتصرف درآورده و یک واحد از نیروهای رژیم را به محاصره کاملاً خود درآورده و در طی این درگیری که مدت ۳ ساعت طول کشید، گروهان امام حسن از گردان جنده، تماماً نابود شد و افراد آن همگی کشته یا زخمی شدند و ۱۲ تن از آنان به اسارت رفقای ما درآمدند که انامی شان از رادیو صدای انقلاب اعلام گشت. در این عملیات این غنائم بدست آمد: آر. پی. جی یک قبضه همراه با ۸ گلوله، اسلحه، سبک ۱۳ قبضه

گشت سیاسی دسته سازمانده سازمان سنندج

رفقای دسته سازمانده سازمان سنندج، گشت سیاسی وسیع و طولانی خود را که از ۲۵ مرداد آغاز شده بود، در اوایل مهرماه با موفقیت به پایان رساندند.

رفقای دسته سازمانده در این گشت سیاسی:
 * در ۱۷ روستای اشغالی منطقه سازمان حضور یافتند، درده روستا سخنرانی علنی بزرگ برپا کرده و دردهها محفل کارگران و زحمتکشان شرکت کرده و با آنان به بحث و گفتگو پرداختند.
 * علاوه بر تشریح جامعه سرمایه داری و توضیح وضعیت سیاسی رژیم، سیاست های ضد انقلابی رژیم در گردستان از قبیل سربازگیری و نگهبانی اجباری، کوچ اجباری، ایجاد دشواری های اسلامی و باجگیری ها و اذیت و آزار مردم را موضوع کار تبلیغی خود قرار دادند.

* بعضی مسائل اجتماعی و جراحی از قبیل مسائل مربوط به زمین و مسائل خانوادگی را

برای مردم زحمتکش این روستا ها حل و فصل کردند.

* مضمون و جوانان دستگیر شده را از طریق نوشتن نامه و دادن پیغام از طریق بستگان، تشویق به فرار و پیوستن به صفوف پیشمرگان کومه له نمودند.

* شورا های اسلامی ۷ روستای منطقه را منحل نموده و به همکاران شناخته شده رژیم و مرتجعین منطقه اخطار کردند که دست از اعمال ضد انقلابی خود بردارند.

همکاری بیدریغ زحمتکشان منطقه و هوشیاری رفقای ما، تا من تداوم فعالیت سیاسی و آگاهانه رفقای دسته سازمانده در عمق مناطق اشغالی بود و تلاشهای رژیم برای جلوگیری از ادامه فعالیت رفقا با ناکامی مواجه گردید.

مقرنیروهای رژیم در دادانه

زیر ضربات پیشمرگان کومه له شب ۲۳ مهرماه، واحدهای از رفقای پیشمرگ تیپ ۱۱ سنندج و گردان شاهو، مقرنیروهای رژیم در روستای "دادانه" سنندج را محاصره کردند و آنرا زیر آتش سلاحهای خود گرفتند. در نتیجه این عملیات، بخشی از استحکامات این مقر ویران و تلفاتی بر مزدوران مستقر در آن وارد گشت. همزمان با این عملیات یک واحد دیگر از رفقای پیشمرگ دوتن از همکاران رژیم بناهای سید طلقه بگوش و سید جبار زمانی را دستگیر کردند که نفر اول اقدام بفرار نمود و در اثر آتش سلاحهای رفقای ما بهلاکت رسید. در یک بخش از این عملیات یکی از رفقای مبلغ حزبی، بسویله بلندگو، راجع به اوضاع سیاسی کنونی گردستان و ضرورت گسترش مبارزه علیه رژیم و همکاران آن برای مردم روستا به سخنرانی پرداخت.

تا روما رگروه ضربت در سنندج

در تاریخ ۲۷ مهرماه، چند واحد از پیشمرگان گردانهای شوان و شاهو، در روستای "قلات رشک" سنندج، متوجه حرکت واحدهایی از گردان ضربت رژیم شدند. رفقای پیشمرگ در مدخل این روستا، این مزدوران را به کمین انداختند که در جریان آن تعدادی از آنان بهلاکت رسیده و یک نفر به اسارت گرفته شد و بقیه با فرار گذاشتند. در این عملیات ۳ قبضه سلاح سبک همراه با مهمات مربوطه و یک دستگه بیسیم به غنیمت رفقای ما درآمد.

آزادی ۲۲ تن از اسرای جنگی

طی ماههای مهر و آبان، ۲۲ تن دیگر از نیروهای مسلح رژیم که در نبردهای چند ماه گذشته پیشمرگان کومه له به اسارت درآمده بودند، بنا به حکم کمیته حزب در نا حیه سنندج در سه نوبت آزاد شدند. بدین ترتیب از اواسط شهریور ما تا اواسط آبان، تعداد اسرای آزاد شده به ۷۰ تن رسیده است. آموزشگاه مرکزی پیشمرگان کومه له درخواست ۳ نفر از اسرای آزاد شده این دوره را برای پیوستن به صفوف پیشمرگان کومه له پذیرفته است.

همچنین سه تن از افراد مسلح حزب دمکرات که در جریان درهم شکستن تجمع نیروهای این حزب در نا حیه، با نهدرتا ریخ بیستم شهریور به اسارت درآمده بودند، در تاریخهای ۲۹ مهر و ۱۶ آبانماه از زندان کومه له آزاد شدند که یک نفر از آنان بنا به درخواست خود، به صفوف پیشمرگان کومه له پذیرفته شد.



در کردستان انقلابی...

تحریر مراسم فرمایشی ۱۳ آبان

تبلیغات و تلاش چندروزه رژیم برای برگزاری مراسم "۱۳ آبان" - روز دانش آموز و سایر روزهای مبارز آمریکا - با تحریم بین مراسم توسط مردم مبارز این دوشهر به شکست کشیده شد. در شهر بانه تنها نیروهای مسلح رژیم در این مراسم شرکت داشتند و در شهر مهاباد، بزور شهیدوار عاب، عسدهای از کارمندان و دانش آموزان را وادار کردند در مراسم شرکت کنند که آنها نیز پس از انفجار بمبی در خیابان فرح سابق مراسم مزبور را ترک گفتند.

کوچ اجباری نوآرمرزی سردشت

بعد از اینکه در اوایل مهر ماه تلاش جمهوری اسلامی برای کوچ اجباری مردم ۲۲ روستای بخش "سوسنی" سردشت با اعتراض و مقاومت مردم ناکام ماند، مزدوران رژیم به قصد ناامین کردن زندگی اهالی روستاهای این بخش و وادار کردن آنان به پذیرش کوچ اجباری، در مسیر رفت و آمد مردم و کوههای اطراف اقدام به مین گذاری کردند. روزه آبان در نتیجه عبور کردن احشام مردم یکی از روستاهای این بخش از یک میدان مین، بیش از ۵۰ رأس گوسفند تلف شدند.

در بخش آلان نیز روز ۱۹ آبان، فرماندار سردشت خطاب به اهالی تعدادی از روستاهای این بخش اعلام میکند که بدلیل جنگی بودن منطقه، مردم این روستاها باید کوچ اجباری را بپذیرند. اعتراض شدید مردم فرماندار مزدور را به عقب نشینی واداشت. اما اواسط آبان ماه، مزدوران جنایتکار رژیم، روستای این بخش را با هدف جلوگیری از بازگشت اهالی این روستاها به آتش کشیدند. مردم این روستاها که در اثر جنگ آواره شده بودند، با رسیدن فصل سرما قمدبازگشت به تنهاسا سرپناه موجودشان را داشتند. کمیته حزب در ناحیه سردشت، ضمن محکوم کردن این عمل ضدانقلابی و ضدانسانی رژیم، اهالی این روستاها را فراخوانده است تا با اجتماع در مقابل مراکز دولتی به اعتراض برخیزند و خواستار برپادخت خسارات وارده و تهیه مسکن مناسب در روستاها بشان شوند.

برگزاری یک دادگاه علنی توده‌ای در حومه سنندج

"... این دادگاهها از لحاظ موازین حاکم بر آنها، نمونه زنده‌ای از دمکراتیسم طبقه کارگر بوده است. این دادگاهها مطلقاً علنی اند. هیئت منصفه حکم را صادر میکند. افراد و نمایندگان گروههای مختلف حق شرکت در جلسات دادگاه را داشته اند. فرصت کافی برای دفاع از متهمین و وکلای آنها داده شده است. حق استیناف برسمیت شناخته شده است. تشکیل دادگاهها به اطلاع عمومی مردم رسیده است تا هرکس بتواند شواهد و مدارک خود را علیه متهم ارائه کند. نه در طول بازپرسی و نه در هیچ مقطع دیگری متهمین تحت کوچکترین فشار جسمی و روانی قرار نگرفته اند..."

از "دادگاههای انقلابی کومه‌له و رنجش لیبرالها" کمونیت شماره ۱۸

شده بود. اعضای هیئت منصفه، رئیس دادگاه، دادستان، منشی و وکیل مدافع، از میان مردم و پیشمرگان انتخاب شده بود که وکیل مدافع متهم، یکی از اهالی منطقه بود. در جریان دادرسی، متهم به جراثم خود و اقداماتی که علیه مردم انجام داده بود، اقرار کرد و از سوی دادگاه پس از شور و مشورت، به هشت سال زندان محکوم گردید.

☆☆☆

یکی از همکاران رژیم بنام توفیق پیری که به اتهام جاسوسی و خیرچینی برای مزدوران رژیم از سوی رفقای ما دستگیر شده بود، در نزدیکی روستای "بیماران" از توابع زاوه رود سنندج در یک دادگاه علنی توده‌ای به پای محاکمه کشیده شد.

در این دادگاه ۳۰۰ نفر اهالی منطقه شرکت داشتند و امنیت نظامی دادگاه توسط بیش از یکصد تن از پیشمرگان کومه‌له تأمین

نمونه‌ای از اعمال حاکمیت توده‌ای زحمتکشان کردستان

زحمتکشان روستای مدخانواری "گاگل" در ۱۵ کیلومتری این شهر، که قبل از قیام مبارزه متحد خود تمامی درختان گردوی روستا را مصادره کرده و به مالکیت اشتراکی اهالی درآورده بودند، در مجمع عمومی خود برای استفاده از محصولات آن قرازاها و مصوباتی را به تصویب رسانده اند که رئیس آنرا در زیر میخوانید. این مصوبات بروشنی سطح بالای شعور سیاسی و طبقاتی کارگران و زحمتکشان این روستا را منعکس میکند:

- ۱- هر ساله بمدت ۲ ماه برای حفاظت از درختان تا جمع آوری محصول بطور نوبتی نگهبانی داشته میشود.
- ۲- هر خانوار، هنگام جمع آوری محصول برای انجام کارهای جمعی یک یا دو نفر را معرفی مینمایند و کارزان و مردان برابر است.
- ۳- مردم روستا هر ساله از ابتدای شروع کار جمعی ۳ نفر را بعنوان نماینده برای سازمان دادن ورهبری کارها انتخاب مینمایند.
- ۴- افرادی که بدلیل نقض عضو یا بهر دلیل

جنبش انقلابی ۸ ساله کردستان ورهبری آن توسط کومه‌له، آموزشهای طبقاتی و انقلابی فراوانی برای کارگران و زحمتکشان کردستان در برداشته است. خبری که در زیر میخوانید، گرچه نمونه کوچکی است اما بخوبی تأثیرات این آموزشها را در زندگی و تولید زحمتکشان روستاهای کردستان نشان میدهد.

اگر در شرایط فحشان و کشتار جمعی - سوری اسلامی و در شرایط میلیتاریزه کردستان، زحمتکشان بدون هیچگونه و همه‌ای با اتکا به قدرت تشکل و اتحاد خود و جنبش انقلابی شان، چنین مناسباتی را بعنوان آلترناتیوی انقلابی - دمکراتیک در مقابل مناسبات اجتماعی گنبدیده سرمایه داری قرار میدهند و بعمل درمی آورند، در فرآیند پیروزی انقلاب کارگران و زحمتکشان و در پرتو وجود دمکراسی وسیع، بیش از پیش شاهد آماج زحمتکشان برای حاکم شدن بر سرنوش خود و شکوفایی استعداد و خلاقیت شان در اعمال حاکمیت انقلابی - دمکراتیک شان خواهیم بود.

بنا به گزارش کمیته حزب در مریوان،

زنده باد حق ملل در تعیین سرنوشت خویش!

سربا زگیری و تسلیح اجباری در کردستان:
با زهم تلاش با زهم شکست .

نیروهای رژیم طی نیمه دوم مهرماه و آبانماه، تنها ۴ بار آنهم فقط در شهر بانه و یکی از روستاهای اطراف آن تلاشهای مذبحانه خود را برای سربا زگیری در کردستان تداوم بخشیدند. ۱۷ و ۱۸ مهرماه شهر بانه شاهد محاصره راههای ورودی و خروجی شهر و قرق شدن خیابانها و میادین شهر توسط شکارچیان اسلامی فرزندان مردم بود. جوانان شهر با مخفی کردن خود تلاش رژیم را با شکست مواجه ساختند. در جریان این یورش گسترده نیروهای رژیم، تنها ۵ نفر دستگیر شدند که یکی از آنها در حین انتقال به مراکز نظامی موفق بفرار شد.

در یک مورد دیگر در اوایل آبان نیروهای رژیم بقصد سربا زگیری به یکی از روستاهای اطراف بانه در بخش بوئین ریختند و ۴ نفر را دستگیر کردند که در مقابل اعتراض مردم این روستا، همانجا هر ۴ نفر آزاد کردند. همچنین نیروهای رژیم سیاست تسلیح اجباری و نگهداری سربا ز را در سطح محدودی در چندین روستای اطراف دیواندره، مریوان و بانه، با تحت فشار گذاشتن و تهدید مردم ادامه دادند که در هیچکدام از موارد موفقیتی کسب نکردند.

در تاریخ ۱۴ مهرماه مردم روستای "مریز" دیواندره با تجمع در مقابل پایگاه رژیم در این روستا، علیه نگهداری اجباری به اعتراض برخاستند که در نتیجه آن دوتن از اهالی این روستا دستگیر شدند که با اعتراض مردم هر دو نفر آزاد شدند. در ناحیه مریوان، نیروهای رژیم برای مجبور کردن اهالی روستای "زوا" از توابع شامیان به پذیرش بسیج اجباری، بمدت چند روز برق روستا را قطع کردند. این اقدام رژیم هیچ موفقیتی برای او بسیار نیاورد و مردم این روستا زیر بار این سیاست ضد انقلابی نرفتند. در ناحیه بانه، مردم روستای "ولی آباد" واقع در بخش کله، برای نگهداری اجباری تحت فشار گذاشته شدند. مردم این روستا بعنوان اعتراض روستایشان را ترک کردند و رژیم را مجبور به عقب نشینی کردند. طی روزهای سیزدهم و چهاردهم مهرماه نیز مردم روستای "هنگ" ژال" از توابع بانه، با تصمیم دستجمعی خود، نگهداری اجباری رژیم را تحریم کردند و مردم روستای "سیران بند" با مقاومت و مبارزه خود فشارهای رژیم برای تحمیل نگهداری اجباری را به شکست کشانیدند.

جنایات، زورگویی ها و
اخاذی های رژیم در کردستان

مزدوران جنایتکار جمهوری اسلامی طی ماههای مهر و آبان:

در نتیجه تیراندازی های مکرر بسوی مردم روستاهای "بیژوه" و "بیوران" در ناحیه سردشت و یکی از روستاهای گورک سردشت و همچنین خمپاره باران روستای "بیژوه" باعث مرگ ۳ تن از اهالی این روستاها شدند.

در فاصله پنجم تا بیست و هفتم مهرماه، مجموعاً ۴۰ نفر از زنان و مردان زحمتکش روستاهای "لنگ ریز"، "دادانه"، "ولیدر"، "رشنش" و "بابینجو" در ناحیه "سندج و نسل" در ناحیه مریوان را به بانه های گوناگون از جمله به قصد مرعوب کردن و واداشتن آنها به جاسوسی و همکاری با خود دستگیر کردند. ۶ تن از آنان دختران روستای "نسل" بودند که بجرم تلاش برای پیوستن به پیشمرگان کومله دستگیر شده بودند. اعتراض شدید مردم بخصوص زنان، موجبات آزادی ۲۷ تن را فراهم ساخت و ۳ تن بقیه هنوز در چنگال دژخیمان سرمایه اسیرند.

با اعلام حذف زبان انگلیسی از مواد درسی دانش آموزان شهر بانه و جایگزین کردن آموزش نظامی بجای آن و اجباری کردن لباس نظامی برای پسران و حجاب برای دختران، اوج ارتجاع و ددمنشی خود را نشان دادند. دانش آموزان به انحاء مختلف در برابر این طرح ارتجاعی مقاومت کرده و بجز عده معدودی کسی حاضر به پوشیدن لباس نظامی و حجاب نشده است. همچنین در شهر بانه ۱۳ تن از معلمان این شهر را اخراج و تعدادی را معلق نموده و بجای آنان پاسدار معلمان و خواهان زینب را بکار گمارده اند. در اوایل مهرماه در شهر سندج، ۳۰۰ تن از معلمان حق التدریسی که قبلاً سربا معلم بودند و بعداً از تمام دوره سربازی بعنوان "معلم حق التدریسی" استخدام شده بودند، اخراج کرده اند.

مردم روستاهای کردستان، زحمتکشان حاشیه نشین شهرها و سا براقا مردم روستاها شیوه های گوناگون مورداخاذی قرار دادند. در دوم مهرماه، شهرداری بانه از زندگان ماشین های کرایه ای مسیر جاده بانه - سنقر مبلغ ۴۰۰۰۰ تومان تحت عنوان "جواز کسب" درخواست کردند. اما آنان علیرغم قطع شدن سهمیه بتزین شان زیر بار این اخاذی نرفتند. رانندگان کامیونهای این شهر نیز از پذیرش

درخواست رژیم برای حمل و نقل وسایل به جبهه های جنگ خودداری کردند.

شهرداری بوکان برای تجدید کارت سکونت شهری، ۳۵ تومان از اهالی این شهرستان کارمزد اخاذی کرد و برای احداث هرواحد مسکونی جدید ۱۰۰۰۰ تومان و برای تعمیر هر خانه ۵۰۰۰ تومان باج تعیین کرد در طرح دیگری تعویض کنتور برق را اجباری اعلام کرده و برای آن مبلغ ۱۵۰۰ تومان تعیین نمود. همچنین برای احداث مدرسه جدید از هردانش آموز مبلغ ۱۰۰ تومان اخاذی کرده کرده اند.

در شهر مهاباد، از دهکده داران و دستفروشان مبلغ ۱۰۰۰ تومان بابت عوارض و مخارج احداث مکان جدید در محلی دور از شهر دریافت کردند. رانندگان مسیر مهاباد - میانداوب را برای پرداخت ۱۰۰۰ تومان بعنوان عوارض تحت فشار گذاشتند. و اینها و دهها مورد دیگر، نمونه ها و شیوه های گوناگون باجگیری و اخاذی جمهوری اسلامی برای تأمین مخارج جنگ ارتجاعی در شرایطی است که کارگران و زحمتکشان و مردم شریف کردستان، از پرداخت هرگونه پولی تحت عنوان "کمک به جبهه ها" قاطعانه خودداری کرده اند.

☆☆☆

بقیه از صفحه قبل: نمونه ای

دیگر قافله در بکار رنبا شد، از کارمندان و سبهم مساوی با دیگران دریافت میکنند.

۵ - افراد مریض در صورتیکه بیماری خود را به نما بیندگان و سرپرستان کار اطلاع داده باشند، از سهمشان کاسته نخواهد شد.

۶ - کسانیکه برای انجام امورات پیشمرگان در محل کار حاضر نباشند، هر چند روز که طول بکشد، بمانده کار بحساب می آید و از سهم آنها کسر نخواهد شد.

۷ - به کسانیکه بدلیل کار برای رژیم بر سر کار حاضر نشده اند، سهم تعلق نمی گیرد مگر آنکه توسط رژیم دستگیر شده و یا تحت فشار نیروهای رژیم امکان شرکت در کار اجتماع را از دست داده باشند.

۸ - تمام اهالی روستا موظفند که خود رأساً در انجام کارهای جمعی مربوط به جمع آوری محصول شرکت نمایند. هیچکس حق بکارگرفتن کارگر بجای خود را ندارد.

۹ - به خانواده هایی که از روستاهای دیگر به "گاگل" آمده و در آنجا ساکن شده اند به شرطی که قرارها و قطعنامه های فسوق را بپذیرند، مانند اهالی روستای "گاگل" سهم مساوی تعلق میگیرد.



گرامی باد یاد جانباختگان راه سوسیالیسم

کمونیستها جان باختگان خود را در راه‌های از تقدس خرافی و مذهبی نمی‌بینند، زیرا جانباختن در راه‌هایی لازم نیست که بی‌مورد و بی‌هدف باشد. هر ساعت نوجوانانش، پیرمردان و پسران دانش و مملوینشان و مردش در کارخانه‌ها، معادن و مزارع و در کل بدویتی که بورژوازی آن را جامعه میده است، می‌میرند و زنده میشوند.

جان باختگان کمونیست گرامی و فرا موش‌ناشدنی‌اند، زیرا در راهی تا به آخر جنگیده و با زنا بستند که خود گرامی و مقدس است؛ راه‌هایی طبقه کارگر و کل بشریت از نظام استبداد روستم‌سوما به داری و بی‌افکندن جامعه‌ای نوین و نایسته انسان آزاد. اگر کمونیستها در زندگی هر روز، خود آموزگار رگرا در انقلاب‌ها شهبخش کمونیستی‌اند، کمونیستها شکی که قهرمانان در این راه به استقبال مرگ می‌شناسند گرامی‌ترین آموزگار رگرا هستند. زیرا آنان استیصال، زبونی و نایوانی بورژوازی و بی‌حاصلی دستگیر و قهرورکوب او را در برابر راه استوار کارگران انقلابی به روستنترین وجه به ثبوت میرسانند. گرامی باد جانباختگان راه سوسیالیسم!

دروود بر انقلابیون کمونیستی که در سنگرهای کردستان انقلابی و در سیاه‌چالهای جمهوری اسلامی جان خود را در راه آزادی و سوسیالیسم فدا کردند.

گرامی باد یاد انقلابی کمونیست

رفیق محسن فرومند

سنندج شرکت داشت.

رفیق محسن، در زمهره آن رفقائی بود که چه در عرصه نظامی و چه در عرصه سیاسی، مبتکر و توانا بود. در تبلیغ و ترویج آرمانهای کمونیستی توانائی خاصی داشت طوری که در فاصله بین دویورش بزرگ رژیم به کردستان در ۲۸ مرداد ۵۸ و بهار ۵۹، نقش بزرگی در آشنا کردن زحمتکشان سنندج، بخصوص زحمتکشان محله "گردی گرو" به اهداف طبقه تیشان ایفا نمود. محسن یک فرمانده نظامی برجسته نیز بود. در بهار ۵۹، مسئولیت سیاسی-نظامی یک پل از پیشمرگان کومه‌له در ناحیه سنندج به او سپرده شد. نقش او در جریان فعالیت سیاسی-نظامی این واحد در منطقه زاوه رود سنندج در این دوران، هنوز در خاطره مردم این منطقه زنده است.

رفیق محسن، بدلیل خصوصیات برجسته و انقلابی، بدلیل پایداری روی اهداف طبقه‌ای کارگران، در نیمه دیماه ۶۰ به عضویت آزمائشی کومه‌له پذیرفته شد و طی مدت کوتاهی، لیاقت و شایستگی خود را برای عضویت قطعی به اثبات رساند و در دوازدهم اردیبهشت ۶۱، همچون یک عضو قابل اعتماد، خلاق و توانا در عرصه سیاسی و نظامی فعالیت‌های کمونیستی خود را در درون جنبش انقلابی کردستان تداوم بخشید.

او در این دوران به منطقه سرسور اعزام شد و در بخش وسیعی از فعالیت‌های کومه‌له در این منطقه و بخصوص روستاهای اطراف سردشت شرکت فعال و موثری داشت. مسئولیت سیاسی-نظامی زندان، آموزشگاه پیشمرگان جدید و مسئولیت سیاسی یک گردان از پیشمرگان، از جمله وظایفی بود که در منطقه سرسور بردوش داشت. محسن، این مجموعه فعالیت‌ها را همراه با مسئولیت کمیته بخش‌های روستائی "گورک" و "نلسین" در ناحیه سردشت، در

جهت قرار گرفتن این طبقه در رهبری جنبش انقلابی بود. او در اوایل سال ۵۴ و در دوران دانشجوییش، از طریق محافل مطالعاتی، با ما رکیسیم و مبارزه سیاسی آشنا شد و در اوایل سال ۵۷ همراه با عده‌ای از هم‌زمانانش، مبارزه خود را به "هسته" آرمان زحمتکشان" گره زد. این هسته در جریان قیام نقش فعالی بازی کرد و پس از قیام به کومه‌له پیوست.



رفیق محسن، در جریان جنگ نوروز خونین سنندج در مقابل با یورش رژیم اسلامی تازه بقدرت رسیده و حمله مسلحانه مردم به پادگان سنندج شرکت کرد. از این تاریخ او همچون یک پیشمرگ کومه‌له در اغلب فعالیت‌های سیاسی و نظامی تشکیلات کومه‌له در شهسور

روز هجدهم اردیبهشت ماه امسال، یک واحد از پیشمرگان کومه‌له تحت مسئولیت رفیق محسن فرومند، که به قصد فعالیت‌های آگاهانه سیاسی و سازماندهی در میان زحمتکشان منطقه، سال سنندج در روستای "تنگ باخ" حضور یافته بودند، مورد محاصره و یورش ددمنشانه جمهوری اسلامی قرار گرفتند. در جریان این درگیری، رفیق محسن فرومند و صدیق حسینی جان باختند.

خبر کوفت‌نا بود، اما در عین حال حاکی از شایعه دردناکی بود که جنبش کمونیستی و جنبش انقلابی کردستان متحمل شده بود. رفیق محسن، یک چهره درخشان جنبش انقلابی کردستان، رفیق دوست داشتنی و محبوب کارگران و زحمتکشان بخش وسیعی از کردستان، کار سیاسی-نظامی برجسته حزب و عضو قدیمی و کارآمد حزب کمونیست بود. شخصیت انقلابی او در جریان جنبش انقلابی ۸ ساله کردستان و در جریان روند روبه‌رشد و شکوفائی ما رکیسیم انقلابی و در میدان سخت و پراز حماسه مبارزه طبقه‌ای، همچون کمونیستی پیشتاز و وفادار به آرمان کارگران، سرفراز و استوار شکل و قوام گرفته بود. در طول ۸ سال فعالیت در جنبش انقلابی کردستان، بعنوان یک کار سیاسی، نظامی و قابل اتکاء کومه‌له، مسئولیت‌های سیاسی و نظامی متعددی بردوش داشت.

یک خصوصیت برجسته کمونیستی رفیق محسن، که تا لحظه مرگ سرفرازانه اش خود را نشان میداد، مصمم بودن بر مبارزه بر روی خط آرمان طبقه کارگر آگاه و فعالیت‌ها در

گرامی باد یاد انقلابی کمونیست

رفیق اسدالله رامشانی

گرامی باد یاد
جانباختگان راه سوسیالیسم

فاصله نزدیک به سه سال حضورش در منطقه سرسنور با علاقه وجدیت زیادی پیش برد.

زحمتکشان "نلین" از یادش نبردند که رفیق محسن در مجامع خانوادگی و جلسات عمومی شان چه در کلبه ها و چه در خانه باغهایشان همیشه حاضر بود و با زبان شیرین و ساده خود، از اهداف و آرمانهای طبقاتی کارگران حرف میزد. مردم این منطقه بخصوص روستای "نلوسه" توانائی ورزشندگی او و پیشمرگان تحت فرماندهی اش در جریان آخرین عملیاتش در این منطقه را بیاد دارند که در دامنه کوههای "ابراهیم جلال" چگونه یورش سنگین مزدوران رژیم را درهم شکستند و با تارومار کردن یک واحد بزرگ دشمن و به غنیمت گرفتن وسائل نظامی زیادی این دره را به گورستان مزدوران سرما به تبدیل کردند.

رفیق محسن، در بهار ۶۴ پس از شرکت در پنجمین دوره مدرسه حزبی اکثر و طی دوره ای از مطالعات فشرده بعنوان یک کادر برجسته تشکیلات حزب در کردستان، برای تداوم فعالیت کمونیستی اش، بمنظور سازماندهی و متشکل کردن زحمتکشان منطقه سرسنور، با دیگر به این منطقه بازگشت و مسئولیت دسته سازمانده "سارال" به او سپرده شد که تا هنگام جان باختنش آن را پیش برد.

رفیق محسن، در جریان ۸ سال فعالیت انقلابی و کمونیستی در دل جنبش انقلابی کردستان، زحمات بسیاری برای آشنا کردن زحمتکشان مناطق جنوب کردستان و سرسنور با عقاید طبقاتی و سوسیالیستی کشید. او همچنین عملیات های نظامی زیادی در همین مناطق فرماندهی کرد؛ و بعنوان یک کادر برجسته سیاسی در قوام بخشیدن به استحکام نظری صفوف پیشمرگان کومه له و جذب اعضای جدید به حزب از میان آنان نقش فعال داشت. رفیق محسن بعنوان یک پیشمرگ کمونیست سرمشق و نمونه زنده ای برای صدها رفیق پیشمرگی است که زمانی رهبرسیاسی و نظامی شان بود و یا از نزدیک با او آشنا بودند.

با در رفیق محسن در قلب دهها و صدها رزمنده انقلابی و کمونیست زنده است. بدون شک تاریخ مبارزات انقلابی طبقه کارگران، ران، خاطره فعالیت ها و تلاشهای این رفیق کمونیست را نیز حفظ خواهد کرد و زنده نگاه خواهد داشت. بادش گرامی و راهش بردوام بساد!

دیماه ۶۲ بود که در خیمان اسلامی سرمایه، قامت استوار و ستبر رفیق اسد را با رگبار سلاحهایشان درهم شکستند. زحمتکشی محروم از روستاهای اطراف همدان، معلمی انقلابی با کوله باری از علم و دانش دردنیای جهل و نادانی، رفیقی آگاه و کمونیست، پیشمرگی جسور و رزمنده، یک مدافع راستین سوسیالیسم و یک رزمنده صفوف مارکسیسم انقلابی و حزب کمونیست.

رفیق اسد مدت کوتاهی هم رزم صفوف حزب ما بود. دستگیری و زندانی شدنش، مجال گسترش و استحکام پیوندش با حزب کمونیست را نداد. شهریور ۶۲ با دسترسی به برناممه و اسامه، حزب، آشنائی او با حزب شروع شد و در جریان تلاش برای برقراری رابطه با حزب، در او خرداد ماه ۶۲ به اسارت پاسداران سرما به درآمد.

اما این چیزی از ارزش والای این رفیق گرانقدر و دوست داشتنی کم نمیکند. قبل از آن یک دوره طولانی مبارزه انقلابی را پشت سر گذرانده بود. او در سخت ترین شرایط پلیسی، در جو بی اعتمادی سیاسی و بی باوری پس از وارد شدن ضربات پلیسی بر پیکر سازمانهای سیاسی، مشتاقانه در جستجوی یافتن سرخی برای برقراری تماس تشکیلاتی با حزب بود. شاید یکی از دلایل و انگیزه های او برای اینکار، پیوند عمیق آرمان سوسیالیستی اش با زندگی پر از رنج و محنت خانواده اش و میلیونها خانواده مشابه او بود. ولی یک چیز برای او مسلم بود: او صفوف حزب کمونیست را تنها جریان رزمنده انقلاب کارگری میدید.

دوران کودکیش توأم با مرگ پدر و مهاجرت خانواده اش به کرج برای ادامه حیاتشان بود. با مرگ پدر، مادرش امکان تأمین معیشت آنان در روستای زادگاهشان را نداشت و در جستجوی کارهای پرمشقتی چون رختشویی و کارخانگی راهی کرج گشته بود. رفیق اسد با هر رنج و زحمتی بود، امکان تحصیل را یافت و توانست در سال ۵۵ تحصیلات خود را به پایان برساند. در این دوران بود که از سوی ساواک بمدت چندماه بدلیل فعالیت های آگاه هکرانه سیاسی و ضد رژیم اش در جریان برگزاری جشنهای ۲۵۰۰ ساله "ستم شاهی" دستگیر شد.

یکی از پربارترین دوران زندگانی مبارزاتی او قبل از قیام، آنهنگام بود که با سرمشق قراردادن صدبهرنگی، بعنوان یک معلم انقلابی امر مبارزه با جهل و خرافه، توضیح علل محرومیت ها و ستم های طبقاتی را بجای تدریس تمام آن چیزهائی که در خدمت عادی و طبیعی جلوه دادن جامعه و مناسبات طبقاتی موجود بود، وظیفه خود قرارداد.



رفیق اسد در جریان قیام از طریق شرکت فعال در برپائی تظاهرات ها و ایستاد سخنرانی، نقش موثری بازی کرد. خود او دارای درک روشنی از مبارزه طبقاتی بود. در میان دریای توهامات بورژوازی و خرده بورژوازی به رژیم اسلامی نازه بقدرت رسیده، او با بی اعتمادی کامل به این رژیم، شخما معتقد بود که حکومت جدید سعی در به شکست کشاندن مبارزه توده ها دارد و اساسا حکومتی ضد انقلابی و علیه تداوم انقلاب است. او درسهای قیام را اینطور برای خود جمع بندی کرده بود: "کمبود آگاهی و عدم سازماندهی و فقدان یک جریان پرولتری باعث عقیم ماندن انقلاب گشت". چنین بود که بر لزوم تداوم انقلاب از طریق یک مبارزه متشکل انقلابی تأکید میگذاشت و در این رهگذر، ابتدا به گروه "انقلابیون آزادی طبقه" کارگر پیوست و سپس همراه آن به سازمان پیکار ملحق شد.

راه کارگر و معضل برنامه (۳)

که به اسم محصول قیام از نشان دادن ارگانهای قیام و اعمال حاکمیت قیام کنندگان بر جای دستگاه دولتی بورژوازی طفره برود چیزی جز "جمهوری خفه کردن قیام" نیست. و اینرا کارگران ایران نیز آزموده اند.

ولی حال سعی کنیم که این مراحل تودر "توو" گسترش یا بنده "نقشه" طرح برنامۀ راه کارگر برای اعمال مطالباتش را حتی - المقدور قدری تفکیک کنیم و در کنار هم بگذاریم:

مرحله اول - دیدیم که راه کارگر به سهم خود اعتقاد دارد که بجای جمهوری اسلامی یک مجلس موسسان فراخوانده شود که کارش تاسیس یک جمهوری پارلمانی، یعنی "صرفاً نظام سیاسی مناسبی برای دفاع از سیادت بورژوازی و حفظ ابزارهای دولتی در دست این طبقه است". مرحله اول، مرحله سهم گذاری راه کارگر در "کامل کردن سیادت بورژوازی" است!

مرحله دوم - راه کارگر علیه تحقق اعتقاد خود، یعنی علیه مجلس موسسان و جمهوری پارلمانی قیام می ترتیب میدهد. (حتماً پس از آنکه سازمان عمده سیادت بورژوازی مرحمت اجباری اپوزیسیون شدن را همانطور که تا کنون چندبار به حزب توده اعطاء کرده اند به راه کارگر هم اعطاء کردند). پس مرحله دوم، مرحله قیام علیه تحقق اعتقاد خود است! اما همینجا بپرسیم که آیا کمیته مرکزی مطمئن است برنامۀ نویسان با طراحان این مراحل تودرتوی گسترش یا بنده با سازمان شوخی نکرده اند؟

مرحله سوم - راه کارگر خود جلوی دامنه قیامی را که در مقابل اعتقاد خود فرخوانده است میگیرد. در مقابل قیام کنندگان می ایستد، مانع میشود که قیام کنندگان ارگانهای قیام، شوراها و تشکلهای اعمال حاکمیت مستقیم خود را بگزین "نهادهای پارلمانی" کنند و با این وعده که متناسب با تقویت مواضع پرولتاریای انقلابی شوراها جایگزین نهادها می شود، جلوی پیروزی قیام و قیام کنندگان در تسخیر قدرت سیاسی را میگیرد. مرحله سوم، مرحله

خفه کردن قیام است!

مرحله چهارم - راه کارگر خفه کردن قیام را مبنای تازه و قدرتمندتری برای تحکیم موقعیت خود در مقابل دیگر نهادها را سیادت و زدوبند و کنار آمدن با آنها قرار میدهد. بدین طریق "جمهوری دموکراتیک خلق" پدیده می آید که در آن حاکمان به کسانی که قیامشان را خفه کرده اند قتل میدهند که "متناسب با تقویت مواضع پرولتاریای انقلابی" شوراها جایگزین "نهادهای پارلمانی" "نهادهایی که هیچگاه مرکز جدی قدرت نبوده، خواهد شد.

داشت یا دمان می رفت، مرحله پنجم - با "جمهوری دموکراتیک خلق" و با کمک و در اتحاد با اردوگاه شوروی نوبت "گذار بی وقفه به سوسیالیسم" (انتقال) میرسد. راه کارگر به هدف نهائی اش گذر میکند، هدف نهائی ای که پس از یک عصر تاریخی - همانگونه که در فصل اهداف نهائی طرح برنامۀ دیدیم، تازه نوبت به مباحثات مربوط به "بهبود نقش شوراها"، اعطای آزادی اتحادیه های راه کارگران و ترمیمات پرورش کارگران برای "خودمدیریت کارگری"، یعنی اداره مدیریت استثمای خودشان فراخواهد رسید!

با این ترتیب دست برنامۀ طرح و نقشه راه کارگر در مبارزه و درودرروشی جدی طبقات، در مبارزه آنان حول مسائل قدرت سیاسی و در مبارزه عملی و واقعی برای اعمال مطالبات و اصلاحات نیز روشن میشود. برای راه کارگر مبارزه در "راه سرنگونی جمهوری اسلامی" نقطه آغازی برای وارد شدن در یک رشته از معادلات و زدوبند (اشکاف) های گسترش یا بنده در میان بورژوازی است که هدف نهائی آن با "کامل کردن سیادت بورژوازی" در شکل جمهوری پارلمانی نمیتواند برآورده شود، بلکه باید تا رسیدن به یک جمهوری از نوع عدنی، کابلی و آدیسی آبا بائی جهت گذار بی وقفه به سرمایه داری دولتی و با زسازی قدرت سرمایه در شکل دولتی آن، و در اتحاد با اردوگاه شوروی ادامه بیابد. راه کارگر میخواهد برای طی این "مراحل گسترش یا بنده" در میان بورژوازی با برگ سختی به اسم کارگران ظاهر شود و این سختی را مبنای تحرک خود در میان جریانات بورژوازی قرار دهد. از یک - بورژوازی را در ترس و وحشتش از طبقه کارگر

و برای مقابله با این طبقه و ادا رد که در پشت اهداف، سرمایه داران سیونال - رفرمیستش بسیج بشود و از سوی دیگر امکان سختی به اسم کارگران را برای عقب نشاندن کارگران از هرگونه پیشروی جدی طبقاتی و برای به تسلیم و ادا داشتن کارگران در برابر سلطه بورژوازی مورد استفا ده قرار دهد.

حذف نکردن رسمی مطالبات کارگری در طرح برنامۀ راه کارگر، و با پذیرش فهرستی از این مطالبات در حرف، برای راه کارگر اجباری است که به اتمام و تحمیل شده است و این "حذف نکردن" برای راه کارگر تلاشی است به امید کسب امکان سختی به اسم کارگران و عاریه کردن نام کارگر، اینکه راه کارگر در مبارزه عملی و واقعی بر سر این مطالبات در چه جایی خواهد ایستاد، در طرف کارگران و با در مقابل آنها، طرح برنامۀ راه کارگر به آن جواب صریح خودش را داده است. در جایی که قدرت واقعی را از کارگران برای عملی کردن بی گیر مطالباتشان سلب میکند. طرح برنامۀ راه کارگر، یکبار دیگر بین واقعیت را تا کید میکند که سیونال - رفرمیسم در تمام اشکال ایدئولوژیک و سیاسی آن فقط در تمایلات و اهداف بنیادی خود ارتجاعی نیست. در مبارزه برای هرتغییر جندی ای در چهار چوب جامعه حاکم به طبقه کارگر میدان بدهد نیز تا سیونال - رفرمیسم چهره واقعی خود را نشان میدهد. طرح برنامۀ راه کارگر آنجا که به کارگران رجوع میکند و دعای همراهی با طبقه کارگر در مبارزه مطالبات حداقل این طبقه را دارد، نتوانسته است این چهره را رسوا شده تا سیونال - رفرمیسم را پنهان کند.

نا صر جا وید



کمونیست ارگان مرکزی حزب کمونیست ایران

را بخوانید و بدست

کارگران پیشرو بوسانید

کارگران جهان متحد شوید!

و.ای.نن

درباره جریمه قسمت اول

ترجمه: محبوبه مشکین

۱ - جریمه چیست؟

اگر از کارگری بپرسیم که آیا میداند جریمه چیست، از این سؤال خیلی تعجب خواهد کرد. جای سؤال دارد؟ بطور نمیداند جریمه چیست، درحالیکه مستمرا آنرا می پردازد؟

با این وجود تنها ظاهرا اینطور است که گویا جایی برای سؤال نیست. در واقع اکثر کارگران درک کاملی از جریمه ندارند. معمولا اینطور عنوان میشود که جریمه پولی است که کارگر در ازای خسارتی که به کارفرما وارد می آید، به او می پردازد. این صحیح نیست. جریمه و پرداخت خسارت دو چیز متفاوتند. اگر کارگری به یک کارگر دیگر خسارتی برساند (مثلا یک تکه لباسش را از زمین ببرد)، کارگر خسارت دیده میتواند تقاضای غرامت کند، اما نمیتواند جریمه کند. عینا اگر کارخانه داری به یک کارخانه دیگر خسارتی برساند (مثلا کالا را سر وقت نرساند)، کارخانه داری خسارت دیده میتواند تقاضای غرامت کند اما نمیتواند کارخانه داری را جریمه کند. غرامت در رابطه های برابرخواسته میشود حال آنکه جریمه فقط از افراد درودست اخذ میشود. از این رودر حالی که تقاضای غرامت میبایست به دادگاه برده شود، جریمه توسط کارفرما خارج از دادگاه تحمیل میشود. جریمه گاهی اوقات وقتی حتی هیچ خسارتی به کارفرما وارد نشده تحمیل میشود؛ بعنوان مثال جریمه بخاطر سیگار کشیدن. جریمه مجازات است و نه غرامتی در ازای خسارت. فرض کنیم کارگری در اثر بیاحتیاطی موقع سیگار کشیدن لباس کارفرما را بسوزاند، کارفرما نه فقط او را بخاطر سیگار کشیدن جریمه میکند بلکه بخاطر لباس سوخته نیز از دستمزدش کسر میکند. این مثال بروشنی تفاوت بین جریمه و تاوان خسارات را نشان میدهد.

جریمه نه بعنوان غرامت بلکه بمنظور برقراری انضباط یعنی تأمین اطاعت کارگران از کارفرما، وادار کردن کارگران به اجرای دستورات کارفرما و اطاعت از کارفرما طی مدت کار اخذ میشود.

در واقع قانون جریمه ها نیز میگوید که جریمه عبارت از "یک مجازات نقدی است که توسط مدیریت کارخانه و بر حسب اختیارش بمنظور حفظ نظم اخذ میشود." بنا بر این مبلغ جریمه نه به مقدار خسارت، بلکه به میزان تخلف کارگریست که دارد؛ هر چه تخلف، عدم اطاعت از کارفرما یا امتناع از برآوردن خواسته های کارفرما بیشتر باشد مبلغ جریمه نیز بیشتر میشود. با این ترتیب واضح است که هرگاه کسی از یک کارفرما تقاضای اشتغال میکند آزادی اش را از دست میدهد؛ او باید از کارفرما پیش از آنکه کارفرما ممکن است او را مجازات کند، دهقانان سرف برای زمینداران کار می کردند و اینان دهقانان را مجازات میکردند. کارگران برای سرمایه داران کار میکنند و سرمایه داران آنها را مجازات میکنند. تنها تفاوت اینست که قبلا پشت دهقانان آسیب میدید در حالی که اکنون جیب کارگران.

در مقابل ممکن است گفته شود که کارمندان عده زیادی از کارگران در یک کارگاه یا یک کارخانه بدون وجود مقررات انضباطی غیرممکن است؛ نظم برای کار لازم است، لاجرم میبایست کسی بر حفظ نظم

نظارت کنند تا کسانی را که نظم را برهم میزنند مجازات کند. به ما گفته میشود که از اینرو اگر جریمه اخذ میشود به خاطر این نیست که کارگران آزادی ندارند، بلکه به این خاطر است که کارمندان احتیاج به نظم دارند.

این اعتراض کاملاً بی اساس است گرچه در وهله اول ممکن است گمراه کننده باشد. این اعتراضها توسط کسانی پیش کشیده میشود که میخواهند نقیصه کارگران را از آنان پنهان کنند. مطمئناً نظم لازم هر آنجائی است که کارمندان احتیاج به نظم دارند. اما با لازم است کسانی که کار میکنند تابع ستمگریهای صاحبان کارخانه ها، یعنی در انقیاد کسانی باشند که خودشان کار نمی کنند و فقط از آنرو که تمام ماشینها، ابزار و مواد اولیه را در اختیار خود دارند رای قدرتیند؟ کارمندان نمیتوانند انجام شود مگر اینکه نظم وجود داشته باشد و همه آنرا رعایت کنند؛ اما کارمندان نمیتوانند انجام شود بدون اینکه کارگران زیر دست کارخانه دار باشند. در واقع کارمندان نظارت بر تاوان حفظ نظم را می طلبند، اما این بهیچوجه مستلزم آن نیست که قدرت نظارت همیشه در اختیار کسی باشد که خودش کار نمی کند و از قبل کار دیگری زندگی میکند. با این ترتیب میتوان دید که جریمه ها به خاطر کارمندان است نه کارمندان، بلکه به این خاطر است که تحت نظام موجود سرمایه داری کارگران مالک هیچ چیز نیستند؛ تمام ماشینها، ابزار، مواد خام، زمین و نان متعلق به ثروتمندان است و کارگران برای آنکه زگرستی نمیرند ناچاراً فروش خود به آنها هستند. بهر رو هرگاه که آنها نیروی کار خود را می فروشند ناگزیر از تبعیت از سرمایه داران و تحمل مجازات از جانب آنها هستند.

هر کارگری که میخواهد بفهمد جریمه چیست باید نسبت به این نکته کاملاً روشن باشد. او باید بداند تا آنجا که بتواند بین استدلال رایج (و بسیار اشتباه) را رد کند که جریمه لازم است چون بدون جریمه کارمندان غیرممکن است. او باید بداند تا آنجا که بتواند برای هر کارگری تفاوت بین جریمه و غرامت خسارت، اینکه چرا جریمه بمعنای فقدان آزادی کارگران است، اینکه آنها زیر دست سرمایه داران هستند را روشن سازد.

۲ - اخذ جریمه در گذشته چگونه بود و

محرکه گذراندن قانون جدید جریمه چه بود؟

قانون جریمه اخیراً یعنی فقط نه سال پیش وضع شده است. تا قبل از ۱۸۸۶ چنین قوانینی بهیچوجه وجود نداشت. صاحبان کارخانه نمیتوانستند هر جریمه ای را به هر دلیلی و به هر میزانی که خود میخواهند از کارگران اخذ کنند. کارخانه داران در ایجاد وحشتناکی جریمه میکردند و از این طریق مبلغ کلانی به جیب میزدند. گاهی اوقات جریمه های هیچ دلیلی و صرفاً "به دلخواه کارفرما" اخذ میشدند. گاهی اوقات جریمه تا نصف دریافتی کارگران میرسید با این ترتیب کارفرما ۵۰ کوپک از هر روز را به شکل جریمه بازیس میگرفت. مواردی هم بودند که جریمه های فوق العاده یعنی

قبلی بیش از یک روبل نباشد. بعلاوه، کارگران خواستار آن بودند که سطح دستمزدها به سال ۸۲ - ۱۸۸۱ برگردد و خواسته دیگری کارگران این بود که کارفرما در ازای روزهای که بدلیل قصور خودوی کار متوقف میشود دستمزد کارگران را بپردازد، هر موردی خارج حد قلم ۱۵ روز قبل اطلاع داده شود و مدیریت کارگاههای تولید شده را در حضور شهودی از بین کارگران تحویل بگیرد و غیره.

این اعتصاب عظیم تا شیریادی بر روی حکومت گذاشت. حکومت بعینه دید که وقتی کارگران بطور هماهنگ عمل میکنند نیروی خطرناکی را تشکیل میدهند، بویژه وقتی که توده کارگران هماهنگ عمل میکنند، خواسته‌های خود را پیش میبرند. کارفرمایان همچنین قدرت کارگران را لمس کردند و محتاط تر شدند. برای مثال روزنامه نویسه وریا (Novoye-vremya) گزارش زیر را از اوخووو - زویه و بجا پرسانید: "اهمیت طغیان‌های سال گذشته" (مثلاً طغیان موروزوف در ژانویه ۱۸۸۵)، "در اینست که بلافاصله نظم سابق کارخانه‌های اوخووو - زویه و کل منطقه را تغییر داد. یعنی نه فقط ما حبان کارخانه موروزوف مجبور شدیم سیستم شرم آور موجود را آنگاه که کارگران جملگی خواهان انقضاء آن شدند تغییر دهند، بلکه حتی ما حبان کارخانه‌های مجاور از ترس اینکه طغیان‌ها به کارخانه‌ها بشارت کفایت کنندتن به سازش دادند. همان روزها ما اظهار میداریم که "مسأله اصلی اینست که حالا با کارگران برخورد انسانی تری میشود، امری که قبلاً منحصر به عده کمی از مدیران کارخانه‌ها بود."

حتی روزنامه مسکو و سکیه و دو موسی (Moskovskiy Vedomosti) (این روزنامه ایست که حامی بیدریغ کارفرمایان است و در هر موردی کارگران را نکوهش میکند) نیز نا ممکن بودن حفظ سیستم قدیمی را در یافت و مجبور شد بپذیرد که جریمه‌گرددنیهای دلخواه "شیطانی است که بسوی سو، استفاذهای شرم آور هدایت میکند" و اینکه "انبارهای کارخانه‌ها، اما ما مال دزدی اند" و باین خاطر باید قانون و مقررات در مورد جریمه وضع شود.

معا که تعدادی از کارگران اعتصابی به تاسیر این اعتصاب افزود ۲۳ کارگر بخاطر طرفتارخشونت آمیز حین اعتصاب و حمله به گشتی‌های ارتش به محاکمه کشیده شدند (برخی از این کارگران در جریان اعتصاب دستگیر شده و در ساختمانهای زندانی شده بودند، اما آنها در راه شکسته و بیرون آمده بودند). این محاکمه در ماه مه ۱۸۸۶ در شهر ولادیمیر انجام گرفت. هیئت منصفه تمام متهمین را بیگناه اعلام کرد چون شهادت شهود، منجمله شخص کارخانه دار است. اس موروزوف، دیانوف (Dianov) مدیر کارخانه و تعدادی از کارگران کارخانه، سرکوب نفرت‌باری که به کارگران اعمال میشد را آشکار کرد. این حکم دادگاه نه فقط محکومیت مستقیم موروزوف و مدیران او بلکه محکومیت کل سیستم کهنه کارخانه‌ها هم بود.

مدای هدا ردهنده و خشم آگین حایان کارخانه داران بلند شدند. همان روزنامه مسکو و سکیه و دو موسی که بعد از طغیان کارگران بی عدالتی سیستم کهنه را پذیرفته بود، موضع تازه‌ای گرفت. این روزنامه اظهار داشت "کارخانه نیکولسکویه یکی از بهترین کارخانه‌هاست. روابط کارگران با کارخانه داران بهیچوجه ارباب رعیتی یا مبتنی بر اجبار نیست؛ کارگران دواطلبانه به کار می‌آیند و بی هیچ مانعی کارخانه‌ها را ترک میکنند. اما جریمه‌ها البته که جریمه در کارخانه ضروری است، بدون جریمه کارگران از کنترل خارج میشوند و انسان‌گزی را زیستن کارخانه میشود." این روزنامه نوشت که تمام تقصیرات به گردن خود کارگران است که

جریمه‌هایی بیش از حد معمول اخذ میشدند؛ برای مثال ده روبل بخاطر ترک کارخانه. هر موقع که کسب و کار کارفرما رو برآه نبود، او علیرغم قرا ردا دکار، تردیدی در کاهش دستمزدها نمیکرد. کارفرما سرکارگران را مجبور میکرد که در جریمه کردن و در عدم تاشید کارهای انجام شده، که همان تاشیر کارهای دستمزد کارگران را داشت، سخت گیرتر باشند.

کارگران برای مدتی طولانی تمام این فشار را تحمل کردند، اما هر چه کارخانه‌های بیشتر بویژه کارخانه‌های نساجی بیشتری تاسیس میشد، موسسات کوچکتر و دستبافی‌ها بیشتر از زورخوارج میشدند و بر خشم کارگران نسبت به استبداد و ستم افزوده میشد. حدود ۱۰ سال پیش لوزه‌ای در کسب و کار رجا رو کارخانه داران پیش آمد، لوزه‌ای که بحران نامیده میشود: محصولات روی دستشان مانند؛ ما حبان کارخانه متحمل ضرر شدند و با انرژی بیشتری به جریمه‌ها افزودند در سالهای ۸۶ - ۱۸۸۵ کارگران که در یافتی شان مثل سابق کم بود، نتوانستند فشار بیشتری را تحمل کنند، در نتیجه طغیان‌های کارگری در مناطق مسکو، ولادیمیر و روسلاول (Yaroslavl) رخ داد. کارگران که کاسه صبرشان لبریز شده بود کار را خوا باندند و به تلافی، انتقام سختی از ستمگران گرفتند، ساختمانها و ماشین آلات کارخانه‌ها را خراب کردند، بعضاً آنها را به آتش کشیدند، به مدیران کارخانه‌ها حمله کردند و غیره.

یکی از برجسته‌ترین این اعتصابات، اعتصاب کارخانه نساجی مشهور نیکولسکویه (Nikolskoye) متعلق به تیموفی ساویچ موروزوف (Timofei Savvich Morozov) (در شهر نیکولسکویه نزدیک ایستگاه اوخووو (Orekhovo)، در راه آهن مسکو - نیژنی نووگورود (Moscow-Nizhni Novgorod) بود. از سال ۱۸۸۲ به بعد موروزوف کارهای دستمزدها را پیش گرفت و تا سال ۱۸۸۴، مرتبه از دستمزدها کاسته شد. همزمان با کاهش دستمزدها نیز کسب و کار شدت فزاینده‌ای اخذ میشدند، در کل کارخانه به میلی حدودیک چهارم کل در یافتی کارگران (یعنی ۲۴ کوپک از هر روبل) و در مورد بعضی از کارگران تا نصف در یافتی شان رسید. در سالی که طغیانها شروع شد دفتر کارخانه به منظور پنهان کردن این جریمه‌های سنگین دست به این اقدام زد: کارگرانی که تا میزان نصف در یافتی شان جریمه شده بودند اخراج شدند، اما چند ساعت بعد در همان روز با دفترچه پرداخت جدید به سرکار برگردانده شدند. باین ترتیب دفاتری که حاوی آمار این جریمه‌های واقعی نبودند از بین برده شدند. در این کارخانه برای یک روز غیبت بدون اجازه معادل دستمزد سه روز از در یافتی کارگران کسر میشد و جریمه هر بار یکشیدن سیگار ۴۰۳ و یا ۵ روبل بود. بالاخره صبر کارگران تمام شد و در تاریخ ۷ ژانویه ۱۸۸۵ دست به اعتصاب زدند. آنها طی چند روز انبار کارخانه، خانه یکی از سرکارگران کارخانه بنام شورین (Shorin) و چند ساختمان دیگر را خراب کردند. این طغیان عظیم ده هزار کارگر (که تا ۱۱/۰۰۰ نفر هم رسید) دولت، اید و حشت انداخت و بلافاصله نیروهای ارتش، فرماندار، یک دادستان از ولادیمیر و یکی از مسکویه اوخووو زویه و (Orekhovo - Zuyevov) سرازیر شدند. در جریان مذاکره با کارگران اعتصابی، کارگران "شرایط مورد قبولشان" را به مدیریت ارائه کردند. در زمه این شرایط، کارگران خواستار آن بودند که جریمه‌های اخذ شده از عید پاک ۱۸۸۴ به بعد با زپس داده شود. از آن پس جریمه‌ها نباید بیش از ۵ درصد در یافتی‌ها یعنی نباید بیش از ۵ کوپک از هر روبل در یافتی کارگران باشد و جریمه یک روز غیبت بدون اجازه

قانون کار چگونه باید تصویب شود؟

پاسخ جمهوری اسلامی به این سؤال مثل هر دولت سرما به داری دیگر روشن بوده است. قانون کار توسط دولت تهیه میشود و در مجلس دولتی به تصویب میرسد. حداکثر به گروهی از کارچاق کن ها، پامنبری ها و سازشکاران اجاز داده میشود که به اسم کارگران درحاشیه کار دولت تبلیغاتی راه بیندازند و برای گول زدن کارگران و به منظور به تسلیم کشیدن توده های کارگزاران منبرهای دولتی ونیمه دولتی نوحه خوانی کنند.

جمهوری اسلامی برای منوال قانون کارش را از تصویب مجلس اسلامی گذرانده است و حال این قانون پشت دراناق شورای نگهبان معطل است تا تاثیرش شود و رسمیت بیابد. چنین قانونی برای طبقه کارگرا اعتبارش بیش از اعتبار خود جمهوری اسلامی، مجلس او، شورای نگهبان او و جمعاعت پامنبری های او درخانه کارگرو شورا های اسلامی نیست و نخواهد بود. ما کارگران نه فقط در مورد مضمون قانون کار رو بند بند و مفاد آن، بلکه علاوه بر آن در مورد تصویب آن نیز حیرت خودمان را داشته ایم و داریم.

ما کارگران می گوئیم: قانون کار، قانونی است که تمام ما و بیش از هر قانون دیگر به شرایط کار روزندگی ما مربوط است. قانون کار میخواهد تعیین کند که ما کارگران چند ساعت در روز یا هفته کار کنیم، چگونه دستمزد بگیریم، از چه سنی کار کنیم، کی بازنشسته شویم، چگونه استخفا شویم، چگونه با تهدید اخراج و برود شویم، به چه شکلی متشکل شویم، از حقوقمان چگونه دفاع کنیم، روابط مان با دولت و کارفرمایان چگونه تنظیم شود، درمان و بهداشت ما به چه صورتی در بیاید، بر سرزندگی و معیشت ما و خانواده مان چه چیزی حاکم باشد...؟ قانون کار، مسئله زندگی، کار و معیشت ما، مسئله ما میلیونها کارگرو خانواده های ما است. قانون کار، نزدیکترین و بی چون و چرا ترین مساله ما است. ما طرف اصلی قانون کار هستیم و قانون کار باید با دخالت و شرکت ما تدوین شود و از تصویب ما بگذرد و هر قانونی که کاری که چنین نباشد، همراه ما نداشته باشد، از بیخ و بن باطل است. ما کارگران از همان دوره قیام بهمن گفتیم و در تظاهرات و اعتصاباتمان برای فشرده کردن قانون کار را بیدار کردیم و کارگران تهیه شد و تصویب آنها را داشته باشد، اینرا

ما کارگران میگوئیم هر دولتی که بخواهد در این کشور یک قانون کار معتبر را تصویب برساند، یعنی قانونی که توافقی ما میلیونها کارگرا بین کشور را همراه داشته باشد باید چون و چرا و از همان بدو کار امر دخالت و شرکت آزادانه، عموم کارگرا در تدوین و تصویب قانون را بپذیرد و به آن گردن بگذارد. دولتی که بخواهد بر سر یک قانون کار را میلیونها کارگرا بران به توافق برسد باید قبیل از هر چیز دیگر آزادی اجتماعات و مجامع کارگری را بپذیرد، آزادی کارگران در انتخاب نمایندگان و دسترسی آنان به وسایل ارتباط جمعی را تضمین کند. آزادی کارگران در دست زدن به اعتصاب و ایجاد تشکل هایی که خودشان لازم می بینند را اعلام کند و تمام کارگران و فعالینی را که بخاطر دفاع از منافع کارگری در کنج زندانها اسیر شده اند بی قید و شرط آزاد کند. قانون کار را که دولت سرما به داری با سلب امکان دخالت توده های کارگر، با اتکا به سرکوب و زور سر نیزه خود و ازبالی سرکارگران به تصویب برساند، از نظر کارگران، قانون کار دشمنان نشان خواهد بود، قانونی که با ید همراه خود این دشمنان طبقه کارگر به زیر کشیده شود.

ما کارگران می گوئیم: قانون کار مصوب جمهوری اسلامی، قانون کار دشمنان طبقه کارگران است. حرف زدن از امکان دستمزد بهتر، چند روز مرخصی بیشتر و وعده هایی از این دست در قانون مصوب جمهوری اسلامی را هیچکس در صفوف ما نمیپذیرد و به هیچکس اجازت نخواهیم داد که این وعده های حقیر و روی کس را وسیله ای برای موعظه تسلیم و انتظار در صفوف کارگران به امید روزا جرای این قانون از طرف جمهوری اسلامی قرار دهد. ما دشمنی و

دشمنی جمهوری اسلامی و تمام بخش ها و ارگانهای این رژیم با کارگران را فراموش نکرده ایم و هیچگاه نمیتوانیم از این دهن پریم. ما هم اکنون می بینیم، در همان حال که آخوندها و مجلس شان قانون کار تصویب میکنند و پامنبری ها ایشان در مورد اصلاحات قانون کار در سخن میدادند، کل دولت جمهوری اسلامی وسیعترین و بی رحمانه ترین هجومی خود را علیه میلیونها کارگرا زمان میداد و میدهد. اگر در قانون کار جمهوری اسلامی وعده این میروند که در آینده ما معلومی دولت دستمزدها را بر مبنای خانواده، نفی اندکی ترمیم خواهد کرد، کل دولت جمهوری اسلامی هم اکنون و در عمل مشغول وسیعترین حمله به دستمزدها است. در کارخانهها دستمزدها به اسم باج و خراج جنگی کسر میشود، جای دیگر پرداخت دستمزدها به عقب می افتد و در بیرون کارخانهها، بازاری که درست به رنگ خود جمهوری اسلامی چون ظلمت سیاه است، نه فقط قدرت خرید دستمزد کارگر بلکه آخرین ذره رمق و انرژی خانواده او را نیز در صف های کالای بلعد، اگر در قانون کار جمهوری اسلامی و بر روی کاغذ وعده این داده میشود که اختیارات کارفرما در اخراج کارگر محدود تر خواهد شد، در عمل هم اکنون کل رژیم اسلامی با معمول کردن اقتصاد جنگی و با بهره رکو د کشیدن کارخانهها، هزاران و هزاران کارگرا به بیکاری میراند. نه آن سبیل بیکار سازیهای آغوش شده از ناسیونال و فیات روبه تمام ماردوننه آن زورگویی کارفرمایان و مدیران که هر کارگر معترض و حق جوئی را هر روز تهدید به اخراج میکنند. اگر در قانون کار جمهوری اسلامی از چند روز مرخصی بیشتر و یا بهتر کردن ایمنی محیط کار سخن رفته است و به کارگرو وعده ذره ای آمایش میدهد، آنچه که هم اکنون در عمل و بوسیله کل دولت جمهوری اسلامی به پیش میروند، چیزی که از همه قوانین نوشته شده و نوشته نشده، جمهوری اسلامی با قدری بیشتری معمول میشود، همان ددمنشی این دولت در فرستادن فرزندان کارگر به جبهه های جنگ، در زور و اجبارش برای بیرون کشیدن کارگران از کارخانهها و به خدمت گرفتن آنان در کشتار جبهه ها و بیگاری پشت جبهه ها و در تهاورد کردن کل زندگی و آخرین ذره آمایش هر کارگرو خانواده کارگری است.

کارگران! متحد باشیم و متحد شویم. ما دست هر آن کس را که بخواهد تحت لوای وعده های حقیر قانون کار جمهوری اسلامی در صفوف ما



دربرا برایین سیل حملات وحشی ترین دولت سرما به داری تسلیم و انتظا را موعظه کند ، خواهم شکست ، هر مواجب بگیري را که خواهد در امر اتحاد مستقل و کا ر دفاع و مبارزه مستقل ما دربرایین حملات جمهوری اسلامی به انتظا رقانون و قانونیت جمهوری اسلامی اختلال کند بر جای خود خواهم نشاند . ما به اتحاد خود و به مبارزه و برتشکل مستقل خود متکی هستیم . از حق خود درداشتن آزادی اعضا ب و تشکل با تمام نیرو دفاع خواهیم کرد . صفوفمان را دربرابر کل دولت جمهوری اسلامی ، مواجب بگیران این دولت و نوحه خوانی های قانون کار و متحد و مستحکم خواهیم کرد . اگر جمهوری اسلامی خود را مجبور دیده است که قانون کارش را با املاحتی آب

ورنگ بزند ، این هیچ معنای جزاین ندارد که خود این دولت بربر زبرفتا را اعتراضات و مبارزات تاکنونی ما ناچار شده است که حتی بنا به معیارهای قانون نویسی بورژوازی نیز به ضدکارگری و ضدانسانی بودن حملات خود به دستمزدها به شرایط کار ، تحمیل بیگاریا زیها و تنها کردن زندگی کارگران اعتراف کند . ناچار شده است که حتی بنا به معیارهای قانون نویسی سرما به داری نیز اعتراف کند که همه مبارزات و اعتراضات ما در مقابل این حملات سبانه و برحق است . دولت جمهوری اسلامی مجبور شده است که به حقانیت این مبارزات و اعتراضات ما اعتراف کند . نخواهیم گذاشت که دشمنان ما با این اعتراف خود جان بدر ببرند . با اتحادی بالاتر و نیرویی فشرده تر برای درهم شکستن حملات

دشمنان ما بیخیزیم . هر اخراج ، هر اقدام برای بیگاریا زنی ، هر تعرضی به دستمزدها و شرایط کار ، هر نقلایی برای اعمال فشارهای جنگی را با مبارزه مستقل خود پاسخ بگوئیم و به میدانی برای اتحاد صفوف کارگری و اعمال حق خود در آزادی اعتماد و تشکل تبدیل کنیم . دردل این مبارزات ما قدم به قدم اتحاد صفوف میلیونها کارگردر مقابل کل رژیم سلا می و دولت سرما به داری را بنا خواهیم نمود و با اتکا به نیروی آن فردا اراده خود را نیز در تصویب یک قانون کار انقلابی با بزرگترین اجتماعات کارگری ، با شورا های کارگری و با مطبوعات و تریبونهای کارگری اعمال خواهیم کرد !
زنده باد اتحاد کارگران !
مرگ بر جمهوری اسلامی !

بقیه از صفحه ۲۵

"بیمار ، مست و بیدقت" بوده اند . حکم دادگاه فقط میتواند "توده مردم را فاسد کند ." * مسکوک و سکیه و موسی ازدها نش می پرد که "با توده مردم شوخی کردن خطرناک است ." پس از حکم دادگاه ولادیمیر دال بر بیگناهی متهمین ، کارگران میبایست بفکر چه افتادها باشند؟ خبر این رای ما تندمادی و عدد در تمام این منطقه صنعتی پیچید . خیرنگار ما که بلافاصله بعد از اعلام حکم دادگاه از شهر ولادیمیر حرکت کرده بود خبر رای دادگاه را در تمام ایستگاه های راه آهن شنید . . . با این ترتیب کارفرماها با اعلام اینکه کونا ه آمدن در برابر هرخواست کارگران بلافاصله مطالبه دیگری را بدنیال مسی آورد کوشیدند که دولت را بتراست کنند . اما طغیانهای کارگری بیشتر ترا شده بود و در نتیجه حکومت ناگزیر به سازش شد .

در ماه ژوئن ۱۸۸۶ قانون جدید جریمه اعلام شد که موارد مجاز اخذ جریمه را تعیین کرده است ، این قانون حداکثر جریمه ها را مشخص کرده و مقرر میکند که جریمه ها تنها بیدیه جیب کارفرمایان برود بلکه باید صرفا احتیاجات خود کارگران باشد .

کارگران زیادی از مقادیر این قانون آگاه نیستند و آنان که مطلعند گمان میکنند فرجی که در راه بطنه با جریمه ها ایجاد شده ، لطف حکومت است و با پیدای مقادیر بخاطر این امر سپا سگزار بود . دیدیم که این اشتباه است . علیرغم تکبیت نظام قدیم کارخانه ها ، مقادیر مطلقا قدمی در راه بهبود وضع کارگران برداشتند تا اینکه کارگران علیه این نظم بیخاستند ، تا اینکه خشم کارگران آن قدر بالا گرفت که شروع به تخریب کارخانه ها و ماشین آلات ، آتش زدن کالاهای مواد اولیه و حمله به مدیران و صاحبان کارخانه ها کردند . فقط پس از این بود که حکومت به وحشت افتاد و عقب نشست ، کارگران بخاطر بهبودهای

— کارفرما و حامیان آنها همیشه فکر میکنند که اگر کارگران شروع به فکر کردن در باره شرایطشان نکنند ، شروع به مبارزه برای حقوقشان نکنند و برای مقاومت در برابر اعمال ننگین و ستمگری کارفرماها دست بدست هم بدهند اینها چیزی جز "فاسدان نیست" واضح است که این بفتح کارفرمایان است اگر کارگران به شرایطشان فکر نکنند و هیچ درکی از حق و حقوقشان نداشته باشند .

حاصله با پیدای مقادیر بلکه از قفا نشان سپا سگزار را شنید ، از کارگران که برای انفا آن رفتار شرم آور مبارزه کردند . بررسی تاریخ طغیان های ۱۸۸۵ با نشان میدهد که اعتراضات متحدها که کارگران چه نیروی عظیمی است . آنچه لازم است اینست که تضمین شود این نیرو با آگاهی بیشتری بکار بسته شود ، اینست که این نیرو برای گرفتن انتقام از چند کارخانه یا تخریب چند کارخانه منفرجه هد ر نرود ، بلکه کل نیروی این خشم و نفرت علیه کل همبسته کارخانه داران ، علیه تمام میت طبقه آنها جهت بگیرد و صرف مبارزه منظم و مستمر بر علیه آنها گردد .

حالا بگذارید قانون جریمه را در جزئیات بررسی کنیم . برای آشنایی به این امر بایده سوالات زیر پاسخ دهیم : (۱) قانون چه مواردی را تحت چه عناوینی اجازت اخذ جریمه را میدهد؟ (۲) میزان جریمه ها بر اساس قانون چه مقدار باید باشد؟ (۳) این قانون برای اخذ جریمه چه مراحل را مقرر کرده است؟ یعنی بر طبق این قانون چه کسی جریمه را تعیین میکند؟ آیا تقاضای تجدیدنظر در مورد هر جریمه ممکن است؟ بمنظور از پیش آگاه کردن کارگران باینست جریمه ها چه اقداماتی باید انجام شود؟ جریمه ها چگونه باید تثبیت شوند؟ (۴) بر طبق قانون ، جریمه ها میباید صرفا کداهزینه ها بشوند؟ پول های اخذ شده از کارگران کجا نگهداری میشوند؟ چگونه و بجا طرحدا منیاهای کارگران صرف میشوند؟ و بالاخره سوال آخر ، (۵) آیا قانون جریمه ، همه کارگران را در بر میگیرد؟

و قتی که تمام این سوالات را بررسی کرده باشیم ، دیگر نه فقط میدانیست جریمه چیست بلکه همچنین به تمام قوانین ویژه و جزئیات تنظیمات قانون جریمه در روسیه آگاه شده ایم . کارگران نباید به آگاهی از این قانون دارند تا برخوردارشان به هر مورد جریمه غیر منصفانه ، خواه به این خاطر که مدیریت کارخانه قانون شکنی میکنند یا به این خاطر که خود قانون مقررات غیر منصفانه ای در بردارند . را روشن سازند و سرا نجام اینکه قادر خواهند بود شکل مبارزه قانونی مناسب بر علیه هر مورد اجاف و زورگویی را بدرستی انتخاب کنند .

بقیه از صفحه آخر

مبارزات کارگران صنعت چاپ

نمایندگان هیئت مدیره هنوز مقداری باقی مانده است وارد نمودند، امتناع خود را از تشکیل یک کمیته با نمایندگان سابق برای برگزاری انتخابات بهمان داشتند، و از میان خود یک هیئت موسس ایجاد کردند تا برای تشکیل سندیکای جدید و برگزاری انتخابات مقدمات کار را فراهم آورد. در این هیئت موسس کارگزارانی از کیهان و نما پندگانی از کارگران آپادانا و افست نیز حضور داشتند. هیئت موسس پس از سه ماه که هر هفته جلسات عمومی با کارگران برگزار کرد، اساسنامه‌ای تدوین نمود و آنرا همراه فرم‌هایی که برای کاندیداتوری تهیه شده بود به کارگران ارائه و فراخوان به انتخابات برای تعیین هیئت مدیره جدید داد. همچنین از وزارت کار دعوت بعمل آمد تا نماینده‌ای را برای رسمیت یافتن انتخابات سندیکای جدید به جلسه انتخابات بفرستد. چرا که نمایندگان سندیکای قبلی با اتکا به مقررات و ضوابط سندیکا تنها در این صورت حاضر بودند دفاتر، اسناد و اموال سندیکا را تحویل دهند و استعفا نمایند. روز انتخابات (۱۰ اواسط مرداد ۵۸) فرا رسید. در این روز نمایندگان سابق نیز خواستار کاندید نمودن خود شدند و این برخلاف ضوابط انتخاباتی است که هیئت موسس تعیین کرده بود. هیئت موسس مقرراتی تهیه کرده که کاندیدها باید از طرف کارگران محلی که در آن بکار مشغول است از طریق جمع‌آوری امضاء تأیید گردد. هیئت مدیره سابق هیچکدام چنین تأییدیه‌ای نداشتند. با این حال اگر هیئت موسس خواهان رسمیت یافتن انتخابات سندیکا از جانب وزارت کار نبود نمیتوانست از کاندیداتوری آنها جلوگیری نماید. زیرا بر اساس مقررات و ضوابط قانونی مربوط به سندیکا ها که هیئت موسس مایل نبود خدشه‌ای بر آن وارد گردد، تشکیل سندیکای جدید، برگزاری و تعیین ضوابط انتخابات، و دعوت از اعضاء برای انتخابات از اختیارات هیئت مدیره سابق بود. برگزاری چنین انتخاباتی هنگامی معتبر میبود که نصف به اضافه یک اعضا در آن شرکت میکردند. برای انحلال سندیکای سابق و تشکیل سندیکای جدید این راه نیز در مقابل هیئت موسس بود که خود از میان اعضاء سندیکای قدیم به میزان نصف به اضافه یک اعضاء، عضوگیری کنند تا تعیین مقررات انتخاباتی در محدوده اختیارات او قرار گیرد. هیئت موسس به چنین اقدامی دست

نزد. حال هیئت موسس با آنکه بیش از ۵ ماه برای تشکیل سندیکای جدید و انحلال سندیکای قدیم فعالیت کرده بودند چنانچه در مقابل قبول کاندید شدن هیئت مدیره قدیم و پیوسته از رسمیت افتادن کل انتخابات و لاجرم سندیکای جدید از جانب وزارت کار، به خواست هیئت مدیره گردن گذارد. بدین ترتیب انتخابات برگزار گردید، هیئت مدیره جدید تعیین گردید و سندیکای جدید کارگران صنعت چاپ تهران در مرداد ماه ۵۸ یعنی ۶ ماه پس از قیام بهمین تشکیل شد.

تا همینجا مبارزه کارگران چاپ میتواند در سهای مهمی برای کارگران داشته باشد. ۱- دعوت از بورژوازی برای دخالت در امور کارگران! ایجاد تشکل کارگری امر خودکار کارگران است. کارگران نباید اجازه دهند تا بورژوازی در اموری که تنها مربوط به خود کارگران است دخالت کند. این تنها خودکار کارگران هستند که با پندگانی خود را تا شنیدن پند و نه دیگران. اینها از جمله اصول خدشناپذیری است که کارگران نباید هیچگاه آنرا زیر پا گذارند. اما کارگران صنعت چاپ تهران نه تنها در مقابل دخالت بورژوازی در امور کارگری ایستادگی نکردند بلکه خود برای دخالت دادن نمایندگان سرمایه‌داران در تشکیل سندیکای کارگران چاپ با رها به وزارت کار رجوع نمودند، از این اطاق به آن اطاق رفتند و "دوندگی" کردند. ایجاد تشکل‌های کارگری امر خودکار کارگران است و احتیاج به اجازه قبلی از دولت و نظارت نمایندگان دولت ندارد. دعوت از نمایندگان وزارت کار برای تعیین صلاحیت نمایندگان و صحت انتخابات دست بورژوازی را باز میگذارد تا هرگاه نمایندگان مورد نظر سرمایه‌داران سر از صندوق در نیارند، انتخابات را باطل کند و سرکار کارگران را در مبارزه برای انتخاب نمایندگان واقعی خود به سنگ بکوبد. همانطور که کارگران چاپ تهران ناگزیر شدند تا به کاندیداتوری هیئت مدیره قدیم گردن گذارند و چندانی از آنان نیز از صندوق آراء سردر آوردند. مبارزه برای آنکه دولت‌های بورژوازی تشکل‌های کارگری را بر رسمیت شناسند، امری اصولی و لازم است. اما نه از طریق باز کردن دست دولت و سرمایه‌داران در امور کارگران. بلکه با لگن، از طریق دفاع قاطعانه از استقلال کارگران در امور مربوط به خودشان؛ از طریق دفاع یکپارچه و متحد کارگران از شورا، سندیکا و نمایندگان نشان در مقابل تعرضات دولت و سرمایه‌داران؛ از طریق وادار

کردن دولت و سرمایه‌داران برای گردن گذاشتن به این خواست کارگران که دولت و سرمایه‌داران باید تشکل‌های کارگری را بدون هیچ قید و شرطی بر رسمیت بشناسند.

۲- کارگران صنعت چاپ تهران خود را اسیر قید و بندهای "قانونگرای سندیکالستی" نمودند. توده‌های کارگرو حمتکس با قیام خود رژیم شاه را سرنگون و تمام مقررات و قوانین سابق را لغو کردند؛ قانون‌گذاران و مجریان قانون رژیم شاه دست مردم مسلح و قیام‌کنندگان را رومار شدند؛ کارگران در بسیاری از کارخانجات با تشکیل شوراها کلیه امور کارخانه را بدست گرفته و مطالبات خود را رأساً به اجرا گذاشتند. در چنین شرایطی هیئت مدیره سندیکای دوران شاه خواستار طی شدن پروسه طبیعی و قانونی انحلال سندیکا و تحویل دفاتر و اموال آن با نظارت مراجع دولتی بودند. در مقابل نگرانی محافظه‌کارانه کارگران مبارز و پیشرو صنعت چاپ تهران از نقض مقررات سندیکای آنها را چنان نتوان ساخته بود که حتی قادر نبودند سندیکای زرد دوران شاه را منحل کنند. ۶ ماه پس از قیام، هنگامیکه شوراها در همه جا سربرآورده بودند و در بسیاری از کارخانجات برخلاف نظرات و سیاست‌های دولت کلیه امور را بدست داشتند، کارگران صنعت چاپ برای ایجاد سندیکای خود در وزارت کار بدنبال جلب رضایت نمایندگان تازه بقدرت رسیده سرمایه‌بوندگان تا یک نفر را برای نظارت بر انتخابات نشان گسیل دادند. کارگران در بسیاری از کارخانجات نمایندگان و هیئت مدیره‌های انتصابی دولت را به کارخانه‌ها اعزام نمودند، کارگران صنعت چاپ خود پیشقدم بودند تا دست وزارت کار را در امور کارگران باز گذارند.

سندیکای جدید کارگران صنعت چاپ نتوانست در میان کارگران پایگاه وسیعی بدست آورد. چرا که مبارزات کارگران در آن شرایط خود را محدود به آنچه برای سندیکا و سندیکالسم قابل فهم بود نمیکرد و این شرایط سندیکاران را نتوان از تائید شایسته و هدایت این مبارزات میکرد. بطور مثال مبارزات کارگران روزنامه آینه‌نگاران، انتشارات امیرکبیر، مجله خواندنی‌ها و چاپخانه افست ایستادگی به خود گرفت و به اشکالی نظیر اشغال و ماداره، اخراج ساواکی‌ها و مدیران قبلی دست یافت. هیئت مدیره در برخورد به این مبارزات زیر فشار از پائین و چندان کارگرمبارز در درون هیئت مدیره ناچار شد تا نسبت به تعدادی از این

وقایع عکس العمل نشان دهد تا از این طریق این مبارزات را به کمالهای مطابق با ظرفیت‌های کارسندیکای سوق دهد. سندیکا در برخورد به مبارزات کارگران کیهان کاری صورت نداد. از مبارزه کارگران آبنندگان تنها حمایت تبلیغی نمود. بر علیه مبارزه کارگران چا پخانه افست تحت این عنوان که آنها کمونیست هستند سمپاشی کرد. در مبارزه کارگران مجله خواندنی‌ها که کارگران آنرا مصادره کرده و کلیه اموری را بدست گرفته بودند پای رژیم اسلامی را بمیان کشید و مبارزه را از طریق مذاکره با دولت به سازش کشاند و خاتمه داد.

کشمکش میان اعضا هیئت مدیره بر سر خط مشی سندیکا، ریختن توهمات کارگران نسبت به هیئت مدیره سندیکا که برخوردش را به مبارزات و مشکلات حقوقی و صنفی خود دیده بودند، باعث شد تا سندیکا سیر نزولی خود را آغاز کند. در این شرایط دو نفر از اعضا هیئت مدیره استعفا دادند. سه نفر دیگر از اعضا هیئت مدیره که یک با ندرات تشکیل میدادند و رهبران یکی از اعضای هیئت مدیره سندیکای سابق بود که در سندیکای جدید نیز انتخاب شده بود، استعفا دادند. این باند دفاتر، مهر و اسناد اموال سندیکارا چون خزانه دار جزو باند آنها بود با خود بردند. بدین طریق سندیکای از نظر حقوقی منحل شده بود چرا که پنج نفر از اعضا هیئت مدیره آن استعفا داده بودند.

در همین دوران رژیم اسلامی سودویزه را لغو نمود. دو عضو باقی مانده هیئت مدیره با توجه به جو اعتراضی در میان کارگران نسبت به لغو سودویزه تعدادی از کارگران مبارزو پیشرو صنعت چا پ را خارج از کار در رهبری سندیکا گردهم آوردند. این کارگران مبارزو پیشرو که بعدها به "کمیته" دوازده نفره معروف شدند، تصمیم گرفتند تا اعتراض کارگران بر علیه "لغوسودویزه" را سازماندهی کنند. قرار شد که به کارگران صنعت چا پ فراخوان دهند تا در خانه کارگرتجمع کرده و از آنجا بطرف وزارت کار راهپیمایی کنند، در مقابل وزارت کار تجمع نمایند و تا وزیر کار در جمع کارگران حاضر نشود و به اعتراض کارگران پاسخ ندهد، آنجا را ترک نکنند. کمیته دوازده نفره در عین حال برای اینکه مسئله در وزارت کار زیاد کش پیدا نکند و کار به تحمّل نکشد اتفاق نظر داشت. بدنبال این فراخوان تلاش کمیته دوازده نفره برای گرفتن اجازه راهپیمایی از دولت به نتیجه نرسید و

میرسلیم وزیر کشور وقت قاطعانه با آن مخالفت کرد. رژیم اسلامی درکنار تهدید نمایندگان کارگران، با کارگرانی که می پنداشت در جلوگیری از این راهپیمایی میتوانست موثر باشد نیز جداگانه ارتباطاتی گرفت تا به هر نحوی که شده از برگزاری آن ممانعت بعمل آورد. از این طریق در میان سازماندهان این حرکت کارگری نیز تزلزل ایجاد شد. پس از مباحثات زیادی که در کمیته دوازده نفره جریان یافت بدین نتیجه رسیدند که راهپیمایی لغو شود و تنها یک میتینگ در خانه کارگر برگزار گردد. در رابطه با اینکه این مبارزه چگونه ادامه یابد و چه قطعنامه‌ای صادر شود، قرار شد تا در همان محل میتینگ با توجه به جو و روحیه کارگران تصمیم گرفته شود.

در روزی که کمیته دوازده نفره برای تجمع کارگران در خانه کارگر تعیین کرده بود، وزارت کار طی اطلاعیه‌ای که در برناممه اخبار ساعت ۲ رادیوی دولتی نیز پخش شد سندیکا و فراخوان آنرا غیرقانونی خواند. با این وجود حدود هزار نفر در منزل از کارگران به خانه کارگران تهران آمدند. مزدوران خانه کارگر که در آن زمان در تسلط حزب جمهوری اسلامی بود نتوانستند کوچکترین مانعتی از تجمع کارگران بعمل آورند. تنها پاسداران خیابانهای اطراف را بستند و کنترل نمودند. کمالی اداره کننده آن زمان خانه کارگر به پشت میکروفون آمد و مبارزه کارگران را مخالف اسلام خواند که با اعتراض کارگران روبرو شد و محل را ترک کرد. پس از آن یکی از نمایندگان سندیکا پشت تریبون رفت و کمیته دوازده نفره که این فراخوان را صادر نموده بود، به کارگران معرفی کرد و سپس تغییر تصمیم این کمیته را مبنی بر لغو راهپیمایی اعلام داشت که مورد اعتراض بخشی از کارگران قرار گرفت و بعضا جلسه را ترک کردند. قطعنامه‌ای که از طرف کمیته دوازده نفره خوانده شد چنین بود که ما خواهان سودویزه هستیم و در اعتراض به لغو سودویزه از طرف دولت اسلامی هر روز سرکار خود حاضر شده و پس از آن (عصر تا صبح روز بعد) در خانه کارگرتجمع کرده و تحمّل مینمائیم. قطعنامه مورد اعتراض شدید کارگران قرار گرفت و جلسه متشنج شد. برای ادامه این مبارزه نظرات و طرح‌های گوناگونی توسط کارگران مبارزو پیشرو حاضر در جلسه پیشنهاد شد اما هیچکدام نظرا کثرت کارگران را به خود جلب نشد. بدین ترتیب میتینگ کارگران بدون اینکه به تصمیم مشخصی منجر

گردد به اتمام رسید، سندیکای کارگران صنعت چا پ تهران عملاً و قانوناً منحل شد و کارگران مبارزو پیشرو تلاش دوباره‌ای را برای ایجاد سندیکای دیگری آغاز کردند. چا پ دارد تا اینجا به نکاتی پیرامون این حرکت کارگران چا پ اشاراتی کنیم:

الف: سازماندهی اعتراض کارگران به لغو سودویزه، یک نوع از سازماندهی عمل مستقیم کارگران، مستقل و خارج از سلسله مراتب و مقررات دست و پاگیر سندیکا بود. استقبال کارگران از این فراخوان نشان داد که کارگران چا پ این ظرفیت را داشتند تا قبل از آن نیز بسیج گردند و بورژوازی و دولت آن را تحت فشار قرار دهند. البته اعضا هیئت مدیره به این نوع از سازماندهی اعتراض کارگری اعتقاد چندانی نداشتند. قصد آنها از سازماندهی اعتراض کارگران توسط کمیته دوازده نفره این بود که حقانیت و نفوذ از دست رفته سندیکا را که ۵ نفر از اعضا هیئت مدیره آن استعفا داده بودند احیا نمایند و ترمیم سازند. بعبارت دیگر، آزاد کردن انرژی و پتانسیل مبارزاتی کارگران، دعوت از کارگران برای عمل مستقیم مستقل از سندیکا برای حقانیت بخشیدن دوباره به سندیکا، این بود آنچه اعضا هیئت مدیره از سازماندهی اعتراض کارگران توسط کمیته دوازده نفره دنبال میکردند.

ب: محدودنگری صنفی - سندیکای مانع از آن بود تا آنها در مبارزه بر علیه لغو سودویزه و بزه توسط رژیم اسلامی، کارگران کارخانجات دیگر را نیز مدنظر قرار دهند و تلاش کنند تا به شکل وسیعتری دست به اعتراض زنند. روحیه اعتراضی و مخالفت بر علیه سودویزه بخش وسیعی از طبقه کارگران ایران را دربر گرفته بود. این زمینه فراوانی برای سازماندهی مبارزه‌ای فرا تراز یک صنف و کارگران یک کارخانه فراهم آورده بود. استقبال کارگران کارخانجات دیگر از فراخوان کارگران چا پ و حضور آنها در خانه کارگر خود دلایلی بر این مدعاست. بیش از سیصد نفر از هزار اروپا تصد کارگری که در خانه کارگرتجمع کردند، کارگرانی بودند که بطور متفرق و با دسته جمعی از کارخانجات دیگر آمده بودند.

ج: طرح و برنامه کمیته دوازده نفره برای سازماندهی این مبارزه ناکافی بود. تجمع در خانه کارگرو راهپیمایی بطرف وزارت کار اگرچه شکلی از مبارزه بود که میتوانست در تهیه دیگر بخشهای کارگری در مبارزه بر علیه لغو سودویزه موثر واقع گردد و

این خودمهم بود اما کمیته دوازده نفره درباره اینکه پس از راهپیمایی بطرف وزارت کار و حضور وزیرکار در تجمع کارگران (واضح بود که وزیرکار طرح دولت یعنی لغو سودویژه را مجدداً تا شید می کند) چکار خواهند کرد، برنامه ای نداشتند. درباره اینکه مبارزه را چگونه ادامه میدهند، روشن نبودند و با در واقع نظرواحدی نداشتند. کمیته دوازده نفره باید با ویا بدون آکسیون و راهپیمایی، فراخوان به اعتصاب را در برنامه خود می گنجاند. در آن شرایط (اواخر شهریور ۵۹) اکثر چا پخانه ها مشغول چاپ کتابهای درسی بودند. کارفرمایان طبق قراردادی که با دولت داشتند میبایستی کتابها را سر وقت تحویل میدادند. ایستادگی کارفرماها در مقابل اعتصاب کارگران آنها را دچار ضرر و زیان بسیاری مینمود و از نظر سیاسی نیز مشکلاتی را برای رژیم اسلامی فراهم میکرد. گما اینکه پس از این آکسیون در خانه کارگر، کارگران چا پخانه آنها را دست به اعتصاب زدند و موفق شدند تا به میزان ۴ ماه حقوق، سودویژه دریاقت کنند. متعاقباً این اعتصاب در تعداد دیگری از چا پخانه های بزرگ، کارفرمایان برای جلوگیری از گسترش موج اعتصاب به وادخود سودویژه را در تقابل با طرح دولت پرداخت نمودند.

بهر حال سندیکا در دل این حرکت تقویت نشد بلکه وزارت کار آنرا رسماً و علناً منحل اعلام کرد اما کارگران صنعت چاپ به نقیض ضدکاری تعدادی از اعضاء مستعفی هیئت مدیره و همکاری آنها با وزارت کار برای انحلال سندیکا واقف شدند.

تشکیل سندیکا دوباره در دستور روز مبارزه کارگران مبارز و پیشرو صنعت چاپ تهران قرار گرفت. اما بدون درس گیری از گذشته، تلاش برای جلب نظر وزارت کار به شیوه سابق آغاز شد. وزارت کار کسبه انتخاب معارضاً زشکار و مورد نظر خود را (سه نفر از اعضاء هیئت مدیره سابق جزو آنان بودند) با توجه به نقیضی که در مبارزه برای سودویژه و انحلال سندیکای سابق بازی کرده بودند، دشواری یافت به عنوان وین گوناگون در مقابل ایجاد سندیکا سنگ اندازی مینمود. واعظی رئیس وقت امور سازمانهای کارگری در وزارت کار که از اعضاء حزب جمهوری اسلامی بود علناً بیان داشت که کلیه کسانی که در سازمانهای مبارزه علیه لغو سودویژه و میتینگ در خانه کارگر نقش داشتند حق شرکت در انتخابات و کاندید شدن را ندارند. بخش

دیگری از کارگران مبارز و پیشرو به جلو صحنه آمدند و هیئت موسس را تشکیل دادند. با این حال وزارت کار احتمال انتخاب شدن عناصر مورد نظر خود را نمیداد. بدین ترتیب یک جبهه متحد از عناصر ضدکارگر به کمک و همراهی وزارت کار به هر عملی دست زدند تا از ایجاد سندیکا جلوگیری کنند و این را در روز انتخابات با تبخویی نشان دادند.

هیئت مدیره پس از سه ماه تلاش توانست موافقت وزارت کار را برای انجام انتخابات در بهمن ۵۹ جلب کند. قرار شد تا وزارت کار نماینده ای را برای نظارت بر انتخابات به جلسه بفرستد. روز انتخابات در حضور نماینده وزارت کار و رئیس جلسه و ناظر بر انتخابات تعیین شد اما پس از آن نماینده وزارت کار جلسه را ترک کرد تا انتخابات را از رسمیت بیاندازد. نماینده وزارت کار دلیل آورد که دفاع سندیکای قبلی در جلسه موجود نیست تا او بتواند مطمئن گردد که آیا کارگران حاضر در جلسه ۱ - در سندیکای سابق عضو بوده اند یا نه. ۲ - نصف بعلاوه یک اعضاء قبلی سندیکا هستند یا خیر. کارگران به این عمل نماینده وزارت کار اعتراض کردند. برای عموم کارگران واضح بود که این یک توطئه از پیش طرح ریزی شده است. دفاع اسناد و اموال سندیکا نزد سه نفر عضو مستعفی هیئت مدیره سابق بود. آنها حاضر نبودند که این اسناد را به همان دلائلی که در اولین انتخابات مطرح شد، در اختیار هیئت موسس قرار دهند. به همین دلیل هیئت موسس با نمایندگان وزارت کار از قبل به توافق رسیده بود که خود آنها اسناد و دفاع سندیکا را از خزانه دار سابق پس بگیرند و با خود به جلسه بیاورند. کارگران صنعت چاپ تهران دو سال پس از قیام برای دومین بار رسماً از نمایندگان سرمایه داران دعوت کردند تا در امور کارگران دخالت کنند و نمایندگان سرمایه داران برای بار دوم نیز سرکار کارگران را به سنگ کوبیدند.

هیئت موسس پس از اعتراض به این عمل نماینده وزارت کار که آنرا کار شکنی در ایجاد سندیکا دانست، تصمیم به برگزاری انتخابات گرفت و کارگران نیز از آن پشتیبانی کردند. انتخابات برگزار شد و هیئت مدیره تعیین شدند. سندیکای جدید تمام تلاش و کوشش خود را بکار برد تا به کارگران اتکاء نماید و از طرف کارگران دارای حقانیت و ملاحظیت باشد. هیئت مدیره در جلسات هفتگی گزارشی از کارهای خود را ارائه مینمود و مشکلات و موانعی که در سر راه وجود داشتند را طرح میکرد و به بحث میگذشت. هیئت مدیره

از این طریق تلاش میکرد تا کارگران در امور سندیکا دخالت کنند و فعال شوند. سندیکا دست به انتشار نشریه ای بنام "بولتن چا پخانه ها" زد که سه هزار نسخه تیراژ داشت و هر دو هفته یکبار منتشر میشد.

وزارت کار سندیکا را برسمیت نمی شناخت. در همین رابطه سندیکای کارفرمایان طی بخشنامه ای از صاحبان چا پخانه ها خواسته بود تا از قبول نمایندگانی سندیکا در چا پخانه ها جلوگیری کنند و از رسیدگی سندیکا به شکایات کارگران ممانعت بعمل آورند. اما اینها هیئت مدیره سندیکا را تسلیم نکرد. سندیکا خود را بسط کارفرمایان تحمیل نمود و آنجا که ناچار بود حتی از "گلابی و دست به یقه شدن" با کارفرمایان خودداری نکرد. سندیکا با رسیدگی به مشکلات و شکایات کارگران و دفاع از مبارزان و تشان و نفوذی که از این طریق در میان کارگران کسب نمود وزارت کار را ناچار گردانید تا اگر چه رسماً بلکه در بسیاری از موارد سندیکا را عملاً بعنوان نماینده کارگران بپذیرد. بطور مثال، کارگران چا پخانه مهر ایران، که صاحبان به خارج رفته و مدیریت آنرا بمدت یکسال به شخص دیگری واگذار کرده بود، توانستند با دخالت حمایت ورا همما شیهای سندیکا چا پخانه را بدست بگیرند و خود را سا آنرا اداره کنند. ویا کارگران چاپ گوتنبرگ در اسفند ۵۹ بخاطر سودویژه دست به اعتصاب زدند و کارفرما را به گروگان گرفتند و تحسن کردند. سندیکا با دخالت فعال در این مبارزه زناً شیرات منفی ای که تشکل خود کارگران میتوانست در این مبارزه داشته باشد بدست کاست. کارگران در این مبارزه به مطالبات خود دست یافتند و سندیکا در این موفقیت نقش بسیاری داشت. با آغاز سال ۶۰ هیئت مدیره تلاش خود را برای برگزاری اول ماه مه آغاز کرد. هدف عمده ای که سندیکا و هیئت مدیره آن از این مراسم دنبال مینمودند طرح کردن "غیرقانونی" بودن خود افاضه وزارت کار بود تا از این طریق وزارت کار را برای برسمیت شناختن سندیکا تحت فشار بگذارند. برنامه سندیکا برای روز کارگر علاوه بر نمایش عکس، فیلم و سخنرانی، برگزاری یک راهپیمایی بود. اما قبل از آنکه سندیکا برنامه خود را برای روز کارگر علنی سازد وزارت کار طی اطلاعیه ای سندیکا را غیرقانونی خواند و به تبع آن برگزاری راهپیمایی در روز کارگر توسط سندیکا نیز غیرقانونی شد. سندیکا برنامه راهپیمایی را لغو نمود و برای برگزاری یک میتینگ ویا یک مراسم



درصد تهیه، یک مکان برآمد. پس از آنکه کلیه تلاشهای سندیکا برای تهیه، یک سالن به نتیجه نرسید به "انجمن همبستگی..." که وابسته به حزب توده بود رجوع کرد. "انجمن همبستگی..." خواستار تضمینهای کتبی از سندیکا در رابطه با مواضعش نسبت به دولست و رژیم اسلامی و همچنین محتوای سخنرانی و شعارها در مراسم روزگارگردشند. سندیکای کارگران صنعت چاپ تهران که در واقع به یکی از شعب وزارت کار، وزارت کشور و وزارت ارشاد اسلامی رجوع کرده بود ناچار شد تا به پاره‌ای از شروط "انجمن همبستگی..." وابسته به حزب توده گردن گذارد. سندیکا با محدودیت‌های فوق موفق گردید تا مراسم اول ماه مه را برگزار کند. اما این به رسمیت یافتن سندیکای از طرف وزارت کار کمی نگردید و این "کابوسی" بود که هیئت مدیره را تنهائی نمی‌گذاشت.

هیئت مدیره عمده نیروی خود را صرف برگزاری یک انتخابات جدید نمود، تا بلکه اینبار بتوانند "رسمی" و "قانونی" گردد. با طرح شدن انتخابات مجدد، عناضد کارگران و باستان به حزب جمهوری اسلامی به تحریک درآمدند. از میان این ضدکارگران اعضا، مستعفی هیئت مدیره، سندیکای قبلی که هنوز اسناد و دفاتر سندیکای قبلی را نزد خود داشتند در صدد برآمدند تا با جمع‌آوری امضاء از نصف بعلوّه، یک اعضاء انتخابات را خود برگزار کنند و سازمان دهند. این باند ضد کارگر که اعمالشان برای کارگران آفتاب شده بود اعتراض کارگران مواجه شدند و موفقیتی کسب نکردند. در مقابل هیئت مدیره نیز اقدام به جمع‌آوری امضاء نمود و کارگران پشتیبانی کردند. بدین ترتیب هیئت مدیره موفق شد بسیار بیشتر از حد لازم امضاء جمع‌آوری کند و برای گرفتن فرم انتخابات به وزارت کار رجوع نمود. وزارت کار از دادن فرم انتخابات به هیئت مدیره امتناع کرد. تنها هنگامی که برای وزارت کار میان شده که عناضد کارگران برای برگزاری انتخابات و ایجاد سندیکا با شکست مواجه شده‌اند و امکان موفقیتی ندارند از دردیگری وارد شد. وزارت کار دادن فرم انتخاباتی به هیئت مدیره را به این مشروط کرد که افراد مورد نظر آنها (بخوان سرما به داران) نیز بتوانند در انتخابات شرکت کنند و کاندید

شوند. هیئت مدیره پذیرفت. سومین انتخابات پس از قیام برگزار گردید. ترکیب هیئت مدیره تفاوت زیادی با هیئت مدیره سابق پیدا نکرد. وزارت کار سندیکا را برسمیت شناخت.

کارگران مبارز و پیشرو با توجه به تجربیات خود در این مدت تلاش تازه‌ای را برای سروسان دادن به وضع سندیکا، وسعت دادن هرچه بیشتر پیگانه آن در میان کارگران رسیدگی به مشکلات و مطالبات کارگران آغاز کردند. اما سی خرداد ۶۰ و تغییرات سیاسی در جامعه آنهار از پیگیری برنامه‌هایی که تدارک دیده بودند بازداشت. دستگیری نمایندگان کارگران و کارگران مبارز و پیشرو وسعت یافت. با توجه به جو اعراب در جامعه کارگران کمتری در جلسات عمومی سندیکا شرکت مینمودند. رژیم اسلامی سندیکا را برای تحویل لیستی از کارگران مبارز و پیشرو تحت فشار گذاشت. عناضد کارگران، عوامل حزب جمهوری اسلامی، توده‌ای‌ها و اکثریتی‌ها در جلسات عمومی سندیکا فشار زیادی را به هیئت مدیره آوردند تا سندیکا شروط و سازمانهای سیاسی اپوزیسیون را محکوم نماید. در مقابل سندیکا با توطئه چینی‌های مزدوران رژیم، توده‌ای‌ها و اکثریتی‌ها، عملاً گرایش به اینکه "ما کاری به سیاست نداریم" تقویت گردید. پرداختن به آندسته از حقوق صنفی کارگران که در چارچوب قوانین رژیم اسلامی امکان‌پذیر بود، افزایش یافت. در همین راستا سندیکا ایجاد تعاونی مصرف برای کارگران را چاره‌های کوچکی که خواست قدیمی این بخش از کارگران بود را در دستور گذاشت و بسیاری از مقدمات کار را نیز فراهم آورد. اما رژیم اسلامی سیاست "اول در خدمت رژیم اسلامی بودن و پس از آن به مسائل صنفی پرداختن" را در مقابل سندیکا پیش میبرد و به عناوین گوناگون در مقابل فعالیت‌های سندیکا سنگ اندازی میکرد. در چنین شرایطی با دستگیری یکی از اعضاء هیئت مدیره و تحت تعقیب قرار گرفتن تعداد دیگری از آنها، ادامه فعالیت سندیکا بیش از پیش دشوار گردید.

رژیم اسلامی آخرین ضربه خود را به سندیکا در بیست و دومین ماه، هنگامیکه کارگران در تدارک برگزاری مراسم سالگرد قیام بودند،

وارد آورد. سیاه پاداران با حمله به ساختمان‌هایی که دفتر سندیکا در آن بود، دفاتر، اسناد و اموال سندیکا را ضبط نمود و درب آنرا مهر و موم کرد. بدین ترتیب سومین سندیکای که کارگران صنعت چاپ تهران پس از قیام بهمن تشکیل داده بودند نیز منحل گردید.

آنچه در فعالیت و مبارزه سه ساله (بهمن ۵۷ تا بهمن ۶۰) کارگران صنعت چاپ تهران برای رسمیت یافتن شکل خود توسط بورژوازی مشهود است، نه تحمیل خود به سرما به داران از طریق سازماندهی کارگران برای دفاع از مطالبات، شکل و نماد پندگانشان بلکه از طریق باز کردن دست دولت و سرما به داران در امور مستقل کارگران است. کارگران صنعت چاپ تهران برای رسمیت یافتن شکل خود به همان دولت و وزارت کار رجوع میکنند که کارگران در دیگر بخشها در تقابل و در مبارزه با آنها شوراها را خود را بوجود می‌آورند، در بسیاری از کارخانجات کنترل تولید را بدست میگیرند و موفق میشوند تا بسیاری از مطالبات خود را رأساً بمورد اجرا گذارند. اقدامات متفاوت دوی بخش از جنبش کارگری در انقلاب ۵۷ در برخورد به مسائل طبقه کارگر ناشی از اعتقاد رهبران آنها به دو روش متفاوت بود. یکی اتکا به سازماندهی عمل انقلابی و عمل مستقیم کارگران و دیگری اتکا به قوانین و مقررات بورژوازی و سیرماندن در قید و بند های کار سندیکائی.

اگرچه با اواخره فدا انقلاب حاکم همه بخشهای جنبش کارگری را با قساوتی دم‌شانه به عقب راند و همه آنچه را که کارگران قبضه کرده بودند باز پس گرفت، اما تجربه این دوره از مبارزات کارگری نیز بروشنی نشان میدهد که طبقه کارگر برای پیشروی و برای نیل به پیروزی جز به نیروی مستقل خویش به هیچ چیز و هیچکس دیگر نمیتواند چشم امید داشته باشد.

رضا مقدم

کمیونیت

ارکان مرکزی حزب کمونیت ایران

آدرس‌های مستقیم
هیئت تحریریه

B. M. BOX 655
LONDON WC 1N 3XX
ENGLAND

ما هانه منتشر میشود.

B. M. BOX 224
LONDON WC 1N 3XX
ENGLAND

سر دبیر: خسرو دار

قدرت طبقه کارگر در شکل اوست

مروری بر مبارزات کارگران صنعت چاپ تهران

رسیدند که از کارگران چاپخانه های تهران دعوت بعمل آورند تا با تشکیل یک جلسه، سندیکای دوران شاه را منحل کنند و سندیکای جدیدی ایجاد نمایند. پس از فراخوان کارگران مبارز و پیشرو بخشی از کارگران چاپخانه های مختلف تهران گردهم آمدند که نما پندگاران سندیکای سابق نیز در بین آنها بودند. در این جلسه کارگران مبارز و پیشرو به سندیکای دوران شاه و نما پندگان نش شدت حمله کردند. نما پندگان سندیکای پسخ دادند، که از مدت قانونی نما پندگیشان هنوز مدت کمی باقی است. دفا تر، اسناد و اموال سندیکا را بعد از انتخابات و تعیین هیئت مدیره جدید، در حضور و نظارت یک مرجع دولتی (نما پندگان وزارت کار) تحویل خواهند داد. ضمناً پیشنها دکردند کمیته ای متشکل از خودشان و کارگران مبارز و پیشرو انتخاب گردد تا انتخابات را برگزار کنند. کارگران مبارز و پیشرو این بهانه را که از مدت قانونی بقیه در صفحه ۲۸

خود جان سختی نشان دادند که کارگران مبارز و پیشرو از سازماندهی اقدام انقلابی و عمل مستقیم کارگران اجتناب نمودند و بر قوانین و مقررات سندیکائی آنهم در یک دوران انقلابی، اتکا کردند. سندیکای کارگران صنعت چاپ تهران یکی از نمونه های بود که نه تنها قبل از قیام منحل نگشت و جای خود را به تشکیل واقعی و انقلابی کارگران نداد بلکه ما همها پس از قیام نیز دوا م آورد.

چند روزی پس از قیام کارگران چاپخانه های تهران با حمله به ساختمان خانه کارگر، قفل درها را شکستند تا مجلس یا دبوردیکی از کارگران چاپ بنام اکبر پارسا را که در درگیری های خیابانی جان خود را از دست داده بود، برگزار نمایند. در این گردهمایی که حدود ۲۰۰ نفر از کارگران شرکت کرده بودند، بحث انحلال سندیکای دوران شاه و تشکیل سندیکای انقلابی نیز به میان کشیده شد. پس از بحث های بسیاری که در این باره در میان کارگران مبارز و پیشرو در گرفت آنها بدین نتیجه

بررسی مبارزات طبقه کارگران ایران در انقلاب ۵۷ یکی از مهمترین شیوه های است که از طریق آن، طبقه کارگر تجربیات خود را مرور میکند، به نقاط قوت خود پی میبرد، به ضعف های خود و علل آن واقف میگردد تا در جهت رفع آن بکوشد تا در انقلاب آتی آگاهتر به منافع طبقاتی خود پا به صحنه گذارد و قدرت مند تر و فعال تر از آنها به دفاع برخیزد. مروری بر مبارزه کارگران صنعت چاپ تهران در دوره بهمن ۵۷ تا بهمن ۶۰ یکی از نمونه های است که برای جنبش کارگری ایران درسها آموختنی به همراه دارد.

با پیشروی های جنبش کارگری در سال ۵۷ و بویژه پس از ۱۷ شهریور انحلال سندیکاهای زرد که کارگران همواره علیه آن مبارزه کرده بودند، عملاً در دستور روز کارگران قرار گرفت. این سندیکاهای در هر کجا که کارگران انقلابی تر دست به عمل زدند، زودتر جای خود را به کمیته های اعتماد، کمیته های هماهنگی و شوراها دادند. اما سندیکاهای آنجائی از

با کمیونیت و صدای حزب کمونیست ایران مکاتبه کنید

در مکاتبه با ما به نکات زیر توجه داشته باشید:

- ۱) سازماندهی و برقراری رابطه تشکیلاتی حزب با هواداران از طریق مکاتبه صورت نمیگیرد.
- ۲) گزارشهای خبری را بطور غیر مستقیم، یعنی با کمک دوستان و آشنایان خود در خارج کشور، برای ما ارسال دارید.
- ۳) در صورتیکه میخواهید سوالات و نقطه نظرات سیاسی خود را در مورد مواضع و تبلیغات حزب و یا مسائل دیگر با ما در میان بگذارید و نا مه شما حاوی گزارشهای خبری نیست، میتوانیم نامه های خود را مستقیماً به آدرسهای اعلام شده پست کنید.
- ۴) در مکاتبه چه از طریق مستقیم چه غیر مستقیم، این نکات را آکید رعایت کنید: از نوشتن اطلاعاتی که میتواند باعث شناسائی افراد و اماکن آنها از طرف پلیس شود، در نامه ها و روی پاکت خودداری کنید، خط خود را حتی المقدور تنبیر دهید، نامه ها را از شهرهای کوچک و یا منطقه زندگی خود پست نکنید، نامه ها را حداقل در دو نسخه و از محیطهای مختلف پست کنید.

آدرس انگلستان

BM, BOX 3123
LONDON W.C 1N 3XX
ENGLAND

آدرس آلمان

POSTFACH 111547
6300 GIESSEN 11
W. GERMANY

صدای حزب کمونیست ایران

طول موجهای: ۷۵ متر و ۶۵ متر
ساعات پخش شنبه تا پنجشنبه: ۸/۵ بعد از ظهر و ۶/۴۵ صبح
جمعه ها: ۸ صبح و ۸/۵ بعد از ظهر
ساعات پخش بزبان ترکی: ۱۰
یکشنبه و چهارشنبه ۱۰ شب، دوشنبه و پنجشنبه ۸/۱۵ صبح

طول موجهای ۴۹، ۶۵ و ۷۵ متر
ساعات پخش: بعد از ظهر ۱۲/۳۰ تا ۱۳/۴۵ کردی
۱۲/۴۵ تا ۱۴/۱۵ فارسی
عصر ۱۷/۳۰ تا ۱۸/۴۵ کردی
۱۸/۴۵ تا ۱۹/۱۵ فارسی

در صورتیکه با فعالین حزب ارتباط ندارید، میتوانیم کمکهای مالی خود را به حساب بانکی زیر در خارج کشور واریز کرده و یک نسخه از رسید بانکی را بدی از آدرسهای علنی حزب ارسال نمائید.

ANDEESHEH
C/A23233257 (اندیشه)
NAT. WEST. BANK
75 SHAFTSBURY AVE.
LONDON W1V8AT
ENGLAND

زنده باد سوسیالیسم!